

# معلم ۷



ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای معلمان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزش و پرورش | دوره‌سی و چهار | فروردین ۱۳۹۵ | شماره پیاپی ۲۹۷ | تعداد صفحه: ۴۸ | قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

## روش بُرد-بُرد

تجربه یک دبیر ریاضی در  
مدیریت کلاس



زینت دین  
باشیم



بر مدار  
پیروزی



دانش آموزان و  
اقتصاد مقاومتی



خوشنویس  
طاهر

ISSN: 1606-9129  
www.roshdmag.ir

هنر عشق ورزیدن با خدا

وظیفه خدا خدایی است  
و وظیفه ما بندگی  
نماز می‌نماید که  
در این عالم بنده‌ایی است و خدایی!

طراح: سعید بهداد

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي  
قَرِيبٌ أَجِيبْ دَعْوَةَ  
الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا  
لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِلِعَٰلَمِهِمْ  
يُرْسَدُونَ



\* منبع

کتاب هنر عشق  
ورزیدن با خدا  
نویسنده: کاظم  
علیدینی مطلق  
چاپ دوم - ۱۳۸۹ -  
نشر افراگفت



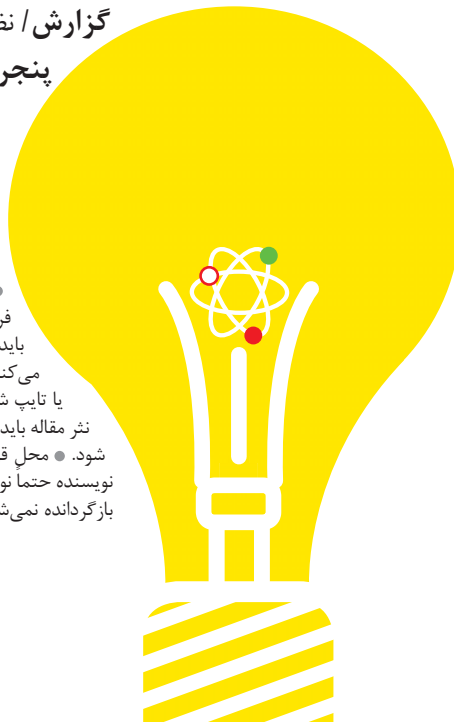
وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری  
سر دبیر: محمدرضا حشمتی  
شورای برنامه ریزی و کارشناسی:  
شهین ابروانی، علی اصغر جعفریان،  
لیلی محمدحسین، منصور ملک عباسی و  
فرزانه نوراللهی  
مدیر داخلی: بهناز پورمحمد  
ویراستار: جعفر ربانی  
طراح گرافیک: مجید کاظمی  
عکاسی جلد: اعظم لاریجانی  
تصویرگران: سید میثم موسوی، ابوالفضل  
محترمی، جمال رحمتی  
نشانی دفتر مجله:  
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶  
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۶  
تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۲  
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸  
پيامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۲۰  
roshdmag:   
وبگاه: www.roshdmag.ir  
پيامنگار: moallem@roshdmag.ir  
تلفن پيام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲  
کد مدیر مسئول: ۱۰۲  
کد دفتر مجله: ۱۱۵  
کد مشترکین: ۱۱۴  
نشانی امور مشترکین:  
تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱  
تلفن امور مشترکین:  
۰۲۱-۷۷۳۳۴۶۵۵-۶  
شمارگان: ۳۰۰۰۰ نسخه  
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

- روزها / مناسبت های فروردین ماه ۲
- یادداشت سردبیر / نوشته های خواندنی تر / محمدرضا حشمتی ۴
- چهل حکمت / انسان شناسی قرآنی / مهدی فیض، نوید خلعتبری ۵
- تنفس صبح / شمیم ستاره ها در نسیم رجب / صدیقه باقری ۸
- خاطره / پس از سی و پنج سال! / هوشنگ شرقی ۱۰
- گرافیک اطلاع رسان / بر مدار پیروزی / مجید کاظمی ۱۳
- تجربه ها / روش برد - برد / رقیه پیلهور ۱۶
- آب / مسئله های واقعی را حل کنیم! / سعیده باقری ۱۸
- خاطره / بهترین هدیه / مهرناز رفیعی ۲۰
- طنز / حرف های ناجور شاید هم جور / رویا صدر ۲۲
- کلیک کنید / سرطان چرا؟! / فرزانه نوراللهی ۲۴
- پنجره کلاس / بشنو از این پرده و بیدار شو / سعیده اصلاحی ۲۶
- تجربه / دانش آموزان و اقتصاد مقاومتی / نرگس سادات رحمن پور ۲۸
- تجربه ها / ضرورت رفتار مناسب با دانش آموزان پیش فعال / الهه ایزدبخش ۳۱
- معلمان بزرگ ایران / خوشنویس طاهر / جعفر ربانی ۳۴
- گفت و گو / فرزند مرا عشق بیاموز و دگر هیچ / سعیده باقری ۳۶
- حقوق مدرسه ای / احقوق دانش آموزی در منابع حقوقی / احمد مختاریان ۴۰
- گزارش / نظام آموزشی کشور باید به خودش آموزش دهد / نصرالله دادار ۴۳
- پنجره کلاس / زیبایی در چشم های من / مترجم: مجید عمیق ۴۸

#### قابل توجه نویسندگان و مترجمان

● مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند. ● مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بریک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله ها می توانند با نرم افزار word و روی لوح فشرده یا از طریق پیامنگار مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. ● شماره تماس و نشانی الکترونیکی نویسنده حتماً نوشته شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی شوند. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.







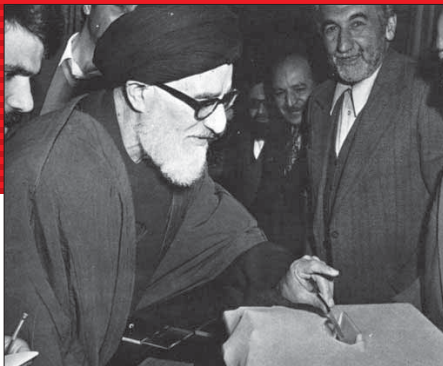
۱۱ فروردین / ولادت حضرت زهرا (س) و روز زن

## سایبان سعیده اصلاحی

تقدیم به مادرم که عمر گران بهایش را وقف  
کودکانگی های من کرده است.

خیالت، سایه انداخته بر تنهایی ام  
در حوالی تو  
همیشه آرامش می وزد  
و رودخانه ها،  
... در حنجرهات آواز می خوانند  
در گوشه دلت  
همیشه برایم جایی هست  
که گرم شوم

دلگرم شوم  
و خواب خورشید ببینم.  
تو، ذره ذره مال من شدی،  
و من روز به روز مال تو؛  
آنقدر مال من شدی  
که خودت را گم کردی  
گلدان من شدی  
و آرزوهایت را به شاخه هایم آویختی  
حالا من،  
درخت آرزوهای توام،  
و نمی دانم که؛  
... چند بهار، جوان تر شدنم را خواهی دید.



## ۱۲ فروردین / روز جمهوری اسلامی ایران

مردم ایران در روزهای دهم و یازدهم فروردین سال ۱۳۵۸ در همه‌پرسی استقرار جمهوری اسلامی شرکت کردند. ۹۸/۲ درصد مردم به جمهوری اسلامی رای مثبت دادند. به همین مناسبت، روز دوازدهم فروردین به عنوان "روز جمهوری اسلامی ایران" نام‌گذاری شد

## ۲۰ فروردین / روز شهادت آوینی

های گوناگون و گسترده هنر و اندیشه از خود به یادگار گذاشت، سالروز شهادت این هنرمند فرزانه (روز ۲۰ فروردین)، به عنوان روز هنر انقلاب اسلامی نامیده شده است.

از آن جا که شهید سیدمرتضی آوینی، تمام لحظه‌های عمر با برکت خود را پس از انقلاب اسلامی، در مسیر به فعلیت رساندن ارزش‌های اسلامی در قالب هنر صرف کرد و به حق در این راه خدمات ارزنده کم نظیری را در عرصه

## ۲۰ فروردین / روز ملی فناوری هسته‌ای

پاس‌قردانی از تلاش‌های افتخار‌آمیز دانشمندان جوان ایران اسلامی این روز در تقویم رسمی ایرانیان «روز ملی فناوری هسته‌ای» نام گرفت.

۲۰ فروردین ماه سال ۱۳۸۵ خبر دستیابی ایران به فناوری غنی‌سازی اورانیوم و راه‌اندازی یک زنجیره کامل غنی‌سازی در نطنز اعلام شد. در پی این خبر با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی، به

توضیحات بیشتر را از صفحه ۱۳ تا ۱۵ مطالعه نمایید. ←



## ۲۹ فروردین / روز ارتش جمهوری اسلامی ایران

مختلف آغاز کرد. به همین مناسبت امام امت روز بیست و نه فروردین را روز ارتش جمهوری اسلامی ایران نامگذاری کرد. امام خمینی (ره) روز پیوستن ارتش به مردم را با عبارت حکیمانه: "لحظه شادی بندگان خدا و یاس ستمگران" یک نقطه عطف درخشان و افتخار‌آمیز قلمداد فرمود.

انقلاب لبیک گفت و در نتیجه هم‌صدا و همراه با امت در براندازی رژیم ستمشاهی و ستیز بی‌امان با دشمنان داخلی و خارجی انقلاب برخاست و به عنوان نخستین بازوی توانمند نظامی انقلاب در جهت تحقق اهداف جمهوری اسلامی ایران تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و مستمری را با فداکاری و ایثار در ابعاد

۲۹ فروردین، روز ارتش جمهوری اسلامی ایران، در بزرگداشت حماسه‌آفرینی‌های دلاور مردان نیروی زمینی ارتش است. هم‌زمان با به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، ارتش رژیم شاهنشاهی که پیکره اصلی آن را جوانان برومند خانواده‌های مسلمان و اغلب مستضعف ایرانی تشکیل می‌داد، به ندای آسمانی رهبر

## نوشته‌های خواندنی‌تر

می‌نوشتند چه بسا وضعیت من و شما در کلاس درس متفاوت با امروزمان می‌شد. از نوشتن خسته نشویم، بلکه نوشتن را برای خودمان یک وظیفه آموزشی بدانیم. بعضی از معلمان خوش سلیقه دفترچه کوچکی همراه خود دارند و پس از کلاس درس نکاتی را در آن یادداشت می‌کنند. شاید یکی از رسالت‌های ما به عنوان معلم هر درسی این باشد که سعی کنیم بر نوشتن و درست نوشتن تأکید کنیم. تأکید بر نوشتن فقط وظیفه معلمان ادبیات فارسی نیست. چرا که نوشتن توانمندی و مهارتی است که فارغ‌التحصیل از مدرسه باید آن را برای دروس مختلف آموخته باشد. همه ما در این مهم نقش داریم. تجربه‌های هر یک از ما اگر به درستی و کامل نوشته شود می‌تواند به اندازه چند واحد درس دانشگاهی ارزش داشته باشد. خوشبختانه این مهم در برنامه‌های تربیت‌معلم دانشگاه فرهنگیان در نظر گرفته شده است.»

سؤال دیگر دانشجویان این بود که چگونه بنویسیم که نوشته‌های ما برای دیگران هم خواندنی شود؟ پاسخ من این بود که «ما باید زیاد بخوانیم و دقیق هم بخوانیم. در خواندن هایمان باید به نکات مطرح شده خوب فکر کنیم و سعی کنیم ارتباط موضوع را با امر یادگیری به دست بیاوریم. اثر دیگر این زیادخوانی و دقیق خوانی این است که گنجینه لغات ما افزایش پیدا می‌کند و در زمان نوشتن به کارمان می‌آید.»

نوشتن یک نوع رویش است و زمانی اتفاق می‌افتد که تمامی شرایط لازم وجود داشته باشد. همکاران گرامی! وقتی این دانشجویان با انگیزه برای انجام فعالیت‌های عملی خود به شما و مدرسه شما مراجعه می‌کنند، با روی باز این آینده‌سازان آموزش‌وپرورش کشور را بپذیرید و برای انجام درست فعالیت‌هایشان مشاور و یاری‌رسان آن‌ها باشید تا بتوانند با استفاده از تجارب شما به یادگیری خود غنا و عمق بیشتری بدهند. امید است برخورد و تعامل صادقانه و خالصانه شما عاملی باشد تا انگیزه آن‌ها برای ورود به آموزش‌وپرورش افزایش یابد. این رفتار شما خدمت بسیار ارزشمندی است برای فرزندان خودمان که در آینده دانش‌آموزان این معلمان با انگیزه خواهند بود.

کریم‌رضا حسینی

در آخرین روزهای پائیز سال گذشته فرصتی پیش آمد تا در یکی از پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان در کلاس‌های درس حضور پیدا کنم و از نزدیک شاهد فعالیت‌های گروهی از معلمان با انگیزه آینده باشم که در حال آماده شدن برای ورود به مدارس بودند. انگیزه قوی آن دانشجویان بیانگر این نکته بود که معلمی را دوست دارند. می‌دیدم در حالی که هنوز درس روش تحقیق و آمار نخوانده‌اند، وارد فضاهای تربیتی شده و برای سؤالات خود به دنبال جواب می‌گردند و برای حضور در مدارس و همچنین انجام بعضی فعالیت‌ها برای ارائه، یک روش را جزء برنامه‌های خود قرار داده‌اند. این دانشجویان با انگیزه حتی به موضوعات فراتر از محیط مدرسه نیز فکر می‌کردند و دغدغه‌های اجتماعی نیز داشتند. پاره‌ای از آنان در ارتباط با موضوعات کودکان کار، کودکان کم‌توان ذهنی و کودکانی که در پرورشگاه‌ها بزرگ می‌شوند مطالعه می‌کردند. استاد کلاس از من خواسته بود تا درباره «چگونگی نوشتن تجربه‌ها» گفت‌وگویی با آن‌ها داشته باشم. برای این منظور کتابی را با خود برده بودم که روایت‌های هفت مرد (آزاده) از زندان‌های موصل در زمان جنگ تحمیلی بود. قسمت‌هایی از کتاب را خواندم تا دانشجویان با نوعی از روایت‌نویسی آشنا شوند. به آن‌ها گفتم: نکته مهم در این نوع نوشتن این است که روایت باید در توصیف فضا آن چنان دقیق و روشن باشد تا خواننده خودش را در آن فضا و شرایط حاکم بر آن حس کند. سپس گفتم: همین نوشته‌ها می‌تواند زمینه‌ای برای پژوهش درباره یک موضوع مربوط به فرایند تعلیم و تربیت باشد.

سؤال عمده دانشجویان این بود که چگونه بنویسیم؟ پاسخ من نیز این بود که «آنچه را تجربه می‌کنید بنویسید. از نوشتن نترسید. نگران نارسا نویسی نباشید. وقتی نوشته‌های خودتان را بخوانید نوشته بعدی را بهتر خواهید نوشت. نکته دیگر اینکه در زمان نوشتن سعی کنید آنچه را در ذهن دارید بر روی کاغذ بیاورید.» گفتم: «همه ما تجربه‌های زیادی از دوران حضور در مدرسه داریم اما به دلیل ثبت نکردن این تجارب، دیگران از آن‌ها بهره‌ای نمی‌برند. بسیاری از معلمان ما اگر تجارب خود را



### پیشنهاد اول سردبیر

اگر دنبال نگاهی موشکافانه به تاریخ انرژی هسته‌ای در ایران هستید حتماً به گرافیک‌اطلاعرسان پایداری تا پیروزی در صفحه ۸ مراجعه کنید.



### پیشنهاد دوم سردبیر

در این شماره جعفر ربانی نگاهی تازه و نو به فضیلت‌های خوشنویسی و معلمی استاد طاهر خوشنویس دارد.

# انسان‌شناسی قرآنی

مهدی فیض  
نویده خلعتری

پیش از این، چند ویژگی اختصاصی انسان، ناشی از کیفیت خلق و آفرینش وی را معرفی کردیم. انسان به منزله حی متألّه، دارای کرامت، وجدان، حیات سه‌گانه، امانت و بیه، میل به کمال مطلق و دارای مؤلفه‌های چهارگانه وجودی است. به لطف خدا در این شماره، ویژگی‌های دیگری از فطرت انسان را معرفی می‌نماییم: هبوط انسان.

## حکمت بیستم

### انسان، از مقام علیا،

خداوند آبادانی سرای آخرت را، برای همه انسان‌ها، هدف غایی قرار داده است، پس انسان خداگونه نیز، به دنبال تأمین آخرت همگان در بالاترین درجه ممکن است. همان‌طور که خدا آخرت را برای خودش دنبال نمی‌کند، انسان تقرب یافته نیز آخرت را برای خودش دنبال نمی‌کند، بلکه برای دیگران می‌خواهد. چنین انسان رشیدی، چون سعادت آخرت را برای همگان دنبال می‌کند، دچار خودخواهی نمی‌شود. باید دانست که، بنابر تعبیر امام خمینی (ره)، «خودخواهی با خداخواهی جمع نمی‌شود». حال باید دید انسان‌هایی که خود را در این درجه قرار نمی‌دهند، چه انگیزه و نیتی را می‌یابند. آیه زیر به ما می‌گوید که خداوند به انسان، بهترین نظام و ساختمان وجودی را بخشید و پس از آن، همه انسان‌ها را در دنیا (اسفل السافلین) قرار داد. حضور انسان در دنیا به معنی این است که خدا او را در پایین‌ترین درجه عالم قرار داده است تا حرکت کند و خودش بالاترین درجه ممکن را برای خویشتن در عالم مهیا نماید: ما انسان را در نیکوترین نظم و اعتدال و ارزش آفریدیم. (۴) آن‌گاه او را به پست‌ترین درجه عالم بازگردانیدیم. (۵) مگر آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، پس آنان را پاداشی بی‌منت و همیشگی است. (تین: آیه ۶)

حال باید دانست که حتی انسان تقرب یافته، با آن مرتبه از نیت (خواستن سعادت ابدی برای همگان)، ممکن است دچار هبوط شود و امیال او نیز به همراه خودش، هبوط پیدا کنند. در واقع داستان هبوط آدم و حوا، داستان همه انسان‌ها و خطای او نیز، خطای

انسان، از مقام علیا، به عالم دنیا هبوط کرده است گفته شد که مؤلفه‌های چهارگانه در وجود انسان، زمینه بالا رفتن یا پایین آمدن درجه انسانی هر کس را فراهم می‌کند. این چهار مؤلفه (نیت، باور، خلق و عمل) برای انسان «تقرب یافته» و «خلیفه‌الله» در سطح بالایی در قرآن قابل شناسایی هستند. در اینجا انسان تقرب یافته به معنای انسان خداگونه شده است. حال پرسش اینجاست که نیت یک انسان خداگونه چیست؟ که باید گفت: انسان خداگونه همان چیزی را دنبال می‌کند که خداوند، در عالم هستی، می‌خواهد. باز باید پرسید: خداوند در عالم هستی برای انسان‌ها چه می‌خواهد و چه چیزی را دنبال می‌کند؟ آیه‌های زیر راهگشای پاسخ به این پرسش است:

شما [انسان‌ها اکثراً] پیامدهای زندگی دنیا را دنبال می‌کنید، در حالی که خداوند آخرت را [که سرچشمه حیات] است، هدف قرار داده است و آن را دنبال می‌کند. (انفال: آیه ۶۷)

[شما مسلمانان و دیگر انسان‌ها] آیا به کالای زندگی دنیایی به جای آخرت [و سرچشمه حیات] دل خوش شده‌اید؟ در حالی که کالای زندگی دنیا در برابر آخرت جز کالایی اندک نیست. (توبه: آیه ۳۸)

اگر [به حیات آخرتی و سرچشمه حیات] کافر شوید [زیانی به خدا نمی‌رسانید؛ زیرا] خدا از شما بی‌نیاز است، ولی کفر را برای **بندگان**ش نمی‌پسندد؛ و اگر سپاس‌گزاری کنید آن را برای شما می‌پسندد. (زمر: آیه ۷)



همه انسان‌هاست و نه خطای شخصی آن دو. به تعبیر علامه طباطبایی، آدم نماد همه مردان و حوا نماد همه زنان عالم است و خطای آن دو، همان خطای عمومی انسان‌هاست که ریشه در نیت و مقصد آن‌ها دارد و همین امر سبب هبوط آن‌ها به دنیا شده است.

پس شیطان، هر دو را از [طریق] آن درخت لغزاید و آنان را از آنچه در آن بودند [مرتبه معنوی و بهشت موقتی‌شان] بیرون کرد. و ما گفتیم: [ای آدم و حوا و فرزندانشان] ای ابلیس! در حالی که دشمن یکدیگرید، فرود آیید و برای شما در زمین، قرارگاهی [برای زندگی] و تا مدتی معین، وسیله بهره‌وری اندکی مهیا خواهد بود. (۳۶) پس آدم کلماتی را از سوی پروردگارش دریافت کرد و [پروردگار] توبه‌اش را پذیرفت؛ زیرا او بسیار توبه‌پذیر و مهربان است. (بقره: آیه ۳۷)

تنها عده‌ای از اولیای الهی‌اند که این خطا از ایشان سر نزده است. آن بلندهمتان نیز، همچون سایر آدمیان، به دنیا که پست‌ترین عوالم است آمده‌اند، اما وجود خود را آلوده به آن خطایی که دیگران مرتکب شده‌اند، نکرده‌اند، بلکه و در راه نجات و رضوان الهی

حرکت کرده و به قرب حق رسیده‌اند؛ همان دنیایی که باطن و حقیقت آن، جهنم سوزان است. آیه زیر انسان‌های هبوط یافته را به پیروی از این بزرگواران دعوت می‌کند و عاقبت نیک پیروی از آن‌ها را «بشارت»، و پیامد چشم‌پوشی از این هدایت را «بیم» می‌دهد:

گفتیم: همگی از آن [مرتبه و مقام] فرود آیید؛ پس چنانچه از سوی من هدایتی برای شما آمد، کسانی که از هدایتم پیروی کنند نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین شوند. (۳۸) و کسانی که کافر شوند و [و حقیقت را بپوشانند] آیات ما را تکذیب کرده، اهل آتشند و در آن جاودانه خواهند بود. (بقره: آیه ۳۹)

بنابراین به‌طور خلاصه می‌توان گفت هبوط شامل همه انسان‌ها است و آیات زیر همگی به این واقعه (یعنی حضور انسان در دنیا که باطن آن جهنم است) اشاره دارند: (مریم: آیه ۴، ۵، ۶، ۷۲)

در ادامه، مسیر هبوط انسان و انگیزه‌های تنزل یافته وی و پیامدهای آن را دنبال می‌کنیم. لازم به تأکید است مدلی که در ادامه معرفی می‌شود استنباط ما از آیات قرآن کریم است و از جایی به وام نگرفته‌ایم.

## حکمت بیست و یکم

### مراتب هبوط انسان‌ها

مسیر هبوط انسان‌ها مراتبی از نیت‌های وی را شامل می‌شود. این هبوط می‌تواند از مرتبه «میل به خداگونه‌شدن» تا مرتبه نازلۀ «میل به لذت دنیایی» باشد. وقتی قرآن کریم می‌فرماید «ای انسان‌ها هبوط کنید»، منظور این نیست که از یک جایگاهی به جایگاه دیگری بروید و کار تمام شود، بلکه منظورش

این است که این انسان دچار افت می‌شود. این افت را می‌توان در آیات متعدد مشاهده کرد و از این طریق به مراتب نیت، انگیزه و میل انسان‌ها پی برد و مسیر هبوط او را به‌دست آورد. در ادامه، این مراتب به همراه آیات مربوط به آن معرفی می‌شوند.

## نقطه صفر

### میل به خداگونه‌شدن

اولین جایگاهی که انسان در آن قرار داشت، دارای میل به خداگونه‌شدن بود که در آیات زیر معرفی می‌شوند:

بگو: اگر چنین هستید که خدا را دوست می‌دارید [و البته که این‌گونه هستید و با این حب آفریده شده‌اید] پس مرا [پیامبر را] پیروی کنید تا خداوند نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببامزد؛ که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (آل عمران: آیه ۳۱)

آیه فوق می‌فرماید در ذات انسان این «حب» نهفته است. حب به هر چیز به‌معنای میل به همگون

شدن با آن است. حب انسان به خدا، به‌معنای میل به همگونی با خدا و میل به خداگونه‌شدن است. همچنین حب خدا به انسان به‌معنای این است که خداوند کاری کند که انسان همگون او شود. (در واقع حب خدا از جنس اراده و فعل اوست.) بنابراین می‌توانیم معنای عمیق‌تری از آیه را دریافت کنیم: «اگر چنین هستید که میل به خداگونه‌شدن دارید، [که البته این‌گونه هستید و همین‌طور آفریده شده‌اید] بپایید از من، یعنی پیامبر، پیروی کنید تا خداوند اراده کند که شما با او همگون شوید و خداگونه گردید.»



ضمناً برای جلوگیری از آفت شرک و تشبیه در خداگونه شدن، آیه زیر راه‌گشاست:

[ای پیامبر!] بگو این راهی است که من عرضه می‌کنم: دعوت به‌سوی خداوند می‌کنم، دعوتی با چشم باز [و نه کورکورانه]. من و هر فردی که دنباله‌روی من است چنین دعوتی می‌کند. و البته خداوند از هر چیزی که در ذهن و دل شماست منزّه و برتر است؛ و من از مشرکین نیستم. (یوسف: آیه ۱۰۸)

آیه محتملاً می‌گوید: انسان می‌تواند «آئینه تمام‌نمای خداوند» بشود ولی فرق زیادی است بین انسان رشید (رشدیافته) و خداوند سبحان؛ همانند فرق بین فردی که روبه‌روی آئینه است با تصویری که در آئینه است. حقیقت یکی بیشتر نیست و آن خداست؛ بقیه موجودات جلوه‌های او هستند و انسان‌ها می‌توانند جلوه تام خداوند باشند، به

شرطی که در عمل، از پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی کنند. و البته چون خداوند ذات لایتنه‌ای دارد، لذا خداگونه شدن انسان به‌معنای رسیدن انسان به مقام الوهیت نیست، بلکه به‌معنای نزدیک و نزدیک‌تر شدن او به مقام قرب الهی است؛ چنانچه در آیات معراج آمده است: ثُمَّ دُنِيَ فَتَدَلَّى، فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ او ادْنَى.

اما اتفاقی که برای آدم و همچنین حوّا رخ داد این بود که نسبت به نهی خداوند از نزدیک شدن به شجره ممنوعه، بی‌اعتنایی کردند و لذا مقصد اصلی خود را که همانا خداگونه شدن بود گم کردند و به سطح پایین‌تری رضایت دادند: ... وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى (طه: آیه ۱۲۱)

و آدم، پروردگارش را نافرمانی کرد و لذا مقصد اصلی خود را نیز گم کرد!

بر این اساس به مرتبه جدیدی هبوط کرد:

#### \* بی‌نوشت

۱. برای توضیحات بیشتر در مورد هبوط انسان، به تفسیرهای امام خمینی(ره) ذیل آیات مطرح شده در منبع زیر مراجعه شود: تفسیر قرآن کریم؛ برگرفته از آثار امام خمینی(ره). مقدمه، تحقیق و تعلیق: سیدمحمدعلی ایازی؛ زیر نظر آیت‌الله محمدهادی معرفت، نشر عروج.

### مرحله اول

#### میل به مُلک جاودانه

پس شیطان به سراغ آدم آمد و او را اینچنین وسوسه کرد: آیا می‌خواهی تو را به درخت جاودانگی و ملک فناپذیر، راهنمایی کنم؟ (طه: آیه ۱۲۰) اینچنین آدم، و به تبع او حوّا، فریب خورد و به جای خداگونه شدن، به رسیدن به مُلک جاودانه، رضایت داد! و سپس از این مرحله نیز هبوط کرد:

### مرحله دوم

#### میل به عزتمندی آخرت

هر کس عزّت و سربلندی می‌خواهد بداند که: سربلندی یکسره از آن خداست. وجود پاکیزه به‌سوی او بالا می‌رود و کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد و کسانی که با حيله و مکر، کارهای ناشایست مرتکب می‌شوند تا به عزّت دست یابند، عذابی سخت خواهند داشت و نیرنگشان بی‌ثمر خواهد بود. (فاطر: آیه ۱۰)

اما انسان در این مرحله نیز توقف نکرد و باز هم هبوط کرد، ولی این بار هبوط از یک مقصد آخرتی به مقصد آخرتی پایین‌تر!

### مرحله سوم

#### میل به لذت آخرتی

آیا هر یک از آدمیان طمع دارد که در بهشت پر نعمت، درآورده شود؟! (معارج: آیه ۳۸)

این آیه نشان می‌دهد که همه آدمیان میل و شوق حضور در بهشت و بهره‌مندی از نعمت‌های آن را دارند. کما اینکه امیرالمومنین (علی(ع) در این باره فرموده‌اند: آلا و انی لم ار کالجنه نام طالبها! هشیار باشید که من هرگز چیزی چون بهشت ندیده‌ام که مشتاقانش، اینچنین در خواب باشند!

### مرحله چهارم

#### میل به عزتمندی در دنیا

مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (نساء: آیه ۱۳۴)  
الَّذِينَ يَتَخَذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئِنَّهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (نساء: آیه ۱۳۹)

### مرحله پنجم (اسفل السافلین)

#### میل به لذت دنیایی

زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِصَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَآبِ (آل عمران: آیه ۱۴)  
عشق و علاقه به خواستنی‌های گوناگون، از مسایل جنسی و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشاندار و دام‌ها و کشتزار[ها] برای مردم آراسته شده‌است، لیکن اینها تماماً مایه تمتع و لذت و بهره‌مندی در زندگی دنیاست و [حال آنکه] فرجام نیکو نزد خداست (۱۴)

### جمع‌بندی

جمع‌بندی مطلب اینکه انسان، از میل به خداگونه شدن، به تدریج هبوط (افت، تنزل) کرد و تا بدین جا رسید که تمام هم و غمش رسیدن به لذت‌های دنیوی و تمتع از امکانات و فرصت‌های دنیا شد، و ما و شاگردان ما نیز همگی اینچنین گشته‌ایم. در شماره بعد، ان‌شاءالله برخی ویژگی‌های دیگر انسان را بررسی خواهیم کرد.

# نسر حجب

## شمیم ستاره‌ها در

صدیقه باقری  
دبیر دین و زندگی  
منطقه ۶ تهران

عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَبْعُونَا. (بحار الانوار / جلد ۲: ۱۵۱) یعنی رحمت خدا بر بنده‌ای که امر ما را زنده کند. (گفتند: امر شما چگونه زنده می‌شود؟ فرمود: دانش‌های ما را فرا گیرد و به مردم بیاموزد. اگر مردم به سخنان نیکوی ما آشنا شوند، قطعاً از ما پیروی می‌کنند.)

پس زنده کردن امر ائمه بر ما تکلیف است، ولی ما کدام امرشان را زنده کرده‌ایم؟ با بیان کدام گفتار زیبا و دلنوازشان یا کدام رفتار تربیتی ایشان توانسته‌ایم دانش‌آموز امروزی را به سمت ایشان تشویق و ترغیب کنیم؟

بیاییم فقط به بیان یک سخن از این بهترین راهبران و رهنمایان اکتفا کنیم:

امام باقر و امام صادق (ع) بارها توصیه و تأکید کرده‌اند:

کُونُوا لَنَا زِينًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا؛ یعنی مایه زینت ما باشید و باعث آبروریزی ما نباشید.

جهت ادای تکلیف و انجام وظیفه در قبال ایشان و عمل به این حدیث، راه‌های متعددی وجود دارد. به لحاظ اینکه در ماه رجب قرار داریم، بهتر است راهی متناسب با این زمان را بررسی کنیم.

یکی از راه‌های تحقق این توصیه تأکید این است که حداقل یکی از خصایل و فضایل اخلاقی پیشوایان معصومی را که ولادت یا شهادت آن‌ها در این ماه واقع شده است الگو و سرلوحه امور و نصب‌العین خود در زندگی قرار دهیم:

فروردین و اردیبهشت امسال (۱۳۹۵ ش) مصادف است با ماه رجب؛ ماهی سرشار از مناسبت‌های شاد و فرح‌بخش. این ماه با ولادت مبارک امام باقر (ع) آغاز می‌شود و با عید مبعث خاتم‌الأنبیا حضرت محمد (ص) پایان می‌یابد.

در نیمه اول این ماه خجسته، ولادت سه امام بزرگوار واقع شده است. امام باقر (ع)، اول رجب؛ امام جواد (ع)، دهم رجب؛ امام علی (ع) سیزدهم رجب. سالگرد شهادت دو امام دیگر نیز در این ماه است؛ امام هادی (ع) و امام کاظم (ع)، بیست و پنجم رجب. وفات حضرت زینب (س) نیز در پانزدهم رجب است. معمولاً ماه رجب را به خاطر دو عید بزرگ (تولد امام علی (ع) و مبعث رسول اکرم (ص)) بزرگ می‌داریم اما از مناسبت‌های دیگر در این ماه - چه شادی و چه غزا- و به ویژه شهادت دو امام دیگر، به سادگی عبور می‌کنیم.

اما سؤال اینجاست:

آیا وظیفه و تکلیف ما در قبال این ستارگان آسمان امامت و ولایت، فقط جشن گرفتن و شادی کردن به میمنت تولدشان یا سوگواری و مرثیه‌سرایی به مناسبت شهادتشان است؟ آیا تکلیف و وظیفه‌ای مهم‌تر و ضروری‌تر نداریم؟

برای پاسخ به این پرسش، اندکی تأمل در این سخن امام رضا (ع) ثمربخش است:

رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أُمَّرْتَا (قِيلَ كَيْفَ يُحْيِي أُمَّرْكُم؟ قَالَ) يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ. فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ

بیاییم زینبی  
باشیم. یعنی  
همچون او زینت  
پدران امت  
اسلامی باشیم.  
مانند او مخالف  
ظلم و ستیز  
باشیم و با جهل  
و ظلم‌پذیری  
و جاهل و  
ظالم‌پروری  
مبارزه کنیم

از امام باقر (ع)، شکافنده علوم و سپس معلم بودن را بیاموزیم. دقت کنیم که ایشان فراتر از عالم بودند. باقر یعنی شکافنده. یعنی ما باید مانند ایشان در علمی که تدریس می‌کنیم - از درس‌های علوم پایه مانند فیزیک و شیمی تا درس‌های عمومی مانند زبان انگلیسی و ادبیات، ژرف‌اندیشی و پژوهش بنیادی کنیم و به دانش‌آموزان هم از سطح به عمق مطالب درسی رسیدن را بیاموزیم، تا نسلی اهل اندیشه و پژوهش پرورش یابد نه نسلی که فقط مخزن دانسته‌ها شده است با دانش سطحی، محدود و ناپایدار.

از امام کاظم(ع) کظم غیظ و گذشت از خطاهای دیگران را بیاموزیم. در قرآن هم آن گاه که خداوند از وسعت و عظمت بهشت سخن می گوید، در ادامه، بعد از بیان اینکه چنین بهشتی برای متقین آماده شده است، در توصیف آنان صفاتی را برمی شمارد، از جمله:

... وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَاقِلِينَ  
عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ  
(آل عمران/ ۱۳۴).

همه خشم خود را فرومی برند  
ز کس بد چو بینند از او بگذرند  
چنین اند مردان شایسته کار  
که باشد خداوندشان دوستدار<sup>۱</sup>  
با توجه به اینکه ما معلمان مسئولیت آموزش و پرورش نسل امروز را - که سازندگان فردای این میهن هستند - بر عهده داریم، ضرورت تقویت و نهادینه کردن این خصلت در وجودمان بیش از پیش آشکار می شود.

قطعا دبیران محترم این تجربه مکرر را داشته اند که گاهی باید رفتاری نسنجیده از دانش آموز را ندیده و سخنی ناشایست را نشنیده گرفت.

از زینب(س) هم بیاموزیم که می توان علاوه بر زینت پدران خود بودن، زینت پدران امت اسلام نیز بود. به مصداق اینکه رسول اکرم(ص) به امام علی(ع) فرمود: یا علی، اُنْتُ و اَنَا اَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ: ای علی، من و تو دو پدر این امت هستیم؛ توضیح اینکه: زینب (زین + اب) یعنی زینت پدر. آیا ما زینت پدران خود و نیز زینت پدران امت اسلامی - حضرت محمد(ص) و حضرت علی(ع) - هستیم؟

بیاییم زینبی باشیم. یعنی همچون او زینت پدران امت اسلامی باشیم. مانند او مخالف ظلم و ستم باشیم و با جاهل و ظلم پذیری و جاهل و ظالم پروری مبارزه کنیم. مانند او حق نگر و حق گرا و کوشا در احیا و حفظ حق باشیم. باور کنیم الگوپذیری و پیروی از سنت حضرت زینب، ضروری و مهم تر از عزاداری و گریه بر مصیبت های اوست.

در مورد رسول الله(ص) با توجه به اینکه خداوند می فرماید:  
لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ... (احزاب/ ۲۱)، و آن حضرت را الگویی نیک و برتر به ما معرفی کرده است، پس برای عمل به این آیه، خصایص معلمی رسول خدا را الگو قرار دهیم و در این باره عمل به حداقل یک آیه و یک حدیث از پیامبر را سرلوحه کار خود قرار دهیم:  
لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ (توبه/ ۱۲۸).

رسولی ز جنس شما خاکیان  
فرستاده گردیده در این میان  
خورد غصه گر رنج هایی برید  
بخواهد که ایمان به رب آورید  
نجات شما راست خواهان به جان  
رئوف و رحیم است بر مؤمنان

و بالاخره این سخن معروف رسول خدا(ص) را که فرمود: اِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ: (من) مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را تمام گردانم) را سرلوحه کار و زندگی خود قرار دهیم.

قابل ذکر است آیه وَ اِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ (قلم/ ۴)، مهر تأییدی است بر اینکه رسول خدا(ص) در تحقق هدف فوق چقدر موفق بوده است.

پس بیاییم در این ماه مبارک با معصومانی که یادکرد و بزرگداشتشان در این ماه است عهد ببندیم که با الگو گرفتن از آنان، علاوه بر گام برداشتن در مسیر رو به رشد و تعالی شیعه راستین بودن، با پندار و گفتار و کرداری نشست گرفته از مکارم اخلاق، علاوه بر تحقق سفارش امام رضا(ع) واسطه های باشیم برای جذب و جلب دل های پاک دانش آموزان به سوی این بهترین راهنمایان و راهبران زندگی. قطعا در اثنای تحقق چنین هدفی، هدف دیگر، یعنی ایجاد انگیزه برای توجه دانش آموز به درس و جدیت او در یادگیری و گذراندن این درس با نمره بالا نیز محقق می شود.

خدایا چنان کن سرانجام کار  
تو خشنود باشی و ما رستگار (نظامی گنجوی)

#### \* پی نوشت

۱. ترجمه های آیات این نوشتار از ترجمه منظوم قرآن مجید، اثر دکتر امید مجد است.





# هنرِ معلمی یک معلم هنر

هوشنگ شرقی

دبیر ریاضی

و مدیر داخلی مجله برهان متوسطه ۲

## روایتی از هنر معلمی معلم هنر ما

ابتدای کوچه شمالی و نبش خیابان هاشمی بود در حال حاضر مدرسه شهید سیدجلال شرق آزادی نام گرفته است. اینجا همان جایی است که در مهرماه سال ۱۳۵۷ فریاد انقلاب از آن برمی خاست و روزی نبود که صدای شعارهای مختلف بچه‌ها در زنگ‌های تفریح از حیاط مدرسه بلند نشود بدون اینکه وجود کامیون نظامی پر از سرباز که روبه‌روی مدرسه توقف کرده بود کوچک‌ترین هراسی به دل آن‌ها بیندازد. حالا بچه‌ها اولین مهر آزادی را در مدرسه آزادی تجربه می‌کردند. روزهای پنج‌شنبه بعدازظهر، زنگ آخر، کلاس هنر داشتیم. آخرین روز هفته؛ آخرین ساعت؛ بچه‌های شرّ و شیطان آن موقع؛ در یکی از محلات جنوب شهر و یک خانم

مهرماه ۱۳۵۸ بود. خیابان هاشمی، کوچه مدرسه ها، مدرسه راهنمایی آزادی. آن‌هایی که خیابان و محله هاشمی را می‌شناختند، مخصوصاً قدیمی‌ها، غیرممکن بود که «کوچه مدرسه‌ها» را نشانند. این کوچه در واقع دو کوچه روبه‌روی هم بود که هر یک برای خود اسمی داشتند ولی به دلیل اینکه یک ضلع هر دو کوچه را مدارس مختلف (ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان - دخترانه و پسرانه) پر کرده بودند و از این حیث شاید بی‌نظیر بودند - و البته هنوز هم هستند - از قدیم به کوچه مدرسه‌ها معروف بود. مدرسه ما مدرسه راهنمایی شهید بود که بعد از انقلاب به آزادی تغییر نام داد. در این مدرسه که



معلم جوان و کم تجربه! همه این‌ها کافی بود برای آنکه، به قول معروف، کلاس روی هوا باشد و تنها کاری که انجام نشود درس و آموزش باشد؛ آن هم درس کم اهمیت و دست چندی به نام هنر!

اما قبل از آنکه معلم هنر، که او را همه مدرسه به نام «خانم تابعی» می‌شناختند، وارد کلاس ما شود، همه ما می‌دانستیم که اصلاً نباید چنین تصویری را به خود راه دهیم! و این را از بچه‌های قدیمی‌تر، از سال‌های قبل شنیده بودیم، اگرچه خودمان حالا کلاس سوم راهنمایی بودیم. ما از وقتی که وارد آن مدرسه شده بودیم از او و کارهایش شنیده بودیم و آرزو می‌کردیم روزی معلم کلاس ما شود. می‌گفتند خانم تابعی با همه معلم‌ها، و به خصوص با خانم‌های معلم، تفاوت دارد، و همین‌طور بود؛ چون وقتی وارد کلاس‌مان شد، در همان جلسه اول، این تفاوت به وضوح آشکار شد. شیوه معلمی او، اخلاق و رفتار او با دانش‌آموزان و نوع نگاهی که به کارش داشت خیلی با سایر معلمین متفاوت بود. آن‌ها که جو غالب فضای مدارس آن زمان را دیده‌اند و به یاد دارند، می‌دانند که رفتار توأم با احترام و محبت نسبت به دانش‌آموزان، به خصوص با دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر، در آن سال‌ها چه کیمیایی بود. از این رو بود که بچه‌ها قدر خانم تابعی را به خوبی دانستند. آن‌ها که به کوچک‌ترین بهانه‌ای کلاس را به هم می‌ریختند و دنبال کمترین فرصت برای فرار از کلاس و مدرسه بودند، چنان حرمتی برای خانم تابعی قائل شدند که وصف ناشدنی است.

نه تنها خودشان کمترین بی‌احترامی به او نمی‌کردند بلکه آماده بودند تا بشنوند چه کسی کوچک‌ترین بی‌احترامی به او کرده است تا حقش را کف دستش بگذارند! حتی بعضی بچه‌ها، بعد از تعطیلی مدرسه، او را تا چند صد متری مدرسه مشایعت می‌کردند تا مبدا کمترین مشکلی برای او در مسیر بازگشت رخ دهد. از آن معلم‌هایی بود که، به قول شهید رجایی، معلمی عشق و هنرش بود. به نظر خودم هنر معلمی خانم تابعی بالاتر و والاتر از معلمی هنرش بود. در کلاس او، همراه با انواع شاخه‌های هنر و از جمله نقاشی که تخصص اصلی‌اش بود، بسیاری کارهای دیگر هم انجام می‌شد؛ از دکلمه گرفته تا بحث سیاسی (که آن روزها بسیار رایج بود)، تا داستان‌گویی و اجرای نمایش و شعرخوانی تا تهیه روزنامه دیواری که در آن زمان بیشتر از امروز رایج بود. من هنوز هم در حیرتم که ما همه این کارها را چه‌طور در یک جلسه در هفته انجام می‌دادیم و اصلاً هم خسته نمی‌شدیم! شاید باور نکنید که دسته‌جمعی پیش مدیر مدرسه رفتیم و از او خواهش کردیم اگر ممکن است کلاس هنرمان دو جلسه در هفته باشد!



**دسته جمعی  
پیش‌مدیر  
مدرسه رفتیم  
و از او خواهش  
کردیم اگر ممکن  
است کلاس  
هنرمان دو  
جلسه در هفته  
باشد!**

آوازه رفتار و کردار خانم تابعی، این معلم نمونه و محبوب، تا درون خانه‌های آن محله محروم نیز رفته بود. کوچه‌های تنگ و باریک و پر از خانه‌های کوچک چسبیده به هم، شاهد بودند که چندین بار خانم تابعی برای سرزدن به خانواده‌های بچه‌ها و رفع مشکلات ریز و درشت آن‌ها به خانه‌هایشان رفته بود. اخیراً که او را یافتیم و از آن روزها یاد کردیم گفت: کم‌کم احساس می‌کردم که به یک مددکار اجتماعی تبدیل شده‌ام! بلی. بچه‌های آن محل در آن سال‌ها مشکلات و مسائل بسیاری داشتند و از معلم دلسوز و درد‌آشنایی چون او بعید بود که به این مشکلات بی‌توجه باشد و فقط به کار خودش سرگرم شود. بچه‌هایی داشتیم که بسیاری‌شان مجبور بودند برای کمک به امرار معاش خانواده، قبل و بعد از مدرسه سرکار بروند. بسیاری از آن‌ها از تغذیه مناسبی برخوردار نبودند و بسیاری هم از مشکلات عاطفی رنج می‌بردند و همیشه اثر اشک و آه را در چهره‌های رنجورشان می‌شد دید.

حرف‌های خانم تابعی در کلاس درس به یاد ماندنی بود. خودش از این مشکلات و درد و رنج‌ها می‌گفت و از راه‌حل‌ها و اینکه چه باید کرد؟! بچه‌ها هم که بیشترشان در انقلاب شرکت کرده بودند و با هزاران امید و آرزو منتظر بودند تا مشکلاتشان حل شود مشتاقانه به این سخنان امیدبخش گوش می‌دادند و همان‌ها بودند که در سال‌های بعد

نقاشان ایران است و در چندین نگارخانه و برخی مدارس و نیز فرهنگسرای ارسباران کلاس نقاشی دارد و بیش از چهل سال سابقه آموزش نقاشی در مقاطع مختلف دارد. با این اطلاعات حدس زدم که به احتمال زیاد باید خودش باشد. بالاخره دل را به دریا زدم و روز پنجشنبه پنجم شهریورماه سال گذشته به فرهنگسرای ارسباران رفتم تا خانم تابعی نامی را که آن روز در آنجا کلاس داشت ببینم. در نظر اول او را نشناختم ولی تأمل کردم. موضوعی را بهانه کردم و از ایشان در این باره سؤال کردم. به محض اینکه شروع به پاسخ کرد، یقین کردم که گمشده خودم را یافته‌ام، زیرا فقط همان خانم تابعی ما بود که حتی در پاسخ به کسی که او را ندیده بود و نمی‌شناخت این گونه با حوصله و بدون توجه به گذشت زمان توضیح کافی می‌داد! نمی‌دانم چند دقیقه از توضیحات وی، در پاسخ به سؤال من، گذشت که صحبتش را قطع کردم و گفتم: خانم تابعی! آیا شما در سال‌های نخست انقلاب در مدرسه راهنمایی آزادی در خیابان هاشمی درس نمی‌دادید؟! گفت: بله من همانم! شما کی هستید؟! بی‌اختیار اشک به چشمانم آمد و گفتم: من شاگرد شما بودم! شاید باورش برایتان مشکل باشد اگر بگویم پس از چند دقیقه صحبت با من، اولین چیزی که پرسید این بود که: «از علیرضا نوروزی خبری نداری؟»

نوروزی پسر بچه لاغر و تکیده‌ای بود که پدرش معتاد بود و مادرش با رخت‌شویی در منزل مردم خرج زندگی‌شان را درمی‌آورد و من چند بار به خانه‌شان سرزده بودم!

بگذریم. سر مست بودم از اینکه به آرزویم رسیده‌ام و حالا بعد از سی‌وپنج سال توانسته‌ام معلم خوبم را بیابم و از او قدردانی کنم بعد از خداحافظی، این پیامک را برایش فرستادم: «درود بیکران بر معلم راستین زندگی‌ام که یک روز، در آغاز نوجوانی‌ام، زندگی را برایم معنی کرد و اکنون امروز در تقویم زندگی‌ام جاودانه کرد!» اکنون این نوشته را تقدیم او می‌کنم.

حیفم آمد که در انتهای این مقال یادی از همکلاسی و هم نیمکتی‌ام در کلاس خانم تابعی نکنم. پسرکی سبز چشم و بلند قامت با قلبی به صافی آب زلال، آرام، مهربان و عاطفی؛ سعید لواف. با اینکه خانه‌شان در خیابان دامپزشکی و در نزدیکی مدرسه بود، اما بعد از پایان سال تحصیلی دیگر او را ندیدم تا اینکه در یکی از روزهای آخر سال ۶۲ حمله‌اش را کنار خانه‌شان دیدم با این عبارت: «شهید سعید لواف؛ شهادت اسفندماه ۱۳۶۲؛ عملیات خیر»

روحش شاد!



حافظ انقلاب و کشورشان شدند. یاد آن روزها به خیر، غروب‌ها که به خانه برمی‌گشتیم، بیشتر روزها، سرودی در برنامه کودک و نوجوان تلویزیون پخش می‌شد که ترجیع‌بند آن این بیت بود:

### روزها کوشم و شب خوابم پاس می‌دارم، انقلابم

از مهرماه سال ۱۳۶۵ که به ساعتی ۳۰۰ ریال حق‌التدریس! به کلاس درس رفتم تا امروز، یکی از معلمانی که راه و روش و منش او را الگویم قرار داده‌ام، خانم تابعی است. همواره سعی کرده‌ام به جز معلمی ریاضی که حرفه‌ام است، به مشکلات و مسائل دانش‌آموزانم هم توجه داشته باشم، به آن‌ها احترام بگذارم و با آن‌ها دوست باشم. به همین خاطر همواره خیلی دوست داشتم خانم تابعی را یک بار دیگر ببینم و بابت دینی که به گردن من و همه ما بچه‌های آن محله در آن سال‌ها داشت، لااقل از او سپاس‌گزاری کنم. سال‌ها گذشت و پرس‌وجوهایم نتیجه نداد. او را نمی‌یافتم. چگونه باید می‌یافتم؟! سرانجام اینترنت کارگشا شد. بله، به مدد اینترنت و توسعه آن، البته باز هم با دشواری بسیار، هنرمندی نقاش به نام «فریمه تابعی» را یافتم. باز مطمئن نبودم که او همان معلم خوب ما باشد، چون سی‌وپنج سال گذشته بود و نمی‌توانستم از روی عکسی که از ایشان در اینترنت بود معلم خوبم را شناسایی کنم. در اینترنت او را متولد ۱۳۳۵ و فارغ‌التحصیل رشته نقاشی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران معرفی می‌کرد که از سال ۱۳۵۲ نقاشی را شروع کرده است و بارها و بارها گالری‌ها و نمایشگاه‌های نقاشی خود را در داخل و خارج از کشور برپا کرده است. همچنین نشان می‌داد که او عضو انجمن

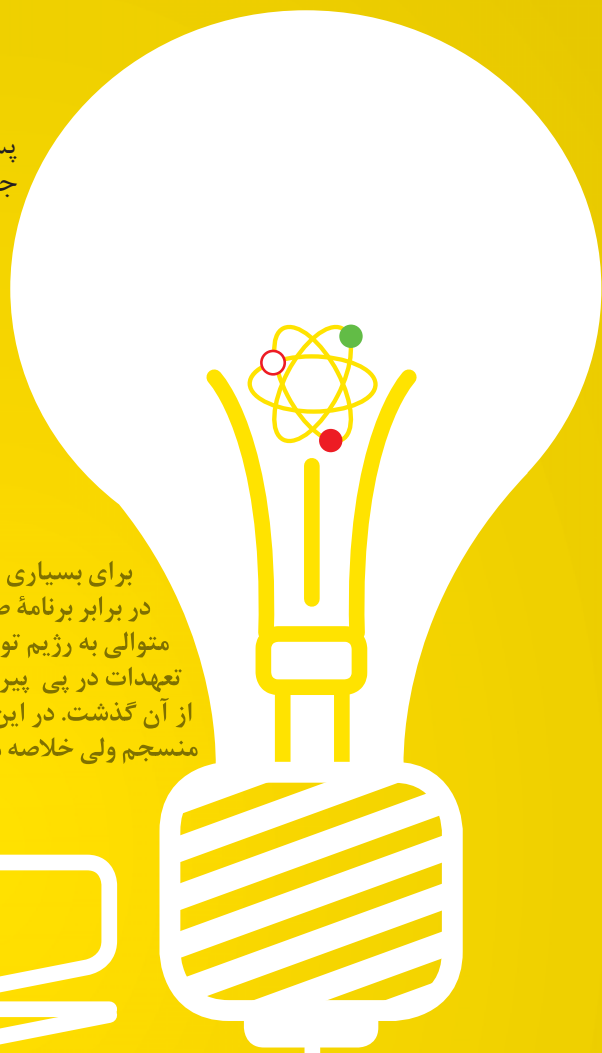


پس از مذاکراتی طولانی و پایداری مردم در برابر فشارهای بین‌المللی، جهان حق مسلم ایران در برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای را پذیرفت

# برمیدار پیروزی

مجید کاظمی

برای بسیاری از کارشناسان، در برنامه هسته‌ای، درک رفتار متناقض قدرت‌های جهانی در برابر برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران مسئله‌ای بغرنج و پیچیده است. دادن امتیازهای متوالی به رژیم توتالیتار شاهنشاهی در برنامه هسته‌ای از یک سو و در ادامه عدم پایبندی به تعهدات در پی پیروزی ملت عظیم‌الشان ایران اسلامی چیزی نیست که بتوان به همین راحتی از آن گذشت. در این نوشته می‌خواهیم تاریخ تلاش برای هسته‌ای شدن ایران را به شکلی منسجم ولی خلاصه مرور نماییم.



۱۳۲۹

اولین تلاش‌های مخفی رژیم شاهنشاهی برای دستیابی به انرژی هسته‌ای با تشویق یار دیرینش آمریکا انجام شد. به قول اولین رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در برنامه «تاتریا» که در دی ماه ۹۲ از تلویزیون پخش گردید: غرب در این اقدام بدنبال این بود که ایران به عنوان مصرف‌کننده قرار گیرد و پیشرفت نکند.

۱۳۳۵

موافقت‌نامه همکاری بین دولت آمریکا و ایران درباره استفاده‌های غیرنظامی از انرژی اتمی امضاء گردید. در این توافق آمریکا تضمین نمود تا هرچقدر طرف ایرانی درخواست سوخت داشته باشد تأمین کند.

۱۳۳۷



ایران با وسوسه‌ها و تضمین‌های بسیار غرب به عضویت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درآمد. همچنین به پیشنهاد دانشگاه تهران، ساخت یک رآکتور اتمی در دستور کار دولت قرار گرفت و در همین راستا آیزنهاور، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، جهت تبلیغ طرح خود، به نام اتم برای صلح یک رآکتور اتمی به ایران هدیه داد.

ادامه در صفحه بعد



آمریکا اولین رآکتور تحقیقاتی ۵ مگاواتی آب سبک را به ایران فروخت و شرکت آمریکایی ای ام اف این رآکتور را در دانشگاه تهران نصب و راه اندازی کرد.

۱۳۴۶

ایران پیمان عدم تکثیر سلاح های هسته ای (ان پی تی) را امضاء کرد.

۱۳۴۷

پیمان عدم تکثیر سلاح های هسته ای در مجلس شورای ملی به تصویب رسید.

۱۳۴۸



۱۳۷۷

کار ساخت مجتمع تأسیسات آب سنگین اراک آغاز گردید و تمامی مراحل طراحی و اجرای آن توسط متخصصان ایرانی انجام شد.



قرارداد تکمیل و راه اندازی واحد یک نیروگاه اتمی بوشهر به صورت مشارکتی بین ایران و روسیه منعقد گردید. همچنین رآکتور تحقیقاتی مینیاتوری باهدف توسعه آموزش علوم و فنون هسته ای، آنالیز مواد و تهیه رادیوایزوتوپ برای استفاده در فعالیت های آموزشی و پژوهشی ساخته شد.

۱۳۷۳



۱۳۶۴

طراحی و ساخت رآکتور تحقیقاتی صفر قدرت آب سنگین در دستورکار قرار گرفت. قدرت این رآکتور ۱۰۰ وات با نظارت چینی ها و پیمانکاری شرکت های ایرانی در اصفهان طراحی گردید. این رآکتور مجموعه ای از سوخت اورانیم طبیعی فلزی باکندکنندگی آب سنگین و بازتابنده گرافیت محسوب می گردید.

۱۳۸۱

دانشمندان پرتلاش ایرانی توانستند سوخت هسته ای مورد نیاز نیروگاه های هسته ای را تهیه کنند.

۱۳۸۱

گروهک متنفقین با همراهی سرویس های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و اسرائیل جنگی روانی علیه تأسیسات صلح آمیز هسته ای در ایران به راه انداختند. رسانه های صهیونیستی و غربی تلاش زیادی نمودند تا تأسیسات غنی سازی نطنز و آب سنگین اراک را محل فعالیت های پنهانی جلوه دهند.

۱۳۸۲

در نشست مشترک وزاری خارجه سه کشور اروپایی و هیئت ایرانی که در تهران، بیانیه سعدآباد امضا گردید. در این بیانیه ایران برای بازدید بازرسان آژانس اعلام همکاری کرد و گامی در سانتریفیوژهای نطنز را در راستای راستی آزمایی و اثبات صلح آمیز بودن فعالیت هسته ای ایران، بصورت داوطلبانه و برای مدت محدود تعلیق کرد. انگلیس و فرانسه نیز متعهد شدند تا از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل جلوگیری کنند.

۱۳۹۰

ایران از ساخت مبله سوخت هسته ای ۲۰ درصد غنی شده و بارگذاری آن در رآکتور تحقیقاتی ۵ مگاواتی خبر داد.

۱۳۸۸

قطعه نامه ۱۹۲۹ علیه شرکت های تجاری و سازمان های نظامی در ایران صادر گردید.

۱۳۸۷

قطعه نامه ۱۸۳۵ علیه حق مسلم ایران در انرژی هسته ای صادر گردید.

۱۳۹۲



مذاکرات نیویورک؛ اولین مذاکره هسته ای ایران با قدرت های جهانی پس از به قدرت رسیدن حسن روحانی بود به شکلی کوتاه و به مقدار ۳۰ دقیقه در خلال سفر به مجمع عمومی سازمان ملل انجام شد. اهمیت این دور از مذاکره بیشتر به دلیل ارتقاء مذاکرات در سطح وزیران خارجه اعتمادسازی بسیاری را در جهان به وجود آورد.





سازمان انرژی اتمی ایران (AEOI) تأسیس شد و دکتر اکبر اعتماد، به ریاست آن منصوب گردید. دکتر اعتماد بعدها با قاطعیت از برنامه هسته‌ای ایران پس از انقلاب شکوهمند اسلامی دفاع نمود و همواره بر حق مسلم ایران در برابر جهان دفاع نمود.

۱۳۴۸



۱۳۵۴

قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر منعقد گردید و کار به وسیله شرکت آلمانی کرافتورک یونیون (یکی از شرکت‌های تابعه شرکت زیمنس) آغاز شد.

۱۳۵۷



با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران به رهبری قدرتمندانه امام خمینی (ره)، کشورهای غربی اجرای موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای خود از جمله ساخت نیروگاه بوشهر را به حالت تعلیق درآوردند. شرکت زیمنس، حاضر به تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر نشد و سایر کشورهای غربی و آمریکاییان نیز از انتقال هرگونه تجهیزات و فناوری هسته‌ای به جمهوری اسلامی ایران خودداری کردند.

۱۳۶۳

نخستین تلاش برای تهیه آب سنگین به طور آزمایشگاهی و با استفاده از روش الکترولیز انجام شد، اما تلاش‌ها در این زمینه نتیجه‌ای در برنداشت.

\* منابع  
www.irannuclear.net - ۱

۲- برنامه هسته‌ای ایران: واقعیت‌های اساسی، کاظم غریب‌آبادی، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷.

۳- تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، وزارت امور خارجه، تابستان ۱۳۸۶



در توافق‌نامه پاریس ایران به عنوان اقدامی داوطلبانه در جهت اعتمادسازی کلیه فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازآفرینی مانند ساخت، تولید، نصب، آزمایش، سرهم‌بندی و راه‌اندازی سانتریفیوژهای گازی و فعالیت‌های مربوط به جداسازی پلوتونیم را متوقف کرد و در عوض اتحادیه اروپا سعی در پذیرش ایران در سازمان تجارت جهانی نمود.

۱۳۸۳



توافق‌نامه پروکسل به امضاء رسید و ایران متعهد شد ساخت و آزمایش سانتریفیوژهای مورد نیاز برای غنی‌سازی را متوقف کند و ساخت قطعات بزرگی سانتریفیوژ را نیز تعلیق کند.

۱۳۸۲

۱۳۸۵

ایران اعلام کرد که موفق به غنی‌سازی اورانیوم به میزان ۳/۵ درصد شد.

۱۳۸۵

مقامات ایران در حضور بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، تأسیسات هسته‌ای نطنز را فک پلمپ کردند، اما شورای امنیت در اقدامی کارشکنانه به ایران یک ماه فرصت داد تا فعالیت‌های هسته‌ای خود را متوقف کند.

۱۳۸۶

قطعه‌نامه‌های بی‌رحمانه ۱۷۴۷ و ۱۸۰۳ صادر شد ولی روسیه علی‌رغم وقایع جهانی تصمیم به حمل سوخت هسته‌ای به نیروگاه بوشهر و راه‌اندازی آن گرفت.

۱۳۹۴



از آنجا که ایران به تعهدات خود عمل نموده است، امروز تحریم‌های مالی و اقتصادی ملی و چندجانبه مربوط به برنامه هسته‌ای ایران منطبق با برجام برداشته شد. دی ماه ۹۴ زمانی است که اتحادیه اروپا تایید کرد که چارچوب‌های قانونی برای برداشتن تحریم‌های مالی و اقتصادی اعمال گردیده است.

۱۳۹۳

تفاهم هسته‌ای لوزان، شامل خلاصه‌ای از مجموع راه‌حل‌های تفاهم شده برای رسیدن به برنامه جامع در لوزان سوئیس منعقد شد. این توافق جنبه حقوقی نداشته و صرفاً تلاش برای نگارش برنامه جامع محسوب گردید.

۱۳۹۲

در طول یک سال چندین مذاکره فشرده تحت عنوان ژنو ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ در هتل اینترکان تی نتال در وین برگزار گردید.



# روش برد - برد

## تجربه یک دبیر ریاضی برای مدیریت کلاس

رقیه پیله‌ور  
دبیر ریاضی ناحیه ۲ اردبیل

کلاس‌های به یادماندنی که هم دوستشان دارید و هم انرژی زیادی را در آن باید صرف کنید.

من یک سال چنین کلاسی را داشتم. هر جلسه با جدیت تمام وارد کلاس می‌شدم، ولی شوخ طبعی بچه‌ها خیلی بیشتر از جدیت من بود. ترم اول، از شب قبل تصمیم گرفته بودم فردا در آن کلاس حتی لبخند هم نزنم زیرا تا وقتی من جدی بودم، کلاس هم آرام‌تر بود و بچه‌ها زیاد جرئت تکه‌پرانی نداشتند، اما وقتی در کلاس را باز کردم، نمی‌دانید با چه صحنه‌ای روبه‌رو شدم! همیشه در کلاس من کنار تخته یک اسکلت وجود داشت. بچه‌ها به تن او پالتو پوشانده بودند و شال و کلاه برایش گذاشته بودند. با مژیک قرمز هم کمی دور لبش را رنگی کرده بودند.

با دیدن این صحنه یکه خوردم. اگر می‌توانستم با صدای بلند قهقهه می‌زدم، ولی نمی‌توانستم. در ظاهر به خودم مسلط شدم و نخندیدم، ولی همه جدیتی که ته دلم داشتم، از بین رفت. چون در وجودم داشتم می‌خندیدم. در ظاهر بدون توجه به صحنه‌ای که بچه‌ها درست کرده بودند، رفتم سمت میز و نشستم و کارهای اولیه دفتر حضور و غیاب را شروع کردم. بچه‌ها گفتند خانم این طرف را نگاه کنید. اولش توجه‌ی نکردم، ولی آن‌ها دست بردار نبودند. خواستم یک بار نگاه کنم تا ببینند که برایم مهم نیست، ولی زهی خیال باطل! تا چشمم به آن افتاد، دیدم سر اسکلت و دهانش را طوری تنظیم کرده‌اند که انگار دارد با لبخند مرا نگاه می‌کند. اینجا بود که نتوانستم خودم را نگه دارم و لبخند زدم و این شد که همه کلاس از خنده منفجر شد.

با این اتفاق فهمیدم کنترل کلاس فقط از طریق من نمی‌تواند انجام بگیرد، بلکه باید با مشارکت خود بچه‌ها این

آیا تا به حال بدقلق‌ترین، شلوغ‌ترین، شوخ طبع‌ترین، بامزه‌ترین و زرنک‌ترین دانش‌آموز کلاس را داشته‌اید؟ تا حالا شده است تدریس در کلاسی برایتان زجرآور باشد؟ تا حالا شده است اکثریت دانش‌آموزان در کلاس تکه‌پرانی کنند؟

تا حالا شده است دانش‌آموزی سؤالی بپرسد و دیگران او را به‌خاطر آسانی سؤالش سرزنش کنند؟ تا حالا شده است دانش‌آموزی از شما سؤال بپرسد و دانش‌آموزان دیگر بدون اینکه به شما فرصت پاسخ‌گویی دهند، سعی کنند به او پاسخ دهند و او را گیج کنند؟ تا حالا شده است دانش‌آموزان در حضور معلم با هم درگیر شوند و به همدیگر فحش و ناسزا بگویند؟

تا حالا شده است دانش‌آموزان در کلاس حرف همدیگر را قطع کنند و به همدیگر احترام لازم را نگذارند؟ تا حالا شده است با همه جدیتی که در کلاس به خرج می‌دهید، مزه‌پرانی دانش‌آموزان آنقدر بامزه و خنده‌دار باشد که خود شما را هم بخنداند؟ و این مزه‌پرانی‌ها یکی دوتا نباشد، بلکه هر جلسه تکرار شود و با وجود تذکرات، تداوم داشته باشد؟

تا حالا شده است به دانش‌آموزی با جدیت تمام تذکر دهید و اخم کنید و دانش‌آموز در جواب جمله‌ای بگوید که تمام اخمای شما باز شود و خودتان خنده‌تان بگیرد؟ به نظرتان چنین کلاسی را چطور باید کنترل کرد؟ آن هم در صورتی که طبق همه کلاس‌ها قوانین کلاس را در همان اول مهر و در اولین جلسه توضیح داده باشید.

منظورم این است که یک کلاس استثنایی داشته باشید؛ کلاسی که شاید در تمام طول خدمت نداشته‌اید. تقریباً از آن



کار را انجام دهم و خودم فقط نوعی هدایتگر باشم. یادم هست در مجله‌ای که در همین دوره‌های ضمن خدمت خواندم، یک راه حل برای کلاس‌هایی خوانده بودم؛ روش «برنده برنده». من این روش را در یکی از کلاس‌ها اجرا کردم، ولی انرژی نهفته کلاس امسال ده برابر آن کلاس است. نمی‌دانم برای این کلاس هم مؤثر خواهد شد یا نه؟

**طبق صحبت‌های گوردون، در کتاب «فرهنگ تفاهم در مدرسه» سه روش برای حل کشمکش‌ها وجود دارد که روش‌های اول و دوم آن روش‌های برد و باختی هستند.**

**روش اول:** معلم سعی می‌کند با قدرت کشمکش را به نفع خود حل کند (برد با او باشد). در این روش، غالباً معلم انگیزه‌ای برای عمل به راه حل ندارد و برنده باید به شدت روی انجام عمل تأکید کند. «من نصف کلاس را مثل پلیس‌ها می‌گذرانم». این روش جلوی رشد خود مسئولیتی و خود جهت‌دهی را می‌گیرد و باعث به وجود آمدن وابستگی نیاز به گفتن آنچه باید انجام شود، می‌شود. به‌طور کلی، استفاده مکرر از این روش به بازندگی دانش‌آموزان می‌انجامد.

**روش دوم:** معلم بازنده و دانش‌آموزان برنده هستند. در این روش، معلم نتیجه مطلوب کمتری نصیب می‌شود. اوست که به نیازهایش نمی‌رسد، رنج می‌برد و نمی‌تواند کارش را بکند. تدریس زجرآور می‌شود و حتی گاهی به‌صورت کابوس در می‌آید.

**روش سوم: (برنده - برنده):** گوردون روش سوم را بدون باخت و حل تعارض یا کشمکش‌ها می‌داند. طبق نظر وی، «سه افراد درگیر کشمکش برای یافتن راه‌حلی که برای هر دو طرف طرف قابل پذیرش باشد، به هم می‌پیوندند و راه‌حلی می‌یابند که لازمه‌اش باخت هیچ‌کس نباشد».

این روش یک فرایند است؛ فرایندی گام‌به‌گام که در نهایت بچه‌ها به حل اختلاف می‌رسند. گوردون شش مرحله این فرایند را چنین بیان می‌کند:

۱. مشخص کردن مسئله
  ۲. یافتن راه‌حل‌های ممکن
  ۳. ارزشیابی راه‌حل‌ها
  ۴. انتخاب بهترین راه حل
  ۵. تصمیم‌گیری برای به عمل درآوردن آن
  ۶. ارزیابی اندازه تأثیر حل شدن اختلاف
- بنابراین، من تصمیم گرفتم از ترم دوم این روش «برنده -

برنده» را اجرا کنم.

ترم دوم در همان جلسه اول، قوانین کلاس و انتظارات خودم را به دانش‌آموزان یادآور شدم. به آن‌ها گفتم که ما در کلاس شما چنین مشکلی داریم و خیلی از شما قوانین را رعایت نمی‌کنید. بنابراین، از خود شما راه‌حل می‌خواهم. به‌نظر شما، اگر کسی قوانین کلاس را رعایت نکرد، باید با او چه رفتاری بکنیم؟ بچه‌ها بعد از چند لحظه سکوت یکی یکی شروع به دادن پیشنهاد کردند.

۱. تنبیه بدنی
۲. اخراج از کلاس
۳. جریمه نقدی
۴. دادن نمره منفی
۵. سر پا ایستادن در کلاس
۶. دادن تمرین زیاد و ...

همه پیشنهادها را بدون اظهار نظر و قضاوت در پای تخته نوشتم؛ چه نظرات قابل اجرا و چه نظرات خنده‌دار و غیر عملی را. پیشنهادهای خودم را هم نوشتم. بعد به دانش‌آموزان گفتم: حالا نوبت می‌رسد به انتخاب بهترین پیشنهادها. نظرات غیر عملی و غیرمعقول را حذف کردیم تا جایی که چهار یا پنج مورد باقی ماند.

روی یک ورق کاغذ، ابتدا همه قوانین کلاس و انتظارات خود از دانش‌آموزان را نوشتیم. بعد هم طریقه برخورد با کسانی را نوشتیم که قوانین کلاس را رعایت نمی‌کنند. تک‌تک دانش‌آموزان ورقه را با نوشتن نام خود امضا کردند. این قرارداد تفاهم‌نامه‌ای شد بین من و دانش‌آموزانم و آن را روی تابلوی اعلانات کلاس نصب کردیم.

ناگفته نماند، بین قوانین کلاس‌بندی هم قرار می‌گذاشتیم که طبق آن، هر جلسه کلاس پنج یا ده دقیقه وقت آزاد داشته باشد تا بتوانند در آن وقت انرژی خود را خالی کنند. بالاخره کلاسی با دانش‌آموزانی پرنرژی به چنین وقت آزادی نیاز دارد.

از جلسه بعد، راحت بودم. چون قوانین را خود دانش‌آموزان وضع کرده بودند، همه احساس مسئولیت می‌کردند. حالا تقریباً یک کلاس ایده‌آل داشتیم. جلسه اول همه قوانین را رعایت کردند، ولی در جلسه دوم یکی دو نفر آن را زیر پا گذاشتند. جالب این است که خودشان بدون هیچ مقاومتی طبق قرارداد عمل کردند و تنبیه را پذیرفتند؛ چون در این کلاس هیچ بازنده‌ای وجود نداشت.



# مسئله‌ها و اجماعی را حل

لحمه بارک

بهینه‌سازی مصرف  
آب و انرژی می‌تواند به  
مسئله‌ای جمعی که حل آن  
نیازمند همکاری و تلاش  
همگانی است تبدیل شود

در اختیار خانواده‌ها نیز قرار بگیرد. می‌توان فهرستی برای اجرای چنین طرحی مدرسه تهیه کرد و برای هر مسئله راه‌حل‌های واقعی احتمالی را با توجه به شرایط و امکانات مدرسه در نظر گرفت. فهرست مسئله‌های مدرسه ما می‌تواند شامل این موارد باشد:

وزارتخانه برطرف شود. اما مدارس غیردولتی به شکلی دیگر با این مسئله سروکار دارند، زیرا تمام هزینه‌ها مستقیماً از بودجه درآمدی مدرسه و به عبارتی از جیب والدین دانش‌آموزان پرداخت می‌شود! شاید به نظر برسد که دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان می‌توانند

نسبت به این مسئله بی‌تفاوت باشند و آن را مشکل مدرسه و مدیریت آن تلقی کنند اما واقعیت این است که به هر حال مدرسه ناگزیر است هرگونه هزینه‌ای را از محل شهریه‌های دریافتی تأمین کند.

بنابراین موضوع بهینه‌سازی مصرف آب و انرژی در یک مدرسه یا مجتمع آموزشی غیردولتی می‌تواند به مسئله‌ای جمعی که حل آن نیازمند همکاری و تلاش همگانی است تبدیل شود. البته چنین هدفی تنها با رویارویی صادقانه و شفاف‌سازی، در ارائه درآمدها و هزینه‌ها به ذینفعان یعنی دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان، و مهم‌تر از آن تعریف منافع مشترک هنگام دستیابی به اهداف مشترک امکان‌پذیر است. اگر دانش‌آموزان و خانواده‌ها بدانند در صورت همکاری با مدرسه در اجرای طرح‌ها علاوه بر حس خوب مشارکت در یک فعالیت جمعی مبتنی بر محافظت از محیط زیست، به همان نسبت از منافع حاصل از کاهش هزینه‌ها نیز بهره‌مند خواهند شد، رغبت آن‌ها به مشارکت افزایش خواهد یافت. نیازی نیست بهرهمندی از این منافع لزوماً به شکل کاهش شهریه‌ها مطرح شود، در واقع این ساده‌ترین شکل ممکن است و از آنجا که احتمالاً کاهش هزینه‌ها به ازای هر دانش‌آموز مبلغ قابل توجهی نخواهد بود، از قابلیت ترغیب‌کنندگی کمی برخوردار است. این منافع می‌تواند به این صورت تقسیم شود که هزینه‌های ناشی از صرفه‌جویی به شکلی شفاف و قابل لمس در مدرسه و به نفع خود دانش‌آموزان هزینه شود. برای مثال به شکل خرید تجهیزات ورزشی و اختصاص فضایی دائمی در مدرسه برای یا حتی به شیوه‌ای خلاقانه‌تر، برای خرید تجهیزات ورزشی و اختصاص فضایی دائمی در مدرسه برای ورزش مصرف شود. چنین فضایی می‌تواند با استخدام یک مربی ورزشی در ساعات بعد از تعطیلی مدرسه

طی سلسله بحث‌های مرتبط با بهینه‌سازی مصرف آب، تاکنون از شرایطی سخن گفته‌ایم که دست‌اندرکاران مدرسه را می‌تواند به سمت ترسیم مسئله‌های واقعی و حل آن‌ها به دست دانش‌آموزان بکشاند، اما واقعیت آن است که تأمین بودجه برای مدارس دولتی به هر حال بر عهده دولت است. یعنی علیرغم تمام کمبودها و نیاز مدارس به کمک خانواده‌ها و نیز برنامه‌ریزی برای صرف بودجه، تأمین تمام هزینه‌های این مدارس به لحاظ قانونی به عهده دولت است و نزاع مدارس بر سر پرداخت هزینه‌هایی چون قبض‌های آب و برق، می‌تواند نزاعی داخلی باشد و در نهایت با هماهنگی میان دو



★ بررسی تمام شیرآلات مدرسه و بهینه‌سازی استفاده از آن‌ها از طریق تعویض یا مراقبت‌های دوره‌ای؛

★ بررسی تمام لوازم برقی شامل لامپ‌ها، سیستم گرمایشی - سرمایشی مدرسه، کامپیوترها و تجهیزات وابسته، لوازم آبدارخانه و... و بررسی توان مصرفی هر وسیله و امکان بهینه کردن استفاده از آن و یا در صورت نیاز حذف یا تعویض آن؛

★ تهیه نقشه مدرسه و یافتن جاهایی که انرژی از آن‌ها هدر می‌رود؛

★ بررسی میزان استفاده از انواع کاغذ در مدرسه و برنامه‌ریزی برای بالا بردن بهره‌وری آن؛

★ تفکیک زباله در مدرسه و بازیافت زباله‌های قابل بازیافت در مدرسه، به‌طور مثال استفاده از باقی‌مانده میوه و مواد غذایی برای تبدیل آن‌ها به کود در باغچه‌های مدرسه و یا استفاده از زباله‌های خشک دورریختنی برای کلاس هنر و خلاقیت که حتی می‌تواند در پایان سال به‌صورت نمایشگاه عرضه شود.

هریک از مسئله‌های بالا می‌تواند تحت مدیریت یکی از بزرگ‌ترها، معلمان یا مربیان یا اولیای دانش‌آموزان، به پروژه‌های کوچک‌تری تقسیم و توسط گروه‌های دانش‌آموزی اجرا شود. این مسئله در مدارس غیردولتی به یک معنای دیگر نیز واقعی‌تر از مدارس دولتی است: مدیر یک مدرسه غیردولتی، نسبت به همتای خود در مدارس دولتی، اختیارات بیشتری در ایجاد تغییرات دارد. به این معنا که تصمیم‌گیری برای تغییر در زیرساخت‌های موجود و تأمین هزینه‌های لازم برای ایجاد این تغییرات و حتی ایجاد مصرف برنامه درسی و گنجاندن مباحث مرتبط با اصول صحیح مصرف کردن و یا وارد کردن این مباحث به کل برنامه درسی مدرسه، در یک مدرسه غیردولتی آسان‌تر از مدارس دولتی است. البته

مدیر مدرسه  
می‌تواند از طریق تشکیل  
جلسات ماهانه با مطرح کردن  
دستاوردها، انگیزه‌های افراد  
را افزایش دهد

تشکیل جلسه‌ای  
در ابتدای سال تحصیلی  
و توجیه دانش‌آموزان و  
خانواده‌هایشان قبل از هر  
اقدامی!

این آسان‌تر بودن یک شرط دارد: تشکیل جلسه‌ای در ابتدای سال تحصیلی و توجیه دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان قبل از هر اقدامی! نکته دیگر این است که مشارکت در چنین طرحی، به‌ویژه برای والدین و معلمان باید داوطلبانه باشد. در مورد دانش‌آموزان می‌توان چنین فعالیت‌هایی را در قالب درس‌هایی چون پژوهش و یا دیگر برنامه‌های متداول در مدرسه تعریف کرد و

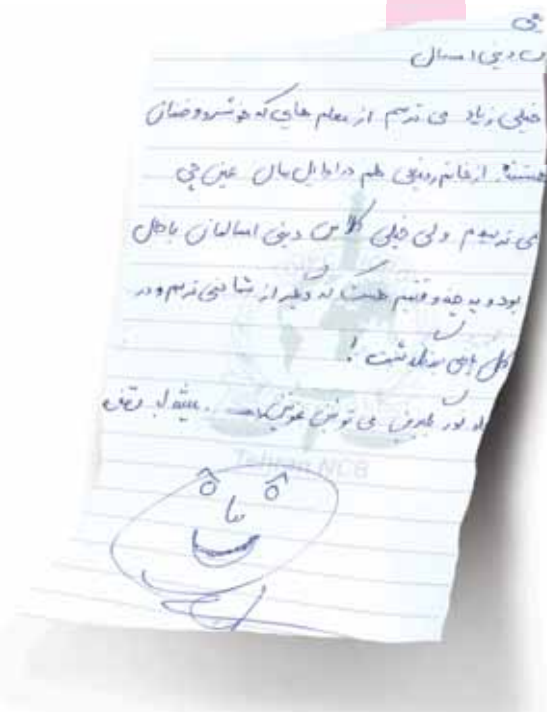
بخشی از ارزشیابی نهایی را به این امر اختصاص داد. در طی سال تحصیلی مدیر مدرسه می‌تواند از طریق تشکیل جلسات ماهانه با داوطلبانی که در این طرح مشارکت کرده‌اند، علاوه بر پی‌گیری اجرای طرح‌ها، با مطرح کردن دستاوردهای حاصل، انگیزه‌های افراد را افزایش دهد. در پایان سال وقتی فهرست کارهای انجام شده، تغییر در هزینه‌های مصرف آب و انرژی و نیز دستاوردهای تربیتی و آموزشی طرح در آخرین جلسه عنوان می‌شود، رضایت حاصل از مشارکت در چنین طرحی با هیچ دستاورد دیگری برابری نخواهد کرد.

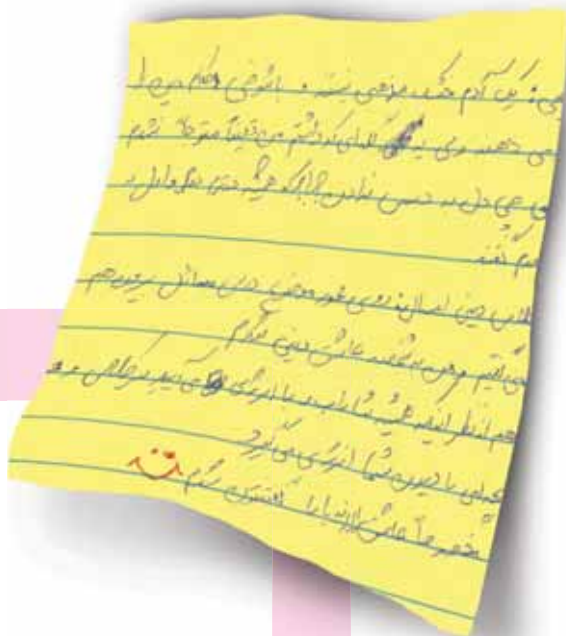
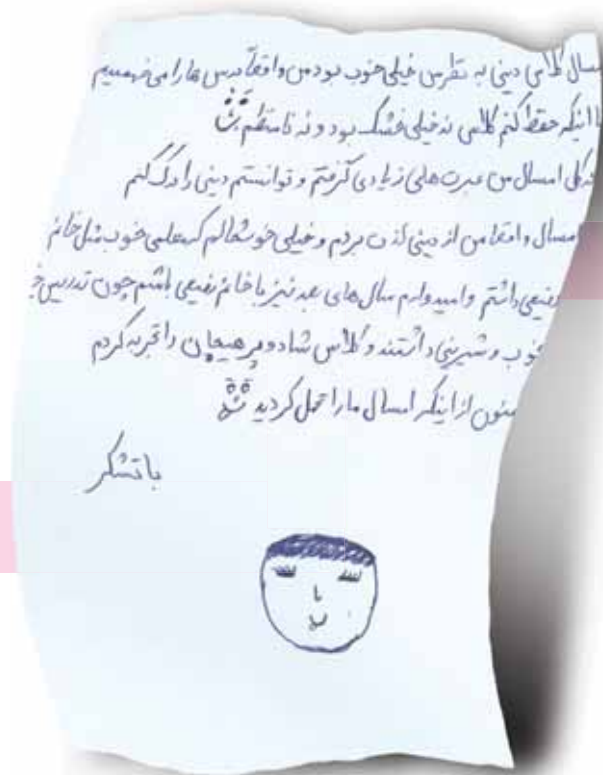
مهرداد رفیعی  
هنرستان شهید طاهریان

# امتحان صداقت

در یکی از روزهای نیم‌سال دوم پس از اتمام جلسه امتحان، به بچه‌ها اعلام کردم: «هرکس باید خودش ورقه خود را تصحیح کند. به آن‌ها گفتم: من فقط کلید دقیق هر سؤال را به شما می‌گویم و شما با جمع نمرات خود، نمره نهایی را برای ثبت در دفتر اعلام کنید.» بعد اضافه کردم: یادتان باشد که این فرصت خوبی است برای شما که امتحان دیگری هم بدهید! امتحان صداقت! سپس کلید سؤالات را در اختیارشان گذاشتم و آن‌ها مشغول تصحیح شدند. من می‌دیدم که بچه‌ها با دقت تک‌تک سؤالات را با وسواس خاصی تصحیح می‌کردند. حتی اگر در نمره برخی از سؤالات تردید داشتند از من سؤال می‌کردند. وقتی هنگام اعلام نتایج شد بعضی‌شان خوشحال بودند و بعضی ناراحت و حتی گریان و گروهی نیز عادی، ولی آنچه در همه بچه‌ها مشترک بود، خیالی آسوده و راحت بود. چشمانشان از صداقت موج می‌زد. آنان از این امتحان پیروز و سربلند بیرون آمده بودند، این امتحان فقط میزان یادگیری دانش‌آموزان را محک نزده بود بلکه صداقت، کرامت و اعتماد آن‌ها را نیز مورد آزمایش قرار داده بود.

شاید ارزش و اهمیت ایجاد شرایط برای امتحان دوم (امتحان صداقت) بیش از امتحان معلومات درسی است و ما غافل از پرداختن به چنین فرصت‌هایی برای تمرین مهارت‌های زندگی شده‌ایم!





### بهترین هدیه

هم‌زمان با هفته معلم هنگام تدریس به حدیثی از امام صادق (ع) برخوردم که فرموده بودند: «أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي» (اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۹) محبوب‌ترین برادران نزد من کسی است که عیب‌های مرا به من هدیه دهد.

بر این اساس از دانش‌آموزان خواستم که بهترین هدیه (نوشتن عیب‌هایم) را به مناسبت هفته معلم به من اهدا کنند.

نتیجه این شد که دانش‌آموزان مانند آینه، عیبی را که هرگز به آن فکر نمی‌کردم به من هدیه کردند. آن عیب «تبعیض» بود.

دانش‌آموزی داشتم؛ باهوش، ورزشکار، مؤدب و در یک کلام دوست‌داشتنی. تیزهوش بود و در ورزش جزء تیم استان شده و مدال‌های رنگارنگی گرفته بود که نشان از همت و پشتکار و تلاش فوق‌العاده او می‌کرد. در ادب و وقار هم مثال‌زدنی بود. او که خیلی زود از سایه مهر پدر محروم شده بود به لطف الهی و زحمات مادرش به اینجا رسیده بود. همه این موارد کافی بود که توجه و تحسین یک معلم را برانگیزد. به همین جهت هنگام تدریس وقتی می‌خواستم از مثال استفاده کنم او را بارها به‌عنوان نمونه یاد کرده بودم ولی دریغ از اینکه همین امر باعث دلخوری بعضی شده بود. وقتی نوشته‌های دانش‌آموزان را خواندم، با خود اندیشیدم و متوجه خطای بزرگ خود شدم. حق با دانش‌آموزان بود. توجه ویژه به آن دانش‌آموز خاص باعث شده بود در دیگران احساس «مقایسه کردن» و شاید «حسادت» رخ دهد و حتی روابط صمیمی آن‌ها را خدشه‌دار کند، من ناخواسته چه ظلمی هم به خود فرد و هم به دیگران کرده بودم! این تجربه باعث شد که به این نتیجه برسم: «همه‌گل‌ها ظریف‌اند و حساس؛ لذا توجه و دقت بیش از حد به فقط یک گل، هم آن گل را پژمرده می‌کند و هم گلستان را».



# حرف‌های ناجور شاید هم جور

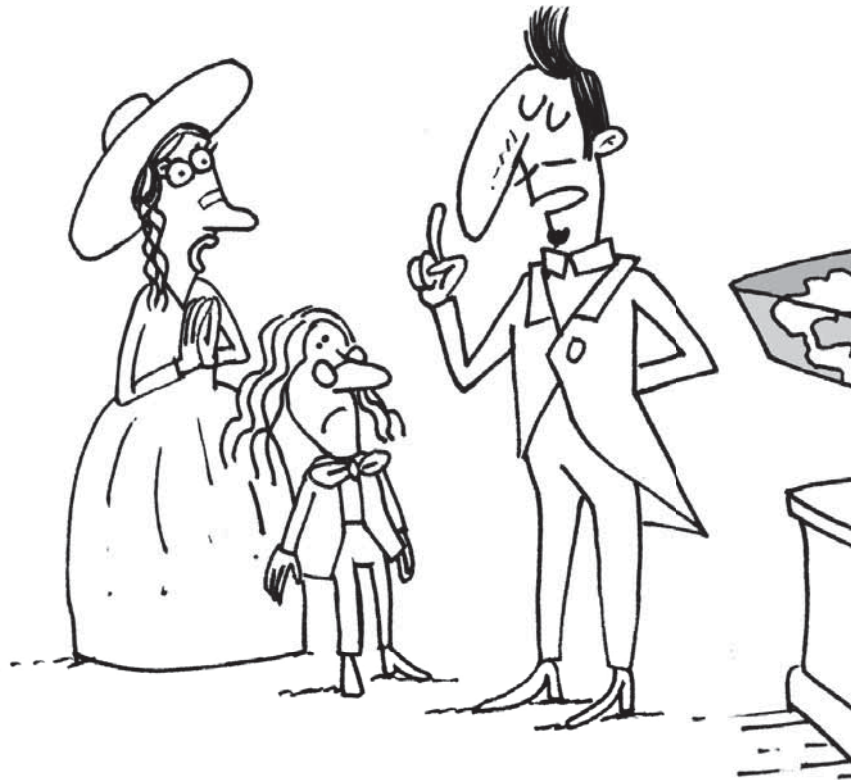
رؤیا صدر

تصویرگر: ابوالفضل محترمی



← زن دایی! جوش نزن، تنبله که تنبله...  
یجاش پیشرفت می‌کنه... حالا ما که  
زرنگ بودیم کجای دنیا رو گرفتیم؟!  
پسر عمه آلبرت اینشتین





→  
خانم! این فرزندتون حرفای ناجور  
می‌زنه، نظم کلاسو به هم می‌زنه...  
می‌گه زیونم لال، زمین گرده و دور  
خورشید می‌چرخه. اگه یه بار دیگه  
جلوی بچه‌ها از این حرفا بزنه، به  
همین صاف بودن زمین و نچرخیدنش  
دور خورشید قسم، مجبور می‌شم از  
نمره انضباطش کم کنم.  
معلم گاليله



↑  
بچه به درس و مشقت برس. آخه  
نشستن پای درخت سیب هم شد  
عوض کردن مسیر تاریخ؟! اگه به  
نشستنه، اون معلم ورزشتون باید تا  
حالا هزار بار مسیر تاریخ رو عوض  
کرده باشه.  
شوهر خاله اسحاق نیوتن



→  
بچه!! چشمت باباقوری نشد از بس با اون چوب و مقوا ور رفتی؟  
بشین یه ذره به دربت برس. آخه اختراع هواپیما هم شد  
کار؟!... اگه رفتی اون بالا افتادی دوباره پات شکست و از درست  
عقب افتادی کی جواب معلمتو می‌ده؟ مردم از بس به‌خاطر  
بی‌انضباطی‌های تو قبض کمک به مدرسه پر کردم.  
مادر ویلبر رایت

# انواع سرطان از الف تا ی سرطان چرا؟!!

فرزانه نوراللهی



در شماره قبل با واژه علمی سرطان و اصلاح باورهای نادرست آشنا شدیم. در این شماره به معرفی برخی سرطان‌های رایج می‌پردازیم و توصیه می‌کنیم برای آشنایی بیشتر به سایت [www.ncii.ir](http://www.ncii.ir) مراجعه کرده و به مطالعه انواع سرطان‌ها بپردازید. مطمئن باشید که آگاهی یافتن از این بیماری خاص، روش‌های پیشگیری و یا خدای ناکرده درمان را برای همه ما سهل‌تر می‌سازد. امیدواریم با ترویج فرهنگ سلامتی و مطالعه، ریشه این بیماری در کشور خشکیده شود.

## سرطان معده

سرطان معده با بیش از ۶۰۰۰ مورد جدید در سال، یکی از سرطان‌های شایع در ایران است.



### عوامل احتمالی ابتلا

- مصرف نمک زیاد (غذاهای دودی، شور یا ترشی)
- چاقی
- کمبود فعالیت بدنی
- عفونت هلیکوباکتر پیلوری
- کشیدن سیگار
- التهاب مزمن معده
- سابقه فامیلی



### علائم هشداردهنده

- احساس ناراحتی یا درد در ناحیه معده
- مشکل در بلع
- احساس سیری یا نفخ پس از یک وعده غذایی کوچک
- حالت تهوع و استفراغ
- کاهش وزن
- استفراغ خونی یا وجود خون در مدفوع



### پیشگیری

- استفاده کم‌تر از نمک
- استفاده از میوه و سبزی‌های تازه
- مصرف غذاهای حاوی بتاکاروتن و ویتامین C
- نگهداری صحیح مواد غذایی در یخچال
- پرهیز از مصرف غذاهای مانده
- داشتن وزن مناسب
- اجتناب از استعمال دخانیات
- درمان عفونت ناشی از هلیکوباکتر پیلوری

## سرطان روده بزرگ راست‌روده

بیش از نیمی از موارد سرطان روده بزرگ با تغییراتی در سبک زندگی قابل پیشگیری است.



### عوامل احتمالی ابتلا

- سن بالای ۵۰ سال
- پولیپ‌های روده بزرگ - راست‌روده
- سابقه خانوادگی سرطان روده
- تغییرات ژنتیک
- سابقه شخصی سرطان
- کولیت اولسراتیو و بیماری کرون
- رژیم غذایی: چاقی و رژیم‌های غذایی پرچرب و با کالری بالا، کمبود مصرف سبزی و میوه، رژیم‌های غذایی که کلسترول، فولات و فیبر کمی دارند و مصرف زیاد گوشت قرمز (به‌خصوص گوشت‌های سرخ‌شده یا کباب‌پز شده و گوشت‌های فرآوری شده) خطر سرطان روده بزرگ - راست‌روده را افزایش می‌دهند.
- سیگار کشیدن
- کمبود فعالیت بدنی



### علائم هشداردهنده

- تغییر در عادات دفع (اسهال یا یبوست)
- احساس عدم تخلیه کامل روده
- دیدن خون (قرمز روشن یا خیلی تیره) در مدفوع
- باریک‌تر شدن مدفوع بیش از حد معمول.
- زور پیچ یا درد شکمی مداوم، یا احساس پری یا نفخ.
- کاهش وزن بدون دلیل مشخص.
- احساس خستگی شدید دائمی.
- حالت تهوع یا استفراغ.
- با پیروی از رژیم غذایی مناسب، انجام فعالیت بدنی به میزان کافی و کنترل نمودن وزن بدن، می‌توان از بروز نیمی از موارد سرطان روده بزرگ و راست‌روده جلوگیری نمود.



### پیشگیری

- عدم استعمال دخانیات
- فعالیت بدنی منظم
- اجتناب از اضافه وزن و چاقی
- انتخاب رژیم غذایی با چربی کم و فیبر زیاد
- محدود کردن مصرف گوشت قرمز (کم‌تر از ۴۵۰ گرم در هفته)
- پرهیز از مصرف گوشت‌های فرآوری شده
- مصرف حداقل ۵ وعده میوه و سبزی در روز
- مصرف غلات سبوس‌دار
- استفاده نکردن از مشروبات الکلی



### عوامل احتمالی ابتلا

ع ۶۵ سال یا بالاتر  
 ع مذکر بودن: مردان دو تا سه برابر بیشتر از زنان در معرض ابتلا به سرطان مری هستند.  
 ع استعمال دخانیات  
 ع مصرف مشروبات الکلی  
 ع رژیم غذایی که شامل مقدار اندکی میوه و سبزی باشد خطر ابتلا به سرطان مری را افزایش می‌دهد.  
 ع چاقی مفرط  
 ع بازگشت اسید معده (Reflux)

ع Barrett Esophagus (مری بارت): بازگشت اسید معده معمولاً به مری آسیب می‌رساند و به مرور باعث شرایطی معروف به «مری بارت» می‌شود. این عامل خطرناک‌تر از بازگشت اسید به تنهایی است.

### سرطان مری

سرطانی که در بافت پوشاننده مری (لوله‌ای که غذا از طریق آن از حلق به معده منتقل می‌شود) ایجاد می‌شود. و شامل دو نوع عمده است.



### علائم هشداردهنده

ع غذا در مری گیر می‌کند و یا گاهی برمی‌گردد.  
 ع درد هنگام بلع غذا.  
 ع درد در قفسه سینه و ناحیه پشت  
 ع کاهش وزن.  
 ع سوزش سر دل (یا ترش کردن).  
 ع صدای گرفته و یا سرفه‌ای که بیش از دو هفته ادامه می‌یابد.



### پیشگیری

ع عدم استعمال دخانیات  
 ع اجتناب از نوشیدن الکل  
 ع اجتناب از نوشیدن مایعات داغ  
 ع مصرف بیشتر میوه و سبزیجات با رنگ‌های مختلف  
 ع داشتن وزن مناسب  
 ع در صورت داشتن سوزش سر دل (ترش کردن)، آن را درمان کنید.



### عوامل احتمالی ابتلا

ع عفونت ناشی از ویروس هپاتیت بی (HBV) یا ویروس هپاتیت سی (HCV)  
 ع مصرف بیش از حد الکل  
 ع آفلاتوکسین - ماده‌ای سمی که روی پسته، بادام زمینی، ذرت و سایر حبوبات و دانه‌ها تشکیل می‌شود.  
 ع بیماری ذخیره‌ای آهن  
 ع بیماری سیروز  
 ع چاقی  
 ع دیابت

### سرطان کبد

سرطان اولیه کبد سرطانی است که در بافت کبد ایجاد می‌شود. سرطان ثانویه (متاستاتیک) کبد از نواحی دیگر بدن به کبد منتشر می‌شود



### علائم هشداردهنده

ع درد در بخش فوقانی شکم در سمت راست  
 ع توده یا احساس سنگینی در بخش فوقانی شکم  
 ع ورم شکم (نفخ)  
 ع از دست دادن اشتها و احساس سیری زودرس  
 ع از دست دادن وزن  
 ع ضعف یا احساس خستگی شدید  
 ع حالت تهوع و استفراغ  
 ع زرد شدن پوست و چشم‌ها، مدفوع کمرنگ، و ادرار تیره ناشی از زردی (یرقان)  
 ع تب



### پیشگیری

ع واکسیناسیون هپاتیت B  
 ع کاهش رفتارهای پرخطر جهت کاهش ابتلا به عفونت‌های هپاتیت B و C  
 ع پرهیز از مصرف الکل  
 ع پرهیز از مصرف غذاهای آلوده به کپک  
 ع حفظ وزن مناسب

# اینجا دل است سامانه پیام های خیس

سعیده اصلاحی

## بیدار شو

شهر خواب آلود که در نقره ریز صبح زیر  
ابرهای خاکستری دوش گرفته بود حالا پلک  
واکرده و با هزار هزار پنجره تو را چشم در  
راه است.

همیشه قبل از آمدنت، باران تمام  
دلتنگی های ریز و درشت زمین را می شوی  
و با خودش به دوردست ها می برد.

هر بار همین که باد، جارو به دست، مشغول  
گردگیری و خاک تکانی می شود، ابر آهسته  
در می زند تا مرا از کلبه ... برفی زمستانی  
بیرون بکشد.

حالا دلم از رقص رخوت آور شعله ها دل کنده  
است تا با لهجه روستایی باران آواز بخواند.  
بیرون کلبه، نفس باد، بوی گل می دهد؛ بوی  
گل های ناشناخته ای که در سرزمین های  
نادیده رویده اند.

... اینجا پروانه ها، سنجاق سر لرزانی روی  
گیسوان خیس در ختان اند  
... و گل های واشده روی تپه ها، شبیه لبخند  
فرشتگان.

..... چه قدر این هوا دلم را هوایی کرده است.

بشنو از این پرده و بیدار شو

خلوتی پرده اسرار شو

راه یقین جوی زهر حاصلی

نیست مبارک تر از این منزلی

خمسه نظامی

## ترانه های تنهایی

ما را سر سودای کس دیگر نیست

در عشق تو پروای کس دیگر نیست

جز تو دگری جای نگیرد در دل

دل جای تو شد جای کس دیگر نیست

«فرشته ای دلتنگ، سر از خانه ابری اش بیرون آورد و

پرسید: خورشید کجاست؟»

«... کوه شنید و تکرار کرد: خورشید کجاست؟ ...

کجاست؟ ... کجاست؟»

صدا در کوهپایه ها پیچید، لابه لای درخت ها چرخید...

و سر خورد و قل خورد و افتاد توی رود: ... شالاب!

رود موج برداشت و رقصید، صدا به گوش ماهی ها

رسید.

«ماهی ها دور هم چرخیدند و از سنگ ریزه ها

پرسیدند: خورشید کجاست؟»

صخره خزه پوش کف رود، آرام و شمرده گفت:

«خورشید که جایی نرفته، همین جاست همین دور

و بر، پشت قله های کوتاه و بلند گم شده در برف ...





## یک برش لبخند

چشم فرو بسته‌ای از عیب خویش  
عیب کسان را شده آینه پیش  
در همه چیزی هنر و عیب هست  
عیب مبین تا هنر آری به دست  
عیب کسان منگر و احسان خویش  
دیده فرو بر به گریبان خویش  
آینه روزی که بگیری به دست  
خود شکن، آن روز مشو خودپرست  
خمسه نظامی



## یک برش لبخند

دو امیرزاده در مصر بودند، یکی علم آموخت  
و دیگری مال‌اندوخت.  
عاقبت الامر، آن یکی علامهٔ عصر گشت و این  
یکی عزیز مصر شد.  
پس این توانگر به چشم حقارت در فقیه نظر  
کردی و گفتی: «من به سلطنت رسیدم و  
این همچنان در مسکنت بمانده است.»  
گفت: «ای برادر، شکر نعمت باری- عَزَّاسْمُه-  
همچنان افزون‌تر است بر من که میراث  
پیغمبران یافتم یعنی علم.  
و تو را میراث فرعون رسید؛ یعنی ملک  
مصر.»

گلستان سعدی

لای چین‌های دامن آسمان...  
فقط باید خوب نگاه کنی... اما نه مثل دیگران.  
... باید دنیا را با «دلت» ببینی؛ با چشم دلت!  
سیبی که روی شاخه تاب می‌خورد و عکسش توی  
رود افتاده بود، حرف‌های صخره را شنید و پرسید:  
«دل کجاست؟»  
صخره نگاهی به سیب بالای سرش انداخت و جواب  
داد: «دل، در درون توست شادی و غم، امید و آرزو،  
ترس و دلتنگی و تمام چیزهای نادیدنی را باید با دلت  
حسن کنی.»  
خداوند به همه موجودات دلی پاک و زلال بخشیده  
است؛ دلی درخشان، مثل خورشید.  
در این میان، باد از گرد راه رسید، گونه سیب را بوسید  
و تابش داد، بعد هوهوکنان اوج گرفت.  
«سیب و صخره پرسیدند: کجا؟»  
بلند گفت: «باید ابرها را کنار بزنم... همه دلتنگ  
خورشیدند.»

# دانش آموزان و اقتصاد مقاومتی

نرگس سادات رحمن پور  
دبیر شیمی، شهرستان بابل

## مقدمه

اصلی تربیت رسمی و فرهنگ ساز، در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی بسیار تعیین کننده و سرنوشت ساز خواهد بود (۲). از دیگر موضوعات کلان ملی و در ارتباط با اقتصاد مقاومتی که دانش آموزان و آموزش و پرورش می توانند در آن نقش جدی ایفا نمایند، موضوع پرسش مهر رئیس جمهور در آغاز فصل بازگشایی مدارس، و پرداختن به موضوع استفاده بهینه از آب است. به عقیده بسیاری، در اقتصاد مقاومتی، موضوع نداشتن منابع نیست بلکه شناختن منابع است. بنابراین با استفاده از توان بالقوه نهفته در گروه عظیم دانش آموزی می توان به اصلاح فرهنگ مصرف و استفاده بهینه منابع، از جمله منابع آب، دست یافت.

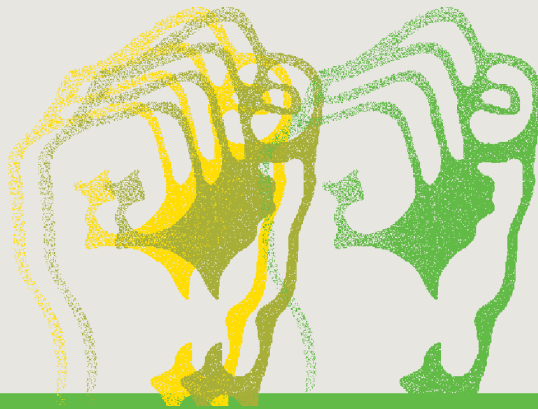
آموزش و پرورش می تواند با ارائه متونی صحیح و منطبق با فرهنگ ملی - مذهبی کشور به دانش آموزان و ارائه راهکارهای مناسب تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان آن ها را متناسب با شرایط و نیازهای امروز جامعه تربیت کند. یعنی از کودکی آنان را اخلاق، جهادگر، سخت کوش، مسئولیت پذیر و دارای حس خودباوری بار بیاورد تا با خوب درس خواندن و خوب یاد گرفتن مهارت های کاری، برای خدمت بهتر به کشور آماده شوند؛ یا از طریق آموزش و ایجاد انگیزه، ظرفیت های لازم برای پذیرش مسئولیت و حس قوی خودگردانی جهت رویارویی با مشکلات و توان مقابله با آن ها را کسب نمایند.

یکی از دیگر راه های فعالیت در راستای اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش، هدایت دانش آموزان به رشته های فنی و کار دانش است. این رشته ها بستری مناسب برای اقتصاد مقاومتی است به ویژه که توسعه مراکز فنی و حرفه ای از اهداف تعیین

اقتصاد مقاومتی به معنی اقتصادی خود کفا، مولد، مستقل و شکوفاست که در برابر همه فشارها و تحریم ها مقاوم بوده و می تواند جامعه را از اثرات مخرب فشارها و تحریم ها محافظت نماید. اقتصاد مقاومتی در حقیقت به معنای تشخیص حوزه های فشار و متعاقبا تلاش برای کنترل و بی اثر کردن آن ها، و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت توانمندی است. (۱)

اقتصاد مقاومتی برنامه ای همه جانبه است که تمام مردم و مسئولان در قبال آن وظیفه ای دارند و باید به آن عمل کنند. چنانچه عموم مردم وظیفه خود را ندانند، باید آن ها را آموزش داد تا پس از شناخت وظایف، اقداماتی متناسب و شایسته را در پیش گیرند و برای اجرای اقدامات لازم توانمند شوند. زمان که اقدام عملی و کار مفیدی در جامعه اتفاق نمی افتد سه دلیل دارد. یا اعتقاد وجود ندارد و مردم نمی خواهند. یا اعتقاد دارند و می خواهند ولی نمی دانند موضوع چیست و چه باید بکنند، و سوم اینکه می خواهند و می دانند موضوع چیست ولی نمی توانند اجرا کنند. چون ابزار، امکانات یا شرایط لازم برای اجرا را ندارند.

در شرایط فعلی کشور، اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی به منظور خودکفایی و ایستادگی در برابر تحریم ها و زیاده خواهی های کشورهای غربی ضروری است. بنابراین با توجه به کثرت و گستردگی جمعیت دانش آموز و ظرفیت های موجود در این قشر، نقش دانش آموزان در موفقیت برنامه های اقتصاد مقاومتی انکارناپذیر است. به عبارت دیگر نقش آموزش و پرورش به عنوان بزرگ ترین دستگاه فرهنگی و یکی از نهادهای



شده در سند تحول بنیادین (در حوزه متوسطه) است. تحصیل در این رشته‌ها می‌تواند با توجه به بازار کار و ایجاد شغل از دغدغه‌های خانواده‌ها و دانش‌آموزان بکاهد. قدم دیگر، آموزش دانش‌آموزان در زمینه صرفه‌جویی است. یعنی درست مصرف کردن لوازم مختلف مانند دفتر و کتاب. این گونه، هم کتاب‌ها ماندگاری بیشتری خواهند داشت و هم اینکه کاغذ کمتری در کشور مصرف می‌شود. و بدین ترتیب دیگر نیاز نیست کشور ما هزینه زیادی برای وارد کردن کاغذ از کشورهای بیگانه صرف نماید. (۳)

دانش‌آموزان که جمعیتی برابر با حدود سیزده میلیون نفر را شامل می‌شوند می‌توانند در تبیین الگوی مصرف، یا استفاده از کالای ایرانی و اصلاح فرهنگ تأثیر بسزایی داشته باشند. اینان می‌توانند گام اول را در خانواده‌ها برداشته و با سخن اثرگذار خود در بین اعضای خانواده و یا در سطح جامعه موجب ایجاد علاقه به استفاده و بهره‌مندی از تولید داخلی شوند. (۳-۴)

دانش‌آموزان قادرند خانواده‌های خود را در خرید مبلمان، تجهیزات مورد نیاز، لوازم تزئینی، اسباب‌بازی و پوشاک هدایت نمایند و خود نیز از خریدن لوازم التحریر و کیف و کفش خارجی بپرهیزند و از نوع ایرانی همان وسایل استفاده کنند. و از این طریق موجب رونق تولید ملی شوند. (۳)

دانش‌آموزان می‌توانند با استفاده مناسب و به موقع از لوازم خانگی مانند تلویزیون، کولر، بخاری و یخچال از مصرف بی‌رویه آب، برق و گاز بکاهند و از این طریق در حفظ سرمایه‌های ملی بکوشند. به‌عنوان نمونه، د رمورد مصرف آب، بسیاری از

متخصصان بر این باورند که گرچه کشور ما در کمربند ناحیه خشک کره زمین قرار دارد، اما مشکل کشور کمبود آب نبوده بلکه بحران در الگوی مصرف آب است. بنابراین با استفاده از توان نهفته در جوانان و نوجوانان دانش‌آموز می‌توان از طریق مدیریت مصرف آب بر مشکلات مربوط به کمبود آن و به عبارتی بحران آب، فایق آمد.

دانش‌آموزان مخترعان و دانشمندان آینده این سرزمین هستند و چه بسیار نیازهای کشور به دست توانمند آنان باید برطرف گردد.

با توجه به مطلب بالا و نقش مهم دانش‌آموزان در توسعه فرهنگی، از جمله در موضوع اقتصاد مقاومتی، از یک‌سو، و از سوی دیگر، تازگی موضوع و عدم وجود اطلاعاتی در زمینه آگاهی، نگرش و عملکرد آنان در خصوص اقتصاد مقاومتی، در این مطالعه سعی شده است دیدگاه دانش‌آموزان پیرامون این موضوع مورد بررسی قرار گیرد و امید است کمکی هرچند کوچک به تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی باشد.

**روش کار:** این مطالعه در فروردین و اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۳ بر روی ۲۰۸ نفر از دانش‌آموزان دوره متوسطه سه دبیرستان در رشته‌های تحصیلی علوم تجربی، و عمومی (پایه اول) اجرا شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از فرمی محقق ساخته دارای ۱۲ سوال استفاده شد. ۳ سوال در رابطه با اطلاعات فردی (رشته تحصیلی، پایه تحصیلی، نوع مدرسه)، ۶ سوال چندگزینه‌ای در خصوص آگاهی، نگرش و عملکرد آنان پیرامون اقتصاد مقاومتی، و ۳ سوال باز در رابطه با بیان مصادیق اقتصاد مقاومتی و ارائه نظرات. نمونه‌ها





به روش آسان و از میان دانش‌آموزان حاضر در کلاس‌های درسی محقق انتخاب شدند. فرم‌ها در آغاز هر کلاس درسی توزیع و پس از مدت کافی جهت پاسخ‌گویی، مجدداً جمع‌آوری گردید. البته به دانش‌آموزان گفته شد که پاسخ‌گویی به سؤالات کاملاً اختیاری است و هر یک از آنان به هر دلیل که تمایل به پاسخ‌گویی ندارد، می‌تواند از این مطالعه خارج گردد.

**یافته‌ها:** پس از جمع‌بندی پاسخ‌های دانش‌آموزان در سه مدرسه مورد مطالعه مشخص گردید که ۳۰ نفر از آنان (۱۴/۴٪) واژه اقتصاد مقاومتی را شنیده‌اند اما فقط ۱۲ نفر (۵/۸٪) با مصادیق آن آشنایی دارند و تنها ۱۰ نفر (۴/۸٪) شاهد اقدامی در این خصوص در مدرسه بوده‌اند. پاسخ به این سؤال که آیا هیچ‌یک از معلمان در رابطه با اقتصاد مقاومتی در کلاس صحبت کرده‌اند، ۱۵ نفر (۷/۲٪) پاسخ مثبت دادند.

در پاسخ به این سؤال که آیا دانش‌آموزان در خصوص اقتصاد مقاومتی مسئولیتی دارند، ۳۱ نفر (۱۴/۹٪) خود را مسئول دانستند. پرسش پیرامون اینکه مسئولیت پرداختن به موضوع اقتصاد مقاومتی و انجام اقدامات مرتبط به عهده چه کسی است، نشان داد که ۱۲ نفر (۵/۸٪) مسئولیت این امر را به عهده همه مردم، ۳ نفر آن را به عهده مسئولین مدرسه، ۳ نفر مسئولیت را به عهده رئیس جمهور، ۲ نفر مسئولین دولتی و ۱ نفر نیز به عهده رهبر دانستند.

در پاسخ به این‌که: چه پیشنهادی برای این موضوع در مدرسه دارید؟ ۲۲ نفر ایده‌هایی را ارائه کرده بودند که اغلب آن‌ها آموزش و صحبت در رابطه با اقتصاد مقاومتی (یا به عبارتی ارتقاء آگاهی دانش‌آموزان در رابطه با اقتصاد مقاومتی) مورد نظرشان بود.

**نتیجه‌گیری:** هدف از مطالعه حاضر پی بردن به وضعیت آگاهی، نگرش و عملکرد گروهی از دانش‌آموزان در ارتباط با مقوله اقتصاد مقاومتی بود. اگرچه محدودیت تعداد افراد شرکت‌کننده در این بررسی عاملی است که مانع از تعمیم نتایج آن به دیگر دانش‌آموزان خواهد شد، اما به هر حال بازگوکننده برخی نقاط قوت و ضعف در میان آنان از حیث موضوع اقتصاد مقاومتی و جلب مشارکت

ایشان در حل یا کاستن از معضلات اقتصاد - اجتماعی کشور خواهد بود. نتایج به‌دست آمده گویای آن بوده است که:

- از آنجا که هیچ‌یک از کلاس‌های مورد مطالعه دارای ۱۵ دانش‌آموز نبوده است، بنابراین اظهار ۱۵ نفر از دانش‌آموزان مبنی بر کسب اطلاعاتی از سوی معلمان، احتمالاً نشان‌دهنده آن است که این عده اطلاعات خود را از معلم یا معلمانی خارج از کلاس درس (مانند معلمان پرورشی و یا شورای دانش‌آموزی که معلمان پرورشی همراه با مدیران مدارس در آن حضور دارند) کسب نموده‌اند.

- نتایج این مطالعه نشان داده است که اغلب دانش‌آموزان ارائه‌کننده پیشنهاد، از میان کسانی بودند که عبارت اقتصاد مقاومتی را شنیده و اظهار آشنایی با مصادیق آن را داشتند. این یافته ضمن تأکید بر اهمیت و نقش اطلاعات جهت اقدام در هر زمینه‌ای بیانگر این حقیقت است که هر گونه انتظار جهت اقدام عملی، نیازمند کسب آگاهی و نگرش‌های لازم می‌باشد. به عبارت دیگر به‌منظور دستیابی به سطح مطلوبی از مشارکت و تلاش در زمینه اهداف اقتصاد مقاومتی نیازمند آموزش و اطلاع‌رسانی پیوسته و گسترده در همه اقشار از جمله دانش‌آموزان و کادر آموزش و پرورش هستیم. این موضوع در ارتباط با پرسش مهر رئیس‌جمهور نیز صادق بوده و با اذعان به توان بالای نهفته در دانش‌آموزان و آموزش و پرورش، مستلزم پیگیری و آموزش جدی است.

جمع‌بندی ایده‌ها و پیشنهادها دانش‌آموزان در خصوص نحوه اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی در زندگی خالی از تأکید بر موضوعاتی مانند صرفه‌جویی و استفاده بهینه از امکانات بوده است. شیوه‌ای که در بسیاری از موارد به‌ویژه از سوی دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها به شکل مطلوب و مؤثری قابل اجرا خواهد بود و در آموزهای اسلامی نیز به اشکال مختلف همچون پرهیز از اسراف و تأکید بر به‌کارگیری عقل و منطق در استفاده از منابع، سفارش شده است.

امید است با ایجاد یک انسجام درونی بین دولت، ملت (دانش‌آموزان و دیگر اقشار مردم) و مشارکت همه نهادهای اجتماعی از جمله نهادهای آموزشی بتوانیم مانع از تحقق دشمنی و اهداف شوم تحریم‌کنندگان علیه کشورمان گردیم.

#### \* منابع

۱. تیرگر، آ. آقاری، ز. پژوهشی در اقتصاد مقاومتی از منظر شهروندان و دانشگاهیان. کیهان فرهنگی، زمستان ۱۳۹۲، ۴۸-۴۶.
۲. آقاصفری ح. م. راه‌ها و روش‌های نهادهای کردن اقتصاد مقاومتی در کودکان و نوجوانان. <http://titel.ir>
۳. موسوی س. م. نقش کلیدی دانش‌آموزان در تحقق اقتصاد مقاومتی. نشریه پیشگامان، شماره ۳۸-۳۹، ۷۳.
۴. پایگاه اطلاع‌رسانی راه مدرسه، نقش دانش‌آموزان در موفقیت مقوله اقتصاد انکارناپذیر است. <http://www.rahemadreseh.ir>



## ضرورت رفتار مناسب با دانش‌آموزان بیش‌فعال

الهه ایزدبخش

مدیر دبستان دخترانه آسیه، سبزوار

در بسیاری از مدارس عادی دانش‌آموزانی دیده می‌شوند که دارای نوعی اختلالات رفتاری نظیر نقص توجه همراه با بیش‌فعالی، عدم قانون‌پذیری و تبعیت و تطبیق با محیط و قوانین مدرسه می‌باشند. این اختلال که عمدتاً ناشی از تحرک‌پذیری زیاد دانش‌آموز است و فعالیت زیاد جسمی او را همراه دارد، اگر به‌درستی شناخته و درمان نشود، علاوه بر عدم یادگیری صحیح وی، می‌تواند همکلاسی‌ها و کادر آموزشی را درگیر خود کند و موجب بروز مشکل در روند اجرای صحیح مقررات گردد. پس دانستیم که بیش‌فعالی حالتی است که در آن کودک به نحوی مفرط و بیش از اندازه فعال و پر جنب‌وجوش است. تحرک زیاد این کودکان نه تنها خود آن‌ها را بلکه اطرافیان، همکلاسی‌ها و اولیای مدرسه را دچار مشکل می‌کند. بدین منظور در این تحقیق سعی شد تا با توجه به حساسیت دوره آموزش ابتدایی در شکل‌گیری شخصیت فرد، دانش‌آموزی با مشخصه بارز رفتاری بیش‌فعالی انتخاب شود و زیر نظر قرار گیرد.

نرگس، در سال ۱۳۸۷، دانش‌آموز پایه‌اول ابتدایی مدرسه‌ما بود. وی سال قبل در مدرسه دیگری بود و چون مردود شده بود او را در مدرسه‌ما ثبت‌نام کرده بودند. دختری بود که به‌دلیل بیش‌فعالی، مشکلاتی را برای همسالانش در مدرسه ایجاد می‌کرد و من باید برای او که هر روز همراه نماینده کلاس و شکایات پی‌درپی معلم و دیگر همکلاسانش راهی دفتر مدرسه می‌شد و از او گله‌مند بودند فکری می‌کردم. نرگس تکالیف خود را انجام نمی‌داد، دفتر مشق دوستش را پاره یا



## مادر وی بعد از چندین جلسه بالاخره موضوع بیماری صرع دخترش را که تا پیش از این مخفی می کرد، مطرح نمود

خط خطی می کرد، به تذکرات معلم بی توجه بود، غیبت های مکرر و تأخیرهای روزانه داشت و ... از سوی دیگر مادرش نیز از اذیت های مکرر نرگس در خانه ناراحت بود: دعوا با بچه های همسایه، انجام ندادن تکالیف مدرسه، امتناع از آمدن به مدرسه. این شد که من با همکاری معاونان مدرسه و معلم کلاس اول و مادر نرگس برای رفع مشکل او به فکر افتادیم و برای حل آن به چاره جویی برخاستیم.

ما می خواستیم بدانیم آیا می توان شرایطی را برای نرگس فراهم کرد تا بتواند با داشتن آرامش، رفتارش را کنترل کند و توجه خود را به یک موضوع خاص معطوف نماید؟ بدین منظور درصدد جمع آوری اطلاعات برآمدیم و از همه افرادی که به گونه ای از وضعیت موجود «نرگس» آگاهی داشتند کمک خواستیم. این افراد عبارت بودند از:

۱. معلم کلاس اول؛
۲. دانش آموزان کلاس اول؛
۳. خانواده نرگس؛
۴. کارشناس هسته مشاوره؛
۵. پزشک معالج.

ضمناً از معاونین مدرسه خواستیم رفتار او را در خارج کلاس مشاهده کنند و به ما گزارش بدهند. با معلم و مدرسه قبلی وی تماس برقرار نموده و آنان نیز عنوان نمودند که نرگس غیرقابل تحمل است و به هیچ صراط مستقیمی هدایت نمی شود و به هیچ وجه قابل اصلاح و ماندگار در مدرسه نیست! چندین بار با خانواده نرگس تماس گرفتیم. چندین بار آن ها را خواستیم و در رابطه با این مشکل با آن ها صحبت کردم و هر بار به علل مسئله نزدیک تر شدم. مادر وی بعد از چندین جلسه بالاخره موضوع بیماری صرع دخترش را که تا پیش از این مخفی می کرد، مطرح نمود و گفت که او زیر نظر پزشک است و دارو مصرف می کند. مادر نرگس علت کتمان این موضوع را ترس خود از ثبت نام نکردن نرگس در مدرسه ما عنوان کرد. بنابراین، توسط مادر، با پزشک معالج صحبت کردم و پی گیر مسئله شدم. از پزشک تقاضا کردم با فعالیت هایمان همسو شود تا در نهایت به هدف اصلی مان که همان بهبود

وضعیت بیش فعالی نرگس بود برسیم. همچنین با مشورت و نظرخواهی از همکاران تصمیم گرفته شد تا ارتباطی نیز با هسته مشاوره داشته باشیم. پرسش و پاسخ از شاگردان کلاس اول، مصاحبه با خانواده و معلم وی در مورد وضعیت درسی و تحقیق درباره وضعیت او در کلاس و مدرسه قبلی و مشاهده رفتار او در زنگ تفریح و همچنین کلیه داده های به دست آمده یادداشت شد و همه بیانگر این بود که بسیاری از عوامل ناخواسته و محرک های منفی، توأم با هم، باعث اختلال و تغییر در رفتار و تحرک پذیری نرگس شده است. در نهایت جلسه ای با معلم کلاس اول و معاونین و خانواده وی برگزار کرده و پس از گفت و گو و هماهنگی قرار شد:

۱. به گریه های نرگس زیاد اهمیت ندهیم و اجازه ندهیم از این پس مادر وی، که با اصرار نرگس در بعضی مواقع در کلاس حضور می یافت به این کار ادامه دهد.

۲. به او در حد تعادل اهمیت دهیم به شرطی که برای دانش آموزان دیگر کلاس مخل نباشد؛ مثلاً با دادن مسئولیت به او برای آوردن وسایل از دفتر مدرسه به کلاس درس، تا از این طریق نحوه ارتباطش با دیگران افزایش یابد. به طور کلی، در مورد او عطف و محبت را همراه با جدیت و اجرای مقررات مدرسه به کار ببریم.

- معلم با دفتر مدرسه هماهنگ، و نظارت شود مبدا نرگس هنگام بیرون رفتن از کلاس به بهانه آب خوردن یا دستشویی از مدرسه خارج شود.

- همه ملزم شویم به مراقبت رفتار نرگس در ساعات تفریح، مبدا به دیگر دانش آموزان صدمه ای بزنند یا موجب بروز حادثه ای شود.

- با پدر و مادر نرگس در نحوه رفتار با او هماهنگ شویم.

- مادر نرگس او را ۵ دقیقه دیرتر از دیگر شاگردان به مدرسه بیاورد و ۵ دقیقه زودتر به خانه برود تا برخورد او با دانش آموزان در رفت و آمد کم شود؛ تا عادی شدن رفتار وی.

اسلام بیش از هر چیز به تشویق توجه دارد. ابوعلی سینا ضمن بیان خصوصیات یک معلم

می‌گوید: «بایدگاهی دانش‌آموز را تشویق و زمانی او را تهدید نماید...».

ما از هفته دوم راه حل را شروع کردیم. خودم، به‌منظور آگاهی بیشتر و کنترل بهتر نرگس و به بهانه خسته نباشید گفتن به معلم و بچه‌ها وارد کلاس شدم و مانند دیگر دانش‌آموزان جایی را پیدا کردم و نشستیم. سعی نمودم نقش یک دانش‌آموز را بازی نمایم.

آن روز، جشن درس آب در کلاس برگزار بود. از معلم خواستم به نرگس بگویم شکلات‌ها را بین بچه‌ها پخش کند. معلمشان نیز همکاری کرد و نرگس شکلات‌ها را توزیع کرد. در عین اینکه پرسش و پاسخ کلاس در مورد فواید آب برگزار بود من نیز از خانم معلم اجازه گرفتم تا قسمتی از فواید آب را بیان کنم. بچه‌ها از اجازه من به خنده افتادند ولی خانم معلم گفت: «بچه‌ها اجازه بدهید که خانم مدیر نیز فواید آب را بگوید.» بعد از من نرگس نیز فواید آب را گفت. او که همیشه خوراکی‌های بچه‌ها را برمی‌داشت؛ حالا خودش بین آن‌ها خوراکی توزیع می‌کرد؛ و او که هرگز در بحث‌های کلاسی شرکت نداشت حالا خود در تدریس مشارکت داشت. این اولین بارقه امید ما بود که دیدیم نرگس از ماندن در کلاس لذت می‌برد. من کتاب داستانی را که با خود به کلاس آورده بودم در جمع دانش‌آموزان به نرگس هدیه دادم و برق شادی را در چشمان زیبای او دیدم.

کم‌کم ارتباط من با نرگس آنقدر قوی شد که صبح‌ها، در بدو ورود به مدرسه اولین سؤالی که می‌کرد این بود: خانم مدیر کجاست؟ سراغ مرا می‌گرفت و تا با هم سلام و احوال‌پرسی نمی‌کردیم به کلاس نمی‌رفت. به تدریج در مراسم صبحگاهی با همکاری معاون پرورشی از وجود نرگس در قرائت قرآن و گفتن شعارها نیز بهره بردیم. البته برای اینکه نرگس بدعادت نشود و دیگر دانش‌آموزان احساس حسادت نکنند این کار را نوبتی و به‌صورت زمان‌بندی برگزار می‌کردیم. من، در ساعات تفریح، با شرکت خود و نرگس در بازی‌های گروهی دانش‌آموزان تلاش کردم علاوه بر نظارت و کنترل، ارتباط عاطفی او را

با همکلاسی‌هایش بیشتر کنم تا به این ترتیب نرگس دوستان زیادی پیدا کند. در نهایت به آنجا رسیدیم که، با توجه به نظرخواهی از معلم، معاونین و همکلاسی‌های نرگس و خانواده او، همگی متفق‌القول شدند که نرگس از بهترین دانش‌آموزان این مدرسه شده و نه تنها از مدرسه‌گریزی و اذیت و آزارهای او خبری نیست بلکه علاقه وافری هم به مدرسه و کلاس نشان می‌دهد. از آن پس او با همراهی چند نفر از همکلاسی‌هایش که اتفاقاً از همسایگان‌شان بودند؛ به مدرسه می‌آمد. در ساعات تفریح نیز با یکی دو نفر از دوستانش همیشه همراه بود و جالب اینکه بعضی مواقع نیز آن‌ها را دعوت به کیک و آب‌میوه از فروشگاه مدرسه می‌کرد و خوراکی‌های خود را نیز با دوستان صمیمی خود تقسیم می‌نمود.

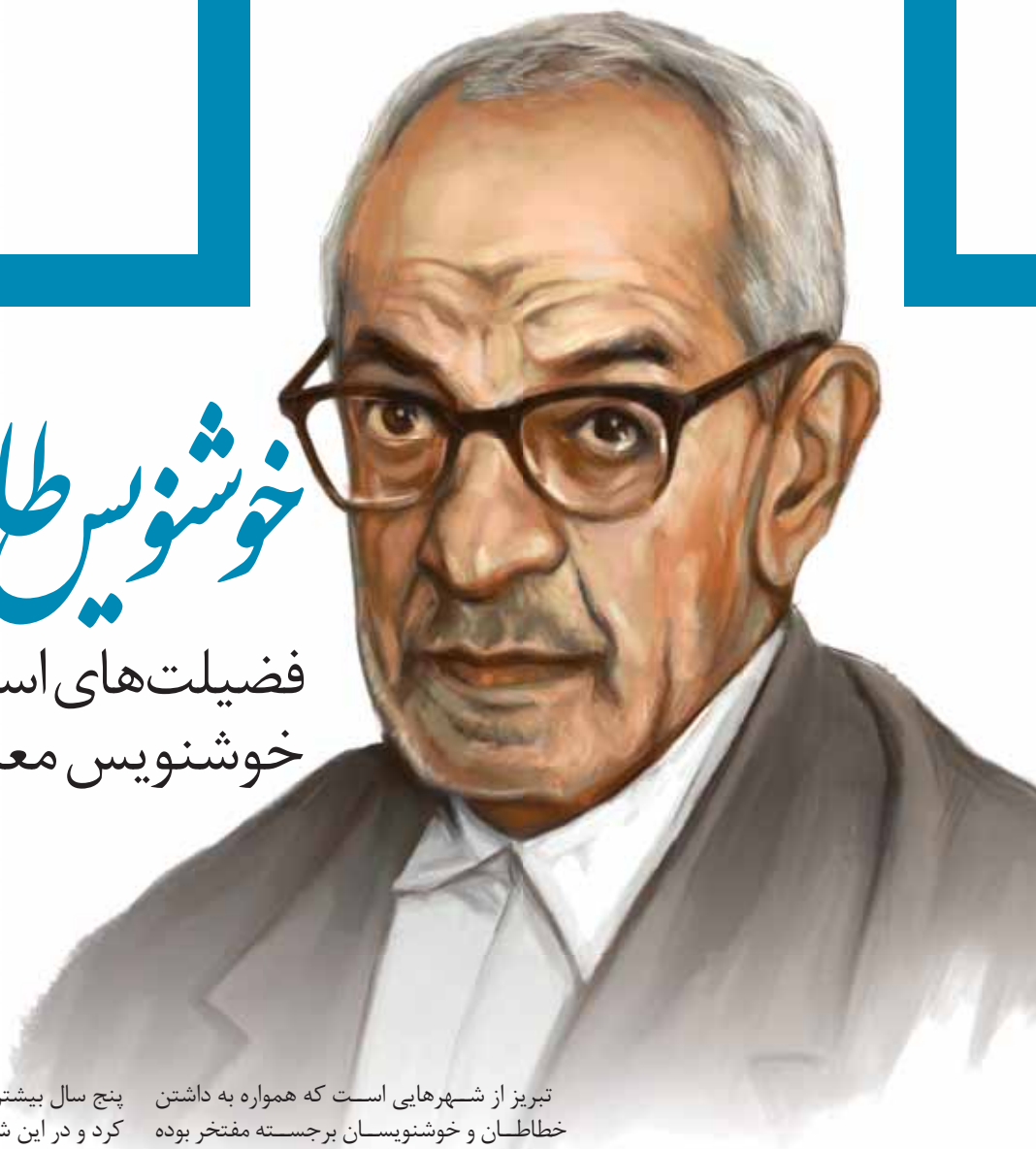
با نظارت صحیح بر حسن اجرای تصمیمات اتخاذ شده و با یک اهرم سه‌گانه نظارتی (خانواده، آموزگار، مدیر و معاونین مدرسه) مشکل نرگس تا حد زیادی برطرف شد و او علاوه بر قانون‌پذیری، به تعاملی سازنده و نزدیک با همکلاسی‌ها و کادر آموزشی مدرسه رسید. ارتباط یک هنر است که اگر همراه با احترام و با استفاده از کلمات عاطفی باشد، تذکرات مورد پذیرش شونده قرار می‌گیرد. برای بیان انتظارات خویش می‌توانیم با صوتی نرم و با کلماتی متناسب با قدرت تفکر و درک دانش‌آموزان رفتار کنیم. ایجاد امنیت روانی- جسمی، که با پذیرش مسئولیت‌های گوناگون و اعتماد به دیگران و افزایش قدرت فرد در تصمیم‌گیری برای سرنوشت خویش می‌تواند به‌وجود بیاید، پاسخ‌گویی به پرسش‌های دانش‌آموزان و اجتناب از واکنش‌های تند و منفی در مقابل سؤالات بی‌حد و مرز آنان، جلوگیری از افراط و تفریط در رفتارهای عاطفی و رعایت تعادل روانی و تقسیم مهربانی برابر بین دانش‌آموزان، افزایش علاقه و انگیزه با تشویق به موقع در فراگیران، راهنمایی صحیح و مستمر؛ همه می‌تواند زمینه‌ساز تعدیل و ایجاد رفتار صحیح در دانش‌آموزان مشکل‌دار شود.

**با نظارت صحیح  
بر حسن اجرای  
تصمیمات اتخاذ  
شده و با یک  
اهرم سه‌گانه  
نظارتی (خانواده،  
آموزگار، مدیر و  
معاونین مدرسه)  
مشکل نرگس  
تا حد زیادی  
برطرف شد**

# خوشنویس طاهر

## فضیلت‌های استاد طاهر خوشنویس معلم خط تبریزی

جعفر ربانی

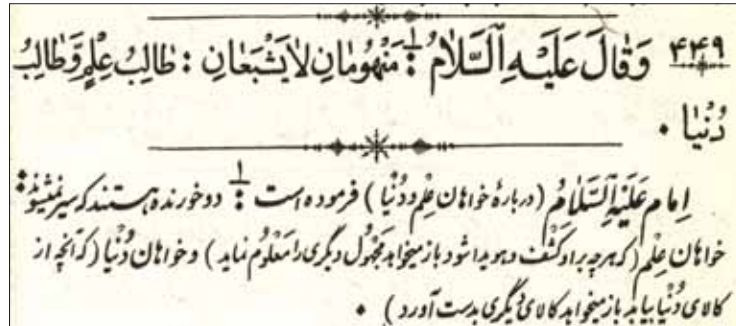


پنج سال بیشتر نداشت که پدرش به تبریز کوچ کرد و در این شهر مقیم شد و چون باسواد بود نخست خودش تعلیم فرزند را به عهده گرفت و به او فارسی و قرآن یاد داد و سپس وی را به مکتب فرستاد. طاهر از همان کودکی استعداد نوشتن و خوشنویسی را از خود بروز داد و پدر با فراستش نیز این را دریافت و در پرورش استعدادش کوشید. از این رو سرمشق‌هایی برایش تهیه می‌کرد تا آن‌ها را خوشنویسی کند. چنان شد که این کودک از ۷ سالگی به بعد طی چند سال، یک قرآن کامل را خوشنویسی کرد و شگفتی آفرید. از آن پس جز خوشنویسی مشغله‌ای نداشت به‌طوری که تا قبل از ۱۵ سالگی چند کتاب مهم از جمله صرف میر و تصریف و عوامل - از کتب درسی حوزوی - را خوشنویسی کرد. از ۱۵ سالگی نیز نوشتن قرآنی را شروع کرد و آن را طی چهار سال به پایان رساند.

تبریز از شهرهایی است که همواره به داشتن خطاطان و خوشنویسان برجسته مفتخر بوده است. در عصر حاضر نیز در این شهر خوشنویسانی به عرصه ظهور رسیده‌اند که هنوز نام و یادشان ماندگار است. از جمله باید طاهر خوشنویس و حسن هریسی را نام برد که از قضا هر دو معلم نیز بودند و در این شغل خدمت بسیاری به جامعه فرهنگ دوست آذربایجان و انتشار کتاب‌های خوش خط در سراسر ایران کردند. مضافاً که هر دو مردانی مذهب نیز بودند و نقش مربی را برای شاگردان خود ایفا می‌کردند. در این شماره گذری داریم بر زندگی شادروان استاد طاهر خوشنویس و یاد او را زنده می‌کنیم.

طاهر خوشنویس در قراچه داغ - ناحیه اهر کنونی - متولد شد، و از عجایب اینکه مادرش ۶۵ سال داشت که این فرزند را به دنیا آورد. طاهر چهار





### ✕ طاهر معلم خط می‌شود ✕

می‌دانیم که در گذشته خط خوب نه تنها یک مهارت، بلکه یک فضیلت محسوب می‌شد. مردم اگر می‌خواستند بدانند شخصی تا چه پایه اهل دانش و فرهیختگی است می‌پرسیدند «خطش چطور است؟». طاهر خوشنویس بسیار زود به این فضیلت دست یافت و سبب شد مدرسه‌های رشدیه و فیوضات از او برای تعلیم خط به دانش‌آموزان دعوت کنند. بنابراین طاهر خوشنویس از ۱۷ سالگی معلم شد و تا ۳۵ سال در مدارس تبریز خدمت کرد تا اینکه در سال ۱۳۳۴ بازنشسته شد. خوشنویس بسیار زود شهرت یافت. طابعان و ناشران بسیار به او مراجعه می‌کردند و از او می‌خواستند کتابی را برایشان بنویسد تا چاپ کنند. از همین روست که تعداد آثار قلمی او به حد اعجاب‌آور ۲۵۰ کتاب و ۲۵ بار خوشنویسی قرآن می‌رسد. از این میان چهار بار نیز نهج‌البلاغه، ۶ بار مفاتیح‌الجنان و یک بار تفسیر جوامع‌الجامع را به عربی در ۱۶۰۰ صفحه خوشنویسی کرد.

### ✕ خوشنویس و شهریار ✕

میان محمدحسین شهریار و طاهر خوشنویس رابطه‌ای دوستانه و صمیمی برقرار بود. منزل آن دو به یکدیگر نزدیک بود و شهریار هفته‌ای دو یا سه بار به منزل خوشنویس می‌آمد و نزد استاد مشق شکسته تحریری می‌کرد. در همین ارتباط بود که وقتی شهریار منظومه بلند حیدربابا را سرود طاهر خوشنویس در سال ۱۳۳۲ آن را به خط خویش خویش نوشت. شهریار این دو بیت را در وصف استاد خود سروده است:

مردی که خطش نفیس باشد  
آن طاهر خوشنویس باشد  
در مشق جلی و نسخ و تحریر  
استاد بود، به نیک تعبیر

### ✕ طاهر: استاد و مربی ✕

از هنر ارجمند استاد طاهر خوشنویس که بگذریم، وی در فضایل و ملکات اخلاقی نیز مردی کم‌نظیر بود و نقش یک مربی اخلاق را نیز برای شاگردان خود ایفا می‌کرد. تنها پسرش احمد گفته است: این مرد در زندگی بسیار آرام بود. هیچ‌گاه از او عصبانیت یا پرخاشگری ندیدم. سراسر عمرش «درس تحمل و بردباری و از خودگذشتگی و خلق آثار جاودانه و تعمیق ارزش‌های الهی و گسترش صفا و خلوص و پاکبازی و تقوا و قداست و تواضع و سخاوت‌مندی» به ما داد. احمد می‌گوید: «او صبح‌ها با اذان صبح از خواب بیدار می‌شد و بعد از نماز کمی می‌خوابید و بعد از صبحانه نیز مشغول نوشتن می‌شد. ساعت حدود ۱۱ به بازار می‌رفت و وقتش را با کسانی که مراوداتی داشت می‌گذراند. سپس برای نماز ظهر به مسجدی می‌رفت که «خود» بانی آن بود! در کنار آن ساعتی را هم به مراوده با همسر و هم‌صحبتی با هم می‌پرداخت. رابطه آقا و خانم با هم به حدی خوب بود که فکر می‌کردم والدینم دو فرشته‌اند.»

عمر ۸۸ ساله طاهر خوشنویس در سال ۱۳۵۵ به پایان رسید. عمری که همه بر سر خط و خوشنویسی، آن هم متعالی‌ترین نوشته‌ها گذشت. عجب اینکه وی اوایل هفتاد سالگی یک چشم خود را تقریباً از دست داده بود. با این حال با همان یک چشم کار را ادامه داد و همچنان اثر آفرید. او آخرین قرآن خود را در ۸۵ سالگی به پایان رساند و آنگاه سجده شکر به جا آورد که خداوند او را به این کار موفق داشته است.

این معلم بزرگ در تهران درگذشت و در بهشت‌زها به خاک سپرده شد. تا اینکه در سال ۱۳۷۶ در مجلس بزرگداشتی که در تبریز برای وی برگزار گشت تصمیم گرفته شد، مقبره‌اش را به تبریز منتقل نمایند. این کار بعد از ۸ سال محقق شد و قبر استاد را از تهران به مقبره‌الشعرا تبریز انتقال دادند. رحمة الله علیه رحمة واسعة.

تعداد آثار  
قلمی او به  
حد اعجاب‌آور  
۲۵۰ کتاب  
و ۲۵ بار  
خوشنویسی  
قرآن می‌رسد



### \* منابع

۱. مهر معلم، ج ۲، گفت‌وگو با فرهیختگان آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، ۱۳۸۱.
۲. ویژه‌نامه فرهنگی روزنامه اطلاعات شماره ۲۴۵ و ۲۴۶ (۲۷ آبان و ۴ آذر ۱۳۹۴)
۳. سایت خبرگزاری فارس.

# فرزند مرا عشق بیاموز و دیگر هیچ

گفت‌وگو با  
دکتر ابوالفضل بختیاری  
مدرس دوره‌های آموزش  
ضمن خدمت

سعیده باقری



آموزش حین خدمت<sup>۱</sup>، یکی از روش‌های بازآموزی و هم‌آموزی معلمان است که در جهان قدمت بسیاری دارد. در این نوع خاص از آموزش ضمن خدمت<sup>۲</sup>، معلمان در همان محیط کار خود، در گروه‌های کوچک و بزرگ به آموزش و یادگیری خود، همکاران و هم‌تایانشان<sup>۳</sup> می‌پردازند. با توجه به اظهار نظر یکی از معلمان موفق دوره ابتدایی که تجربه خوبی از شرکت در یک دوره ضمن خدمت از این نوع داشت، به سراغ **دکتر ابوالفضل بختیاری**، مدرس دوره مذکور که خود روزگاری معلم ابتدایی بوده و در حال حاضر در سطوح دانشگاهی و حوزوی تدریس می‌کند رفتیم تا با تجربه زیسته ایشان در برگزاری دوره‌های ضمن خدمتی که ادعا شده متفاوت از دوره‌های دیگر بوده است، آشنا شویم.

دوره تلاش‌های بسیار خوبی انجام شد و مدرسه‌ها ما را به عنوان مدرس برای تدریس دوره‌ها دعوت می‌کردند. در اقدام پژوهی، معلمان (یا کارگزاران آموزشی) با مسئله‌ای کوچک، که خودشان درگیر آن بودند، کار می‌کردند و گام به گام جلو می‌رفتیم. مثلاً معلمی می‌گفت، دانش‌آموزی دارد که در انشا یا املا ضعیف است.

از همین جا طرح اقدام پژوهی شکل می‌گرفت. از عنوان شروع می‌کردیم و می‌گفتیم که عنوان به چه شکل باید نوشته شود. به همین ترتیب جلو

**رشد معلم** لطفاً به‌طور خاص درباره دوره‌های درس پژوهی و اقدام پژوهی که برگزار کرده‌اید، توضیح بدهید.

بحث درس پژوهی که به زعم من «تدریس پژوهی» درست است، در چند سال اخیر مورد توجه قرار گرفته است؛ خوب است بدانیم که در سال ۱۳۷۲ آقای دکتر **مهرمحمدی**، رئیس فعلی دانشگاه فرهنگیان و رئیس پژوهشکده تعلیم و تربیت آن زمان، کاری جدید به نام اقدام پژوهی را شروع کردند. در آن

**فرهنگ آموزش**  
**ضمن خدمت**  
**باید بتواند**  
**ارزش‌های**  
**مشترک، باورها،**  
**هنجارها،**  
**رفتارها، دانش‌ها،**  
**بینش‌ها،**  
**هنرها، عادات**  
**و آداب معلمان**  
**و کارگزاران**  
**آموزشی را**  
**تغییر دهد و**  
**شایدمهم‌ترین**  
**آن تغییر نگرش**  
**معلمان باشد**

یاد می‌گیریم. وقتی سعی می‌کنم خوب یاد بدهم، خودم هم خوب یاد می‌گیرم. خاطره‌ای دارم از دوستی (دکتر عباس حبیب‌زاده استاد دانشگاه قم) که در رابطه با تدریس پژوهی کار کرده است. ایشان روایت می‌کرد، معلمی از این جنس گفت: «آقای دکتر عزیز، من بعد از ۲۰ سال تدریس ریاضی فهمیدم که می‌توانم از معلم تازه کاری که تازه لیسانس گرفته است، فلان مبحث را که تا به حال به اشتباه درس می‌دادم، یاد بگیرم!» این‌طور نیست که حتماً معلمی که سابقه‌اش بیشتر است، از همکار خود یاد نگیرد. در فرایند گفت‌وگو ایده‌های جدید خلق می‌شود. چون دارید فرایند تدریس و یادگیری را بازاندیشی می‌کنید.

**رشد معلم** آقای دکتر، برداشت من این است که در واقع شما در ضمن خدمت فضایی ایجاد کردید که معلمان بنشینند فکر کنند، بشنوند، بگویند و درس پژوهی انجام دهند.

بله. اصلاً شعار آموزشی این است: «When I do, I learn!» (وقتی انجام می‌دهم، یاد می‌گیرم!) و در دنیای جدید حرف این است که: «When I learn, student learn!» (وقتی یاد می‌گیرم، دانش‌آموز هم یاد می‌گیرد!) در دوره‌های قدیم (کهن)، معلم خودش را «علامه دهر» می‌دانست. بعضاً در مدرسه‌ها، در دوره‌ها، معلمانی پیدا می‌شوند که تا شروع می‌کنیم می‌گویند که نمی‌شود. من هم می‌گویم که: «چو فرمایی که نتوانم، برو بنشین که نتوانی!» کسی که می‌آید و می‌گوید می‌شود، آستین‌ها را بالا می‌زند و شروع می‌کند و حتماً یاد می‌گیرد. همین چند روز پیش، مدرسه‌ای ما را دعوت کردند، اول که رفتم، یک معلم بلند شد و گفت این‌ها که شما می‌فرمایید، شدنی نیست! گفتم که: «چو فرمایی که نتوانم، برو بنشین که نتوانی!» خود مدیر و معاونان مدرسه می‌گفتند که ایشان همیشه می‌گوید نمی‌شود!

**رشد معلم** به نظر شما وضعیت فعلی آموزش ضمن خدمت برآورنده نیازهای واقعی معلمان است؟

می‌رفتیم. بعد مقدمه و...، در پایان به نظر می‌رسید خودشان حس خوبی داشتند. با کمک خودشان هم مسئله‌یابی و مسئله‌کاوی می‌کردیم. بعد از کارگاه، معلمان می‌گفتند که ما اقدام پژوهی را خیلی بزرگ، دشوار و مشکل می‌دیدیم، ولی الان برایمان ساده شد.

در تدریس پژوهی، معلمان هم پایه، سه چهار نفر، گروه تشکیل می‌دادند. مثلاً سه معلم اول ابتدایی، یا سه معلم سوم ابتدایی، با هم می‌نشستند و مبحث درسی یا مسئله‌ای را که دانش‌آموزان در آن مشکل دارند، پیدا می‌کردند؛ مثلاً جمع و تفریق دو رقمی، یا هر چیز دیگری را که دانش‌آموزان در کلاس خوب یاد نمی‌گرفتند. برایش طرح درس می‌نوشتند و در کلاس اجرا می‌کردند. بعضاً من هم در انتهای کلاس با معلمان دیگر می‌نشستم و نحوه تدریس او را مشاهده می‌کردم. بعد از این مشاهده در دفتر می‌نشستیم و **گفت‌وگوی حرفه‌ای** رقم می‌خورد. در این گفت‌وگوها می‌گفتند اولین بار است که ما توانستیم با هم بنشینیم و گفت‌وگوی حرفه‌ای داشته باشیم.

در تدریس پژوهی، معلم در اتاق خود را به روی همتا (همکار) باز می‌کند، در حالی که قبل از آن ذهن خود را به روی یافته‌های جدید باز کرده است.

**رشد معلم** در فرایند تدریس پژوهی، گفت‌وگو چه جایگاهی دارد؟

در گفت‌وگو، ایده‌های جدید شکل می‌گیرند. در «گفت‌وگو» من از شما یاد می‌گیرم و شما از من یاد می‌گیرید، چون قرار «گفت» و «گو» است. من یک ایده دارم، شما هم یک ایده دارید، وقتی با هم حرف می‌زنیم، دو ایده داریم.

در تدریس پژوهی (یا درس پژوهی) معلم به فکر بهبود و اصلاح تدریس و معلمی (به‌زعم استاد سرکار آرائی) خود است (به همین علت من می‌گویم تدریس پژوهی صحیح است). معلم به این فکر می‌کند که چه کند تا دانش‌آموزانش بهتر یاد بگیرند. حتماً در **تدریس پژوهی** معلم خودش هم رشد می‌کند و یاد می‌گیرد و به رشد حرفه‌ای همکار (همتایش) کمک می‌کند. همان‌طور که ما هم در این کلاس‌های ضمن خدمت، از معلمان

## نواندیشی یعنی ایجاد یک فکر بکر و راهکار نو برای حل مسئله در مدرسه

محاسنش را گفتیم، حال عیب‌های ضمن خدمت را هم بگوییم. یکی اینکه وقت‌های مرده را اختصاص می‌دهند به این کار، که وقت مناسبی برای یادگیری نیست. معلمی که از صبح تا ساعت دو بعدازظهر درس داده، هر چقدر هم استادش علامه دهر باشد، نمی‌تواند یاد بگیرد. هم خسته است و هم دغدغه خانه، بچه و همسر را دارد. دیگر اینکه به‌خاطر پیشینه بدی که ضمن خدمت‌ها داشته‌اند، از آن‌ها خوب استقبال نمی‌شود. ادعا می‌شود این دوره‌های آموزشی شوق و ذوقی ایجاد نمی‌کنند! باید شوق یادگیری را در معلمان ایجاد کرد. یعنی کاری کنیم که یادگیری برایشان ملموس و محسوس شود. آموزش ضمن خدمت باید شوق یادگیری ایجاد کند و معلم به بازاندیشی و تأمل در عمل تدریس خود بپردازد.

### روح پدرم شاد که فرمود به استاد

### فرزند مرا عشق بیاموز و دگر هیچ

من به معلمان می‌گویم که نمی‌خواهد کاری انجام دهید، فقط کاری کنید که این بچه حس خوب داشته باشد. اگر این کار را کردید، مطمئناً می‌رود و یاد می‌گیرد. اگر این حس را ایجاد نکنید، بهترین حرف دنیا را هم بزنید، اصلاً برایش معنادار نیست! و معلمان هم در ضمن خدمت‌ها کمی در این بخش مشکل دارند. ما سعی می‌کنیم ارتباط عاطفی برقرار کنیم، به آن‌ها نزدیک می‌شویم و حرف می‌زنیم و اولین کلام این است که من هم از جنس خودتان هستم. دستم روغنی است، از آن مکانیک‌های آچار به دست هستم. وقتی می‌روم مدرسه، می‌گویم افتخار من این است که با معلمی شروع کرده‌ام و با هم گفت‌وگویی را شروع می‌کنیم و راحت می‌شویم و بعد می‌رویم توی گود و کتابی باز می‌کنیم. به‌نظر می‌رسد مدرسه‌ها بهترین محل یادگیری هستند نه دانشگاه‌ها (مدرسه‌ها می‌شوند مدرسه یادگیرنده).

من اعتقاد این است که آموزش ضمن خدمت اگرچه ممکن است مشکلات اجرایی (اداری) داشته باشد، اما اگر بیاید در کلاس و مدرسه، می‌تواند کارا و اثربخش (کارآمد) باشد. مدرسه‌هایی رفته‌ام که معلم تا آخرین لحظه می‌نشیند، از هشت صبح تا شش بعدازظهر کلاس بوده، باز هم بعد از کلاس می‌آید و می‌گوید می‌شود مطلب نو یا کتاب جدیدی به من معرفی کنید؟ و من سعی می‌کنم

کتاب‌های جدید معرفی کنم. اما اگر ضمن خدمت خوب اجرا نشود و یافته جدیدی برای معلمان نداشته باشد، آن‌ها از آن استقبال نخواهند کرد. مسئولان و دست‌اندرکاران برگزاری آموزش حین خدمت نقش بسیار مهمی در کیفیت کلاس‌های ضمن خدمت دارند.

**رشد معلم** من در صحبت‌هایتان متوجه شدم، این نگاه شما که در دوره‌های ضمن خدمت خودتان را هم تراز معلمان می‌بینید و از موضع بالا وارد نمی‌شوید، در برقراری ارتباط شما بسیار تأثیر دارد.

ارتباط عاطفی باید برقرار شود. همین حالا که من با شما صحبت می‌کنم (در حالی که بلند می‌شوند و دوباره از در اتاق وارد می‌شوند)، اگر من وارد شوم و بنشینم، می‌تواند ارتباط مؤثر برقرار شود، اما اگر بایستم (در حالی که می‌ایستند) و از موضع بالا نگاه کنم، اصلاً نمی‌توانید ارتباط برقرار کنید.

معلم نگران است که نکند من بروم سر کلاس (ضمن خدمت) و استاد سؤالی بپرسد که من بلد نباشم! (دو چشم نگران - به دنبال دگران!) **نگران یادگیری** است. **ترس از یادگیری** دارد. در گفت‌وگویی که من با معلمان داشته‌ام، می‌گویند ما وقتی می‌آییم اینجا می‌نشینیم، دغدغه داریم. خانم مدیر و همتای (همکار) من نشسته‌اند. استاد ضمن خدمت چیزی نپرسد که من بلد نباشم! چون نگرانم، حتی از یادگیری هم می‌ترسم. به‌نظر می‌رسد ما از یادگیری می‌ترسیم!

مدیر و معلم به ما می‌گویند که: «آقای بختیاری، یک نکته به من بگو که من با خودم ببرم به مدرسه و کلاس، یک مسئله دانش آموزم را شناسایی و حل کنم. آقای پیاژه این را گفت. دیوئی، کاردان، شکوهی، هوشیار، دکرولی و... این را گفت، خوبه، ولی یک مسئله و راه‌حل مشکلم را به من یاد بده که بتوانم در عمل آن را به کار ببرم.» من در دوره دکترای کتاب دکتر کاردان «**۵۰ اندیشمند علوم تربیتی**» (انتشارات سمت) را درس می‌دهم. این کتاب را معرفی می‌کنم، می‌گویند من توان خواندن این کتاب ۵۰۰ صفحه‌ای را ندارم. از آن ۵۰ اندیشمند یک نکته به من بگو که به کارم بیاید. من هم می‌نویسم که **دکرولی** گفت: «مدرسه باید محل زندگانی بچه باشد» تا با آن حال کند،

## نوآوری و نوجویی، اصلی‌ترین عامل در موفقیت نظام‌های آموزشی است



## تفاوت‌های درس پژوهی و اقدام پژوهی

اقدام پژوهی	درس پژوهی
از تئوری در عمل	درس پژوهی نقطه عمل
هدف: انجام پژوهش در حین عمل	هدف: پرورش حرفه‌ای معلم
ماهیت: تفسیر داده‌ها	ماهیت: بازاندیشی (تفکر)
بهبودی فرایند آموزش و نتیجه بهتر	بهبودی کلاس درس
قابل اجرا در هر سازمانی	قابل اجرا فقط در کلاس و مدرسه
بیشتر سیستماتیک	بیشتر ارگانیک و کمتر سیستماتیک
گسترده	خیلی جزئی و محدود
قابل اجرا به صورت فردی و گروهی	قابل اجرا فقط به صورت گروهی
بدون راهنمای عمل خاص	دارای طرح درس و راهنمای عمل خاص
تأکید بر شناخت مسئله و بهبودی عمل در سازمان‌ها	تأکید بر غنی‌سازی و فرایند آموزش و یادگیری
توجه به شناخت مسئله و کاربرد یافته‌ها	توجه به برنامه درسی
غیر مبتنی بر برنامه درسی	مبتنی بر برنامه درسی

جدول تفاوت‌های اقدام پژوهی و تدریس پژوهی به نقل از مقاله معرفی شده

(کلاس یادگیرنده - مدرسه یادگیرنده). در ضمن خدمت‌ها افرادی فقط می‌آیند، اول ساعت اسمشان را می‌نویسند و می‌روند و آخر وقت می‌آیند مدرک می‌گیرند. این مدرک هیچ فایده‌ای ندارد. در ضمن خدمت‌هایی که من برگزار می‌کنم، هیچ مدرکی به افراد نمی‌دهند.

## رشد معلم پس چطور برگزار می‌شود؟

مدرسه‌ها دعوت می‌کنند.

## رشد معلم یعنی خود مدیر تصمیم می‌گیرد؟

بله، مدیر دعوت می‌کند. من در مدرسه‌هایی که بدون مدرک ضمن خدمت برگزار کرده‌ام، حس کرده‌ام آمده‌اند یاد بگیرند. اما آن‌هایی که اداره دعوت کرده است، مثلاً دوره‌هایی داریم ده ساعت یا دوازده ساعت اقدام پژوهی، خیلی مؤثر نیستند. البته اگر فرد بیاید که یاد بگیرد، در ضمن خدمت رسمی هم باشد اشکالی ندارد. اما باید این حس یادگیری باشد. ما چندین سال آموزش‌های ضمن خدمت رسمی داشتیم. باید به مدرسه‌ها اجازه بدهیم، کلاس‌ها و مدرسه‌های مجاور (دو مدرسه، سه مدرسه) با هم، کلاس مورد نیازشان را برگزار کنند، بعد ارزیابی کنیم.

آموزش همراه با شادی و نشاط<sup>۴</sup> باشد، آموزش همراه با بازی باشد، **حس خوب** به بچه بدهد. دانش آموز و دانشجو و همین‌طور شرکت‌کنندگان در دوره‌های ضمن خدمت، با سکوتشان این پیام را منتقل می‌کنند که: «تو آوردی اینجا مرا هسی داری تهدید می‌کنی، تحقیر می‌کنی، قرار بود تشویق می‌کنی - شوق یادگیری در من ایجاد کنی!! من اصلاً یادگیری برایم اتفاق نمی‌افتد، من از یادگیری می‌ترسم (دارد تنم می‌لرزد!!!)، اصلاً شوق در من ایجاد نمی‌شود! می‌ترسم، کز کردم که نکند بپرسید! با گارد بسته می‌آیم!»

فرهنگ آموزش ضمن خدمت باید بتواند ارزش‌های مشترک، باورها، هنجارها، رفتارها، دانش‌ها، بینش‌ها، هنرها، عادات و آداب معلمان و کارگزاران آموزشی را تغییر دهد و شاید مهم‌ترین آن‌ها تغییر نگرش معلمان باشد.

## رشد معلم نکته دیگر اینکه چون شما

در دوره‌ها اقدام پژوهی و تدریس پژوهی را آموزش می‌دهید، لطفاً تفاوت این دو را برای ما توضیح دهید.

بله. درس پژوهی<sup>۵</sup> مشخصاً می‌خواهد به معلمی و تدریس<sup>۶</sup> بپردازد (به نقل از دکتر سرکار آرائی). اما اقدام پژوهی<sup>۷</sup> یعنی معلم در کلاس و مدیر در مدرسه با یک مسئله مثلاً ناخن جویدن بچه، یا بدخطی او مواجه است و می‌خواهد آن را شناسایی و حل کند.

**اقدام پژوهی** را هر کسی در مدرسه، مثل معلم، مدیر، معاون، دفتردار و مربی می‌تواند انجام دهد، اما «**تدریس پژوهی**» به کلاس درس برمی‌گردد. اگر چه هر دو می‌خواهند فرایند آموزش و یادگیری را بهبود بخشند، اما یکی از طریق بهبود تدریس و دیگری از طریق حل مسئله به دنبال این کار است. من در مقاله‌ای در **مجله پژوهش‌نامه آموزشی**، فرق اقدام پژوهی و درس پژوهی را مفصلاً توضیح داده‌ام. (جدول روبه رو) نوآوری و نوجویی، اصلی‌ترین عامل در موفقیت نظام‌های آموزشی است.

من معایب دیگر ضمن خدمت‌ها را هم پررنگ کنم: ضمن خدمت باید از این حالت رسمی، تشریفاتی، اداری، دستوری و فرمایشی بیرون بیاید. تا وقتی که **ضمن خدمت** وسیله‌ای باشد برای گرفتن مدرک‌هایی بدون یادگیری معنادار، هیچ ارزشی ندارد. باید معلم‌ها در کلاس‌ها و مدرسه‌ها از هم یاد بگیرند

## \* پی‌نوشت:

1. On The Job Training
2. In Service Education
3. Peer
4. Fun Education
5. Lesson Study
6. Teaching
7. Action Research
8. Facilitator
9. Life Long Learning (LLL)

## \* منابع

- برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به:  
ابوالفضل بختیاری (آذر ۱۳۸۷).  
درس پژوهی الگوی ژاپنی برای رشد حرفه‌ای معلمان در کلاس درس. پژوهش‌نامه آموزشی شماره ۱۰۴. تهران: پژوهشگاه آموزش و پرورش  
- ابوالفضل بختیاری (۱۳۹۳)  
تدریس پژوهی (درس پژوهی). تهران: انتشارات آوای نور  
- ابوالفضل بختیاری (۱۳۸۲)  
اقدام پژوهی. تهران: انتشارات لوح زرین



# حقوق دانش آموزی

## در منابع حقوقی

احمد مختاریان

منابع بیان‌کننده حقوق خاص دانش‌آموزی در ایران دانست. متأسفانه مراجع صالح قانونگذاری در ایران نسبت به این امر اقدامات جدی و مؤثری را به نام خود ثبت ننموده‌اند. امید است این مهم در آینده‌ای بسیار نزدیک صورت گیرد و بتواند الگویی در خور را به جهان تعلیم‌وتربیت ارائه نماید.

آنچه، در حال حاضر، به صورت عادی در مدارس و دانشگاه‌ها - تقریباً در سراسر جهان - مشاهده می‌شود این است که هر دانش‌آموز یا دانشجو باید برگه‌هایی را تکمیل و امضا نماید که حاکی از تعهدات وی در قبال مدرسه و دانشگاه است، اما، در مقابل، هرگز برگه‌های تکمیل و امضا شده‌ای را که حاکی از حقوق به رسمیت شناخته شده، خودش باشد دریافت نمی‌دارد. امروزه در برخی نقاط جهان مدارس و دانشگاه‌هایی یافت می‌شوند که برگه‌هایی تحت عنوان «حقوق دانش‌آموزان» و یا «حقوق دانشجوین» را در ابتدای ورود دانش‌آموزان و یا دانشجوین در اختیار آنان قرار می‌دهند. و از این طریق آن‌ها را با حقوقشان آشنا می‌کنند. امید است این امر در همه مراکز

امروزه یکی از مسایل و دغدغه‌های اصلی دست‌اندرکاران تعلیم‌وتربیت و نیز حقوق‌دانان، در مجامع بین‌المللی، حقوق دانش‌آموزی است. نگارش و تدوین منشورهای مختلف حقوق دانش‌آموزی و یا اعلام رسمی حقوق دانش‌آموزان به آنان و آموزش آن به مربیان و معلمان و دانش‌آموزان و دانشجوین در حال گسترش است. برای مثال می‌توان به «منشور حقوق دانش‌آموزی» در ایران اشاره نمود. این منشور در شش فصل تنظیم شده و در مجموع دارای ۳۶ ماده است. فصل‌های آن عبارت‌اند از: حقوق اساسی دانش‌آموز، حقوق آموزشی دانش‌آموز، حقوق ضمن آموزشی دانش‌آموز، حقوق مربوط به آزمون دانش‌آموز، حقوق بهداشتی دانش‌آموز و حمایت‌های خاص دانش‌آموزی. این منشور جنبه قانونی و الزام‌آور پیدا نکرده است.

قانون اساسی و قانون مدنی، مهم‌ترین منابع برای استخراج حقوق عام دانش‌آموزی در ایران هستند. دستورالعمل‌های وزارت آموزش و پرورش و یا مصوبات هیئت دولت را می‌توان

آموزشی ما نیز فراگیر شود.

هر فرد انسانی، به دلیل انسان بودن، دارای حقوق مشترکی با دیگر انسان‌ها می‌باشد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این دسته از حق‌ها این است که نمی‌توان آن‌ها را سهم‌بندی نمود؛ به این معنا که نمی‌توان برای برخی از انسان‌ها سهم بیشتری نسبت به برخی دیگر در نظر گرفت. این حقوق برای همه افراد یکسان است. چنین حقوقی را «حق‌های نوعی» یا «حق‌های طبیعی» می‌نامند. حق زندگی و حیات، حق خوراک، حق مسکن، حق امنیت، حق آرامش، حق نور، حق داشتن شغل، حق داشتن خانواده، حق سلامت، حق رفت‌وآمد، حق اندیشیدن، حق دانایی و آگاهی، حق محترم شمرده شدن جان، حق محترم شمرده شدن دارایی افراد، حق محترم شمرده شدن آبروی افراد و حقوق دیگری مانند آن‌ها، مثال‌هایی از حقوق نوعی هستند. برای مثال، سهم همه انسان‌ها از حق حیات به یک اندازه است. نمی‌توان پذیرفت که برخی از انسان‌ها از حق حیات برخوردار باشند و برخی از این برخورداری محروم گردند. ویژگی مهم دیگر این‌گونه حق‌ها این است که تا پایان حیات شخص، برقرار و ثابت‌اند. برای مثال نمی‌توان برای هیچ‌یک از انسان‌ها مدت‌زمان زندگی خاصی، عمر و طول زندگی مشخصی را معین نمود.

## حقوق مرتبط با انسان بودن

این حقوق همان حقوق نوعی یا به عبارت دیگر «حقوق انسانی» است که اگر از منظر آموزش و پرورش به آن نگاه کنیم، مهم‌ترین آن‌ها عبارت خواهد بود از:

### ۱ حق آموختن و نادانی‌زدایی

این حق با تولد پدید می‌آید و در تمام طول عمر ثابت و برقرار است. نوزاد تازه متولد شده حق دارد که بیاموزد. او بدون اینکه نیازمند کسب اجازه از دیگران باشد، نادانی‌زدایی خود را آغاز می‌کند. او آگاهی‌های مورد نیاز خود را از راه حواس پنجگانه‌اش به‌دست می‌آورد. او با شنیدن، دیدن، خوردن و بوییدن و لمس کردن به‌طور خودکار به آموختن اقدام می‌کند. با توجه به ویژگی‌های حقوق نوعی می‌توان به این نتیجه رسید که: حق آموختن از حقوقی است که نمی‌توان آن را سهم‌بندی نمود. و نیز نمی‌توان محدودیت جغرافیایی، زمانی و طبقاتی را در مورد آن دخیل دانست. فرموده پیامبر عظیم‌الشان

اسلام (ص) درباره آموختن دانش از گهواره تا گور، بیان روشن این حق است. یکی از لوازم این حق، حق انتخاب آزادانه معلم است. هر دانش‌آموزی حق دارد معلم خود را شخصاً انتخاب نماید. اعمال این حق را در انتخاب واحد دانشگاه‌ها و سبک آموزشی حوزه‌های علمیه می‌توان به روشنی ملاحظه نمود. از لوازم دیگر این حق، حق انتخاب مدرسه است. هر دانش‌آموز حق دارد تا آزادانه محل تحصیل خود را انتخاب نماید. امروزه اعمال این حق در نظام آموزش و پرورش با دشواری‌هایی روبه‌رو است اما می‌توان آن را در حوزه‌های علمیه مشاهده نمود. لازمه سوم این حق، حق برخورداری از منابع عملی و آموزشی است. وجود کتاب‌های درسی و کمک‌درسی، زمینه اجرای این

سومین ویژگی مهم این‌گونه حقوق آن است که معمولاً با پیدایش جنین زنده، تحقق می‌یابند. یعنی زنده بودن جنین در بدن مادر برای تعلق گرفتن حقوق نوعی به او کفایت می‌کند. نمی‌توان جنین زنده را از حقوق نوعی‌اش محروم نمود؛ حق حیات جنین زنده محترم است. جنین زنده می‌تواند صاحب اموال و دارایی باشد. نمی‌توان سلامت او را به خطر انداخت. هیچ‌یک از مراجع صالح قانونگذاری مجاز نیستند چنین حقوقی را از انسان به‌طور کلی سلب نمایند. امروزه به این‌گونه حق‌ها، «حقوق بشر» گفته می‌شود. منشأ چنین حقوقی نظام آفرینش است. دسته دیگری از حق‌ها وجود دارند که در میان همه یکسان نیستند. این حقوق وابسته به سن، جنس، جایگاه اجتماعی، دین و ملیت افراد است. برای مثال معلمان به‌عنوان یک طبقه اجتماعی دارای حق‌هایی هستند که دیگر طبقات جامعه از آن برخوردار نیستند. اکنون با توجه به مطالب فوق، توجه همگان به‌ویژه همه کارکنان نظام آموزش و پرورش را به موارد زیر جلب می‌نماید: هر شخصی که دانش‌آموز یا دانشجو محسوب شود، دارنده دو دسته از حقوق خواهد بود: حقوق انسانی و حقوق دانش‌آموزی یا دانشجویی.

حق را فراهم می‌آورد. لازمه چهارم، خود از لوازم حق برخورداری از منابع علمی و آموزشی است، حق استفاده و انتخاب منابع علمی و آموزشی است. نمی‌توان منبع علمی خاصی را به دانش‌آموز تحمیل نمود. نمونه توجه به این حق را در دانشگاه‌ها می‌توان مشاهده کرد که در آن استاد اقدام به معرفی چند منبع درسی و کمک‌درسی می‌کند و دانشجو را در انتخاب و مطالعه آن‌ها آزاد می‌گذارد. متأسفانه امروزه این روش پس‌سنجیده در دانشگاه‌های ایران در حال منسوخ شدن است، زیرا برای هر درس کتاب مشخصی تألیف و بر تدریس آن تأکید و استاد به این کار ملزم شده است. و بالاخره، لازمه پنجم این حق، حق برخورداری از لوازم التحریر است.

## ۲ حق محترم شمرده شدن جان

رفتار معلم و مدرسه نباید به گونه‌ای باشد که سلامتی و یا حیات دانش‌آموز را با خطر مواجه نماید. سرپا نگه داشتن دانش‌آموز برای مدت طولانی و یا اجازه خروج ندادن به وی برای استفاده از سرویس بهداشتی و یا در صورت لزوم خوردن دارو از مواردی است که سلامت دانش‌آموز را تهدید می‌کند. ساختمان و

امکانات و وسایل موجود در مدرسه باید به گونه‌ای باشد که زمینه‌ساز رخ دادن حوادث مخاطره‌آمیز نباشد. مدرسه در مقابل هر گونه آسیب جسمانی و روانی وارد به دانش‌آموز دارای مسئولیت کامل است و باید نسبت به جبران آن و پرداخت ضرر و زیان‌های وارد شده به دانش‌آموز اقدام نماید. هر گونه وضعیت و نشانه‌ای که گویای پیدایش بیماری در دانش‌آموز است باید

مورد توجه قرار گیرد و حتماً جهت پیگیری‌های پزشکی و روانی به اطلاع اولیای او رسانده شود. هر گونه تنبیه بدنی و یا روانی که سلامت جسمانی یا روحی دانش‌آموز را بر هم زند ممنوع است، اما تنبیهات بدنی و یا روانی که فاقد چنین اثر یا اثراتی باشند ممنوع نبوده و قانونگذار آن‌ها را منع نکرده است.

## ۳ حق محترم شمرده شدن آبرو

در همه نظام‌های حقوقی جهان آبروی افراد محترم شمرده شده است

و هر گونه تجاوز به آن جرم تلقی شده و دارای مجازات است. بر همین اساس، هر رفتاری که باعث آسیب دیدن آبرو و جایگاه و شخصیت دانش‌آموز شود ممنوع

است. تنبیهات و محرومیت‌ها باید به گونه‌ای باشند که بیش از قدر ضرورت آبروی دانش‌آموز را نشانه نرفته باشد. اعاده حیثیت حق همه انسان‌ها است.

## حقوق ناشی از دانش‌آموز یا دانشجو بودن

برخی از این حقوق با موارد گفته شده در بالا مشترک است، اما موارد اختصاصی آن به شرح زیر می‌باشد:

۱ حق پرسش؛ هر دانش‌آموز حق دارد سؤالات خود را که دارای ارتباط با موضوع درس‌اند در محیط کلاس و یا خارج از آن با رعایت ضوابط مطرح نماید. پاسخ ندادن معلم به پرسش‌های مجاز تضییع این حق خواهد بود.

۲ حق آگاهی یافتن از میزان یادگیری؛ هر دانش‌آموز حق دارد از میزان یادگیری خود مطلع شود. این حق با ارائه پلی‌کپی‌های درسی به دانش‌آموز و نیز گرفتن و آزمون‌های شفاهی، کلاسی یا رسمی تحقق می‌یابد.

۳ حق بازی و ورزش؛ وجود این حق برای دانش‌آموز کاملاً مورد وفاق همه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت است. دانش‌آموز باید بتواند زمانی را به بازی یا ورزش اختصاص دهد. پس برنامه‌ریزی‌های درسی باید به گونه‌ای باشد که زمان بازی یا ورزش را از دانش‌آموز سلب نکند. البته میزان مناسب آن را متخصصان تعلیم و تربیت معین می‌سازند. وجود چنین حقی در دوره تحصیلات عالی و تکمیلی مورد تردید است، به‌طوری که در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری دیده نشده است.

۴ حق عدم تحمیل هزینه‌های غیرضروری؛ منظور این است که معلم و یا مدرسه فقط می‌تواند هزینه‌هایی را از دانش‌آموز طلب کند که قانون آن‌ها را مجاز دانسته یا ضروری تشخیص داده است. مثلاً هزینه بیمه حوادث از هزینه‌هایی است که قانون آن را تجویز نموده است. هزینه‌هایی مانند تهیه الزامی برخی

وسایل کمک آموزشی، تهیه لوازم التحریر با نام خاص، شرکت الزامی در برخی آزمون‌ها، شرکت الزامی در برخی اردوها و مانند آن‌ها دارای وجاهت قانونی و گاهی عقلی نیز نیست. دانش‌آموز و اولیای وی در زمینه تأمین یا عدم تأمین چنین هزینه‌هایی دارای اختیار کامل هستند. تهدید به مجازات و یا محرومیت از کلاس و یا کسر نمره، رفتارهای غیرقانونی تلقی شده و قابل طرح در مراجع صلاحیت‌دار خواهد بود. صدور مجوز و یا بخشنامه از سوی مقامات آموزش و پرورش برای این امور حتی اگر مخاطب آن دانش‌آموزان سراسر کشور باشند؛ غیرقانونی است. تمسک برخی معلمان و یا مدیران به چنین مجوزها و یا بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها، برطرف‌کننده مسئولیت آنان نخواهد بود.

۵ حق بهره‌مندی از تکالیف درسی؛ یکی از حقوق بسیار مهم دانش‌آموزان حق بهره‌مندی از تکالیف و وظایف درسی است. هر معلم باید حسب ضرورت تکالیف درسی مانند نوشتن از روی درس، نوشتن تمرین، خواندن درس، حفظ کردن درس و مانند آن‌ها را برای دانش‌آموزان خود تعیین نماید. معلمانی که برای دانش‌آموزان خود تکلیفی را مقرر نمی‌دارند این حق را نادیده گرفته‌اند. حتی معلمان تربیت‌بدنی نیز باید تکالیفی را برای دانش‌آموزان معین نمایند و اجرای آن‌ها را تحت نظارت داشته باشند.





# نظام آموزشی کشور

## باید به خودش آموزش دهد گزارشی از دومین کنفرانس توسعه و عدالت آموزشی

نصرالله دادار



دومین «کنفرانس توسعه و عدالت آموزشی» با شعارهای: همدلی و هم‌بانی مردم و سیاست‌گذاران برای کاهش فقر آموزشی کودکان، تبدیل مدارس به پیشروان فقرزدایی و نشاط آفرینی پایدار در چشم‌انداز ۱۴۰۴، در تالار علامه امینی دانشگاه تهران برگزار شد.

در رفتن به مدرسه، افزایش رضایتمندی معلمان است. دکتر نوبخت افزود: البته می‌دانیم که همهٔ معلم‌ها به بعد مادی این مسئله نگاه نمی‌کنند، بلکه تأکید دارند که در مقایسه با سایر نهادها و ارگان‌ها، باید ارزش کار آن‌ها دیده شود. وی همچنین گفت: «امسال رتبه‌بندی معلمان را اجرا کردیم که در سال آینده توسعه می‌یابد.»

### ضرورت توسعهٔ آموزش پیش‌دبستانی

محمدرضا واعظ‌مه‌دوی، رئیس کنفرانس، در مراسم افتتاحیه آن با اشاره به ارزیابی‌های به عمل آمده در خصوص افت تحصیلی دانش‌آموزان گفت: «آمار مردودی‌های پایه‌اول باید به‌طور ویژه مورد توجه قرار گیرد و راه‌حل ویژهٔ پیش‌بینی شده برای حل این مشکل، توسعه پیش‌دبستانی

دکتر محمد باقر نوبخت معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور که سخنان افتتاحیهٔ این کنفرانس بود، با بیان این نکته که از سال ۱۳۹۲ تاکنون اعتبارات آموزش و پرورش بیشترین رشد را داشته و دو برابر شده است، افزود: «ما برای نخستین بار در بودجهٔ ۱۳۹۵ ردیف ویژه‌ای برای توسعه عدالت آموزشی در نظر گرفته‌ایم.» آنگاه، با بیان اینکه یکی از مسائلی که ما با آن روبه‌رو هستیم نبود انگیزه کافی در معلمان برای تدریس است، گفت: وقتی معلم احساس کند در نظام اداری کشور نابرابری در پرداخت‌ها وجود دارد شاید نتواند به خوبی ایفای مسئولیت کند و این احساسی مخرب و بازدارنده است. بنابراین، مسئولیت ما پس از رو به راه کردن وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و توانمند کردن آن‌ها برای فرزندانشان

**زرافشان** درباره سه ساله شدن هنرستان‌ها گفت: «از سال تحصیلی آینده، ورودی به پایه دهم در شاخه‌ها و رشته‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و کاردانش خواهد بود.» او ادامه داد: «سه ساله شدن هنرستان‌ها موجب ارتقای کیفیت می‌شود چرا که سال نخست هم عمومی و هم مهارتی است.»

اکنون دانش‌آموزان در هنرستان‌ها ۴۳ واحد عمومی و ۵۳ واحد تخصصی دارند که سال آینده نیز این تناسب برقرار خواهد بود؛ اما ساعات مهارتی آن‌ها افزایش می‌یابد و به همین جهت، امیدواریم ارتقای کیفیت انجام گیرد.»

### یکسان و مشابه دیدن بچه‌ها، بی‌عدالتی آموزشی است

**دکتر گلنار مهران**، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا یکی دیگر از سخنرانان کنفرانس در پنل تخصصی آن بود که با تشریح مفهوم بی‌عدالتی آموزشی گفت: «به رسمیت شناختن دانش‌آموزان توسط معلمان و دست‌اندرکاران مدرسه و آموزش و پرورش، یکسان و مشابه دیدن یا فرض کردن بچه‌ها، عدم توجه به گوناگونی جمعیت کشور، تبعیض در محتوای آموزشی و... بخشی از بی‌عدالتی آموزشی است. وقتی آدم به عمد کسی را نمی‌بیند، دیگر نمی‌تواند برای او احساس مسئولیت کند. شناخت دیگری و احترام به او از ارکان آموزش قرن ۲۱ است.» آیا آموزش و پرورش ما همه بچه‌ها را می‌بیند؟ آیا محتوای آموزشی در برگیرنده همه بچه‌هاست؟

**دکتر مهران** با بیان اینکه ۶۸ درصد جمعیت ایران در نقاط شهری و ۳۱ درصد در نقاط روستایی و یک درصد غیرساکن هستند، گفت: «ایرانیها از اقوام گوناگون: فارس، آذری، کرد، بلوچ، عرب، لر، ترکمن و... تشکیل شده‌اند، و نظام آموزشی کشور باید به همه این گوناگونی‌ها توجه کند، در غیر این صورت، در عمل، راه را برای تبعیض باز می‌کند.»

وی در پایان گفت: «مشارکت فعال معلمان در تهیه مواد و محتوای درسی، آموزش زبان مادری در کنار آموزش رسمی بخشی از راه کارهای توسعه عدالت آموزشی است.» او افزود: «به جای تألیف کتاب‌های خاص برای استان‌ها پیشنهاد می‌شود یک کتاب به نام سرزمین ما ایران برای همه دانش‌آموزان کشور تهیه شود تا دانش‌آموزان با فرهنگ، آداب، رسوم و هنر همه ایرانیان آشنا شوند.»

### بچه‌ها متفاوتند، آن‌ها را درک کنیم

**دکتر احمد صافی**، عضو هیئت علمی دانشگاه و مشاور وزیر آموزش و پرورش، با اشاره به این موضوع که عدالت آموزشی از بحث‌های بنیادی و اساسی



به‌خصوص در مناطق دو زبانه است.»

وی با بیان این نکته که در آموزه‌های دینی ما بر برخوردار شدن همه انسان‌ها از نعمت‌های الهی تأکید شده است، اظهار داشت: «براین اساس هر عاملی که باعث عدم برخورداری گروهی از انسان‌ها از مواهب الهی شود نامطلوب و خلاف آموزه‌های انبیا تلقی می‌شود.»

**واعظ مهدوی** افزود: «انسان‌های بی‌سواد، آسیب دیده و بیمار، خودشان از قدرت رقابت برابر در جوامع برخوردار نیستند؛ بنابراین نظام برنامه‌ریزی موظف است با اتخاذ سیاست‌هایی، این قشر را برای رسیدن به سطوحی از توانمندی برای رقابت برابر در جامعه آماده کند.»

### ساختار آموزشی کشور نباید پایتخت‌محور باشد

**میثم هاشم‌خانی** دبیر دومین کنفرانس توسعه و عدالت آموزشی هم در این همایش گفت: «۷۰ درصد خانواده‌ها کمتر از هزار تومان در ماه برای هر فرزند دانش‌آموزشان هزینه می‌کنند.»

وی افزود: «افزایش سواد منجر به افزایش ۷/۵ درصدی درآمد در تهران و ۲/۵ درصدی درآمد در سیستان و بلوچستان می‌شود. آمار نشان می‌دهد که آموزش باید از حالت متمرکز خارج شود و ما باید از اینکه ساختارهای آموزشی پایتخت‌محور شود پرهیز کنیم.»

**هاشم‌خانی** با اشاره به پرداخت یارانه نقدی به خانوارها و سهم آن در افزایش سطح تحصیلات گفت: «زمانی که دو دهک کم درآمدتر جامعه را بررسی کردیم، متوجه شدیم که آن‌ها فقط ۸۵۰ تومان از یارانه هر ماهشان را - ۴۵۰۰۰ تومان است - صرف آموزش کرده‌اند و این نشان می‌دهد فقرزدایی آموزشی صرفاً با اختصاص پول نقد میسر نمی‌شود.»

### هنرستان‌ها سه‌ساله می‌شوند

**مهندس علی زرافشان**، معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش دیگر سخنران روز نخست کنفرانس بود. او با بیان اینکه هنرستان‌ها از سال آینده سه ساله می‌شوند، گفت: «با افزایش ساعات مهارتی، کیفیت هنرستان‌ها افزایش می‌یابد.»



**دکتر فریبا عدلی:**  
**تمرکززدایی به**  
**مفهوم انتقال قدرت و**  
**تصمیم‌گیری مشارکتی**  
**در حوزه آموزش و پرورش**  
**است. ما باید از**  
**تمرکززدایی اداری شروع**  
**کنیم و به استقلال مدرسه**  
**برسیم**

اجتماعی ایجاد کند از دست داده است.» او با بیان اینکه اهمیت مدرسه از دانشگاه بیشتر است و این به هیچ‌وجه یک شعار نیست، اظهار داشت: «نقش مدرسه فراهم کردن امکان ایجاد یک دانش مشترک است تا براساس آن جامعه دوام و استمرار داشته باشد و افراد بتوانند زندگی اجتماعی خود را شکل دهند.» به گفته قانع‌راد، مدرسه مدلی از زندگی اجتماعی است که نباید طبقاتی باشد و بر مبنای قدرت و ثروت شکل بگیرد بلکه باید مبتنی بر مناسبات انسانی، محلی و بومی باشد.»

**قانع‌راد** افزود: «فرایندهایی وجود دارد که مدرسه را تبدیل به یک نهاد انتزاعی می‌کند. یکی از این فرایندها ارتباط با بوروکراسی و دیگری ارتباط با بازار است. هر جا آموزش گرفتار فرایند بوروکراسی می‌شود و پیوند نامیمونی را با بازار برقرار می‌کند تبدیل به یک نهاد انتزاعی می‌شود که آرمان آن صنعتی شدن، گسترش تمرکز دولتی یا بازتولید بوروکراسی است به جای آنکه در خدمت نهادسازی انسانی باشد.»

وی با بیان اینکه در حال حاضر کودکان وارد مدرسه می‌شوند تا - به غلط - یاد بگیرند که این نهاد بوروکراسی است که در کشور مشروعیت دارد، گفت: «با یکسان‌سازی کتب‌درسی نظم بوروکراتیک موجود در جامعه تشدید می‌شود و با مدارس طبقه‌بندی شده و استعداد برتر، بر خبرگی و توسعه آموزشی با کیفیت بیشتر تأکید می‌شود، در نتیجه، سرمایه‌های اجتماعی در کشور تخریب می‌شود و به ازای آن صنعت کنکور رشد می‌یابد.» رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران ادامه داد: «دانش‌آموزان در این سیستم به جایی می‌رسند که کل دوران نوجوانی‌شان را به امید آینده‌ای موهوم از دست می‌دهند و فرصت لذت بردن از زندگی، شور و شوق را در بستر یادگیری اجتماعی و از طریق یک برنامه درسی جمعی نیز از دست داده و در اتاق‌های بسته با هم‌سن و سالان خود رقابت پنهان می‌کنند تا در دانشگاه‌ها پذیرفته شوند.»

وی با بیان اینکه یکی از فعالیت‌ها در راستای تمرکززدایی که می‌تواند به افزایش مشارکت کودکان در مدرسه بینجامد، این است که نظام آموزش کشور، به دنبال آن باشد

آموزش و پرورش ایران و جهان است، گفت: «ما از آموزش و پرورش صحبت می‌کنیم که بیش از ۱۳ میلیون دانش‌آموز، یک میلیون و یکصد هزار معلم و ۱۰۶ هزار مدرسه دارد و هر سال نیز ۳۰۰ میلیون جلد کتاب در ۹۰۰ عنوان منتشر می‌کند. آیا با این شرایط ما بچه‌ها را می‌شناسیم؟ آیا نیازهای فیزیکی، عاطفی، روحی و... آن‌ها را درک می‌کنیم؟ وی افزود: «بچه‌ها توانمندند و باید آن‌ها را دریافت. خانه و مدرسه باید آن‌ها را دریابند. بچه‌ها متفاوتند، باید آن‌ها را درک کرد.»

**دکتر صافی** در ادامه، با بیان این نکته که داشتن نگاه علمی به آموزش و پرورش نقش مهمی در توسعه عدالت آموزشی دارد، اظهار داشت: «نقش دانشگاه فرهنگیان در گسترش عدالت آموزشی خیلی مهم است. معلمان از دانشگاه فرهنگیان می‌خواهند که به سؤال‌های آن‌ها جواب دهد.»

**مدیران نگرهبان وسایل و منتظر برخورد با**  
**خطای معلمان**

**دکتر فریبا عدلی**، عضو هیئت علمی علوم تربیتی دانشگاه الزهراء یکی دیگر از سخنرانان دومین کنفرانس توسعه و عدالت آموزشی بود.

وی در این کنفرانس به ضرورت یافتن راه‌کارهای عملیاتی کاهش تمرکز در آموزش و پرورش اشاره کرد و گفت: «تمرکززدایی به مفهوم انتقال قدرت و تصمیم‌گیری مشارکتی در حوزه آموزش و پرورش است. ما باید از تمرکززدایی اداری شروع کنیم و به استقلال مدرسه برسیم. تأکید اصلی من بر روی مدیریت در آموزش و پرورش و به ویژه مدیریت مدارس است. مدارس ما نیازمند مدیران توانمند آموزش دیده‌ای هستند که شایستگی‌های لازم را برای انجام وظایفشان داشته باشند متأسفانه در حال حاضر اکثر مدیران مدارس ما نگرهبان وسایل هستند و مترصدند که با خطای معلمان برخورد کنند.»

**دکتر عدلی** با بیان این نکته که مهم‌ترین وظایف مدیران ظرفیت‌سازی است، گفت: «معلم بزرگ‌ترین سرمایه یک مدرسه است و باید از ظرفیت‌های او حداکثر استفاده را کرد.»

وی در پایان اضافه کرد: «تصمیم درباره زمان آموزش باید به جایی که آموزش داده می‌شود یعنی مدرسه منتقل شود.»

**نظام آموزشی کشور باید به خودش آموزش**  
**بدهد**

**دکتر محمد امین قانع‌راد** رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران، با تأکید بر اینکه مهم‌ترین کارکرد مدرسه، کارکرد اجتماعی است، گفت: «متأسفانه در حال حاضر آموزش، در کشور ما، کارکرد خود را به‌عنوان نهادی که بتواند زمینه‌ای برای شکل‌گیری عدالت و همبستگی عدالت و همبستگی

## دکتر محمود مهر محمدی: نمی‌گوییم سهم دولت را در نظام آموزشی کشور کم کنیم؛ برعکس معتقدم باید این سهم زیاد شود. حرف اصلی من این است که بقای مدرسه باید بر اساس شایستگی باشد و جلب مشارکت مردم باید اوج مطالبه حاکمیت باشد

که به سیستم آموزشی خودش آموزش بدهد، گفت: «در واقع نظام آموزشی ما پیش از آنکه به مردم آموزش بدهد، باید به دنبال آموزش دادن به خودش باشد و برنامه‌درسی آشکار و پنهان حاکم بر نظام آموزشی را که مهم‌ترین آن نظام بوروکراتیک است، مورد چالش قرار دهد.»

### ۲۰ درصد زمان آموزش در اختیار استان‌ها و مناطق است

دکتر محمودامانی تهرانی مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی ابتدایی و متوسطه نظری یکی دیگر از سخنرانان این کنفرانس بود که گزارشی از فعالیت این دفتر در جهت کاهش تمرکز در آموزش و پرورش ارائه کرد. وی گفت: «بحث کاهش تمرکز در آموزش و پرورش بحث جدیدی نیست. آن چه مهم است یافتن راه‌کارهایی برای تحقق این مسئله است. در چند سال اخیر ما شاهد یک حرکت بنیادی در آموزش و پرورش در این زمینه بودیم که حاصل تولید و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بود. این سند موجب شد که ما از کلی‌گویی رها شویم.

بند ۵-۵ سند تحول بنیادین بر این نکته تأکید دارد که حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد زمان آموزش در اختیار مدارس، مناطق و استان‌ها قرار گیرد.

همچنین بند ۲-۱۳ برنامه درسی ملی اجازه داده است که ۵۰ ساعت در طول سال برای فضای آموزش آزاد نسبت به برنامه رسمی قرار گیرد.»

### مدارس باید نان شایستگی خودشان را بخورند

دکتر محمود مهر محمدی رئیس دانشگاه فرهنگیان سخنران دیگر این کنفرانس بود. وی گفت: نگاه من به تمرکززدایی، نگاه مدیریتی است. من معتقدم در یک نظام اسلامی عدالت محور، باید مدرسه، به‌عنوان یک نهاد اجتماعی نان شایستگی خودش را بخورد. چه دلیلی دارد که یک مدرسه کم کیفیت بارانت به حیات خود ادامه دهد. چرا والدین و دانش‌آموزان باید این شرایط را تحمل کنند که مجبور باشند تعلیم و تربیت بچه‌هایشان را به این نظام بسپارند؟

دکتر مهر محمدی با بیان این مطلب که ما نیازمند



یک سازمان غیردولتی و غیررانتی در نظام تعلیم و تربیت هستیم، گفت: «عده‌ای می‌گویند معنی سخن شما خصوصی‌سازی مدارس است، در صورتی که من می‌گویم خصوصی‌سازی ناعادلانه‌ترین لقبی است که می‌توان به مدارس غیردولتی داد.»

وی افزود: «نمی‌گوییم سهم دولت را در نظام آموزشی کشور کم کنیم؛ برعکس معتقدم باید این سهم زیاد شود. حرف اصلی من این است که بقای مدرسه باید بر اساس شایستگی باشد و جلب مشارکت مردم باید اوج مطالبه حاکمیت باشد.»

### عوامل بازماندگی از تحصیل

«روزبه کردونی»، مدیر کل امور آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون هم یکی دیگر از سخنرانان این کنفرانس بود که گفت: «یکی از آسیب‌های جدی در مسائل اجتماعی به‌خصوص در مورد کودکان بازمانده از تحصیل، نبود یک سیاست ملی مدون است. در رویکرد سیاستی، از شناسایی تا تدوین راهکارها، تصویب، اجرا و ارزیابی یک مسئله مشارکت‌کنندگانی معین می‌شوند تا گوشه‌ای از کار را به‌دست گیرند.» وی افزود: «بازماندگی از تحصیل یک چالش جهانی است و دنیا تجاربی در این زمینه دارد که ما باید از آن استفاده کنیم تا در دام مسیرهای غلط طی شده نیفتیم.»

کردونی ادامه داد: «تا چند سال گذشته آمارهای دقیقی در کشورمان درباره بازماندگان از تحصیل وجود نداشت، اما اکنون به تصویر خوبی در این زمینه دست پیدا کرده‌ایم که می‌توانیم با تجمیع بانک‌های اطلاعاتی اعلام کنیم در هر استان چه تعداد کودک بازمانده از تحصیل وجود دارد.»

### سونامی مشکلات جسمی

«دکتر مهرزاد حمیدی» معاون تربیت‌بدنی و سلامت وزیر آموزش و پرورش یکی دیگر از سخنرانان کنفرانس بود. او گفت: «در آینده با سونامی مشکلات جسمی مانند پوکی استخوان و بیماری‌های قلبی و عروقی مواجهیم. ما در حوزه حرکت هنوز نیاز به حساسیت‌زایی داریم. به‌دلیل زندگی آپارتمانی و ماشینی و رشد فناوری‌های نوین، کودکان را به یکجانشینی ملزم کرده‌ایم و اصطلاح کودکان آپارتمانی، ۱۵ سال است که مطرح شده است.»

حمیدی با بیان اینکه سواد حرکتی اعتمادبه‌نفس و انگیزه ایجاد می‌کند، گفت: «کسی که سواد حرکتی ندارد خود را در طول زندگی مخفی می‌کند و اگر کودک سواد حرکتی پیدا نکند در طول زندگی از حرکت باز می‌ماند و مشکلات جسمانی پیدا می‌کند. مهارت حرکت بنیادین به اضافه حرکت‌های ورزشی، سواد حرکتی را می‌سازد.





امروز برای ورزش حرفه‌ای که باید خودگردان باشد، همه اعتبارات ورزش صرف آن می‌شود و اعتبارات ورزش کودکان و نوجوانان برابر با یک یا دو باشگاه کشور است.»

## ۵۰ درصد پرونده‌های بی‌انضباطی و فساد اداری مربوط به آموزش و پرورش است

**فردین خرازی**، رئیس امور سلامت اداری و صیانت از حقوق مردم و دبیر «هیئت عالی نظارت» سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، نیز در ادامه این کنفرانس گفت: «نیمی از پرونده‌های رسیده به هیئت عالی نظارت مربوط به آموزش و پرورش است و باید بگویم اکنون که در ماه‌های پایانی برنامه پنجم قرار داریم اگر ارزیابی کنیم که به چه میزان به اهداف پیش‌بینی شده در آموزش و پرورش رسیده‌ایم، به نتایج خوشایندی نمی‌رسیم. وی گفت: البته می‌توان علل و دلایل فراوانی را برای این وضع برشمرد و راه‌حل داده که یک راه این است که این برنامه باید توسط یک سیستم عامل به اجرا در آید.»

## توسعه عدالت و ارتقای کیفیت شعار آموزش و پرورش در برنامه ششم توسعه

**دکتر علی اصغر فانی** وزیر آموزش و پرورش در مراسم اختتامیه دومین کنفرانس توسعه و عدالت آموزشی گفت: «شعار ما در برنامه ششم توسعه، توسعه عدالت و ارتقای کیفیت در



آموزش و پرورش است.»

وی افزود: «اگر بخواهیم عدالت آموزشی را تقسیم‌بندی کنیم، در یک بعد کمی و در یک بعد کیفی طبقه‌بندی می‌شود و ما در رابطه با عدالت کمی موفق بوده‌ایم. زیرا هم اکنون حدود ۹۹ درصد افراد ۶ تا ۱۱ سال مشغول به تحصیل هستند. ما در سال‌های گذشته ۱۱۰ مدرسه تک دانش‌آموزی و ۴۸۰۰ مدرسه کمتر از پنج دانش‌آموز داشته‌ایم. هم‌اکنون نرخ پوشش تحصیلی در متوسطه اول ۹۴ درصد و متوسطه دوم ۸۲ درصد است و این حاکی از تلاش وزارت آموزش و پرورش در توسعه عدالت کمی آموزشی است.»

وزیر آموزش و پرورش در ادامه گفت: «ما برای تحت پوشش بردن دانش‌آموزان مناطق محروم در دوره متوسطه دوم از روش «روستا مرکزی» و «شبه‌روزی» استفاده می‌کنیم. هم‌اکنون بیش از ۴۰۰ هزار دانش‌آموز در مدارس شبه‌روزری مشغول تحصیل هستند و برای اسکان دانش‌آموزان، تغذیه و امکانات خوابگاهی آن‌ها نیاز داریم که به آموزش و پرورش کمک شود.»

**دکتر فانی** سپس به موضوع عدالت کیفی در آموزش و پرورش اشاره کرد و گفت: «در حال حاضر ۱۳ میلیون و ۲۵۰ هزار دانش‌آموز در مدارس کشور مشغول به

تحصیل‌اند اما آیا همه مدارس از کیفیت لازم برخوردارند؟ مدارس از نظر فضا، تجهیزات، امکانات، تجربه و کیفیت معلمان در سطوح متفاوتی هستند. بنابراین در برنامه ششم توسعه، عدالت کیفی بیش از گذشته باید مورد توجه قرار گیرد و به شش زیر نظام سند تحول بنیادین (مدیریت، نیروی انسانی، کتاب‌های درسی و محتوای آموزشی، فضا و تجهیزات، پژوهش و ارزشیابی و منابع مالی) توجه اساسی کنیم.»

وی افزود: اگر در رأس هر واحد آموزشی یک مدیر توانمند و با اختیارات لازم قرار بگیرد به‌طور یقین با همین منابع و امکانات ناقص، می‌تواند کار را به بهترین نحو پیش ببرد و شاهد ارتقای کیفیت آموزشی باشیم.»

**وزیر آموزش و پرورش** در پایان گفت: «این وزارتخانه ۴۰ میلیون مخاطب مستقیم دارد و کوچک‌ترین تصمیم آن همه را درگیر می‌کند. بنابراین همه امید ما این است که در برنامه ششم توسعه عنایتی ویژه به آموزش و پرورش شود.»

## بیانیه کنفرانس و ۸ مطالبه اجرایی

در آخرین روز دومین کنفرانس توسعه و عدالت آموزشی، بیانیه این کنفرانس نیز قرائت شد. رئیس کلی این مطالبه‌ها به شرح زیر می‌باشد.

۱. تبدیل مدارس مناطق محروم به موتور محرکه فقرزدایی در آموزش، سلامت و تغذیه، در راستای چشم‌انداز ۱۴۰۴

۲. زمینه‌سازی برای توسعه همکاری استراتژیک «شرکت‌های دارای مسئولیت‌پذیری اجتماعی» و «سازمان‌های مردم‌نهاد» در جهت اجرای برنامه‌های نوآورانه «توسعه عدالت آموزشی از بدو تولد»

۳. انتشار «عمومی» و «سالانه» شاخص‌های آماری عدالت محور آموزشی، به تفکیک استان‌ها و به تفکیک جنسیت، مطابق ابلاغیه شورای عالی آموزش و پرورش

۴. تثبیت سرفصل ویژه «توسعه عدالت آموزشی کودکان» در بودجه ۹۵ و برنامه ششم توسعه

۵. فراهم‌سازی الزامات اجرایی فرمان مقام معظم رهبری برای توسعه عدالت آموزشی با تأکید بر کودکان مهاجر

۶. استفاده از نوآوری‌های ICT جهت ارتقای کیفی آموزش و پرورش دانش‌آموزان کم درآمد و دانش‌آموزان در معرض تبعیض

۷. توسعه عدالت آموزشی از طریق «کاهش تمرکزگرایی» و «کاهش پایتخت سالاری» در محتوای درسی، افزایش «مدرسه محوری» در مدیریت بودجه و منابع انسانی، و «آسان‌سازی» و «تنوع بخشی» مشارکت مردمی در آموزش و پرورش

۸. توجه ویژه به غنابخشی عدالت محور آموزش کودکان و نوجوانان، به عنوان جانشین سرمایه نفتی، برای تثبیت «اقتصاد مقاومتی»

# نامه و نوشته ها

در اینجا اسامی همکاران معلمی که مقالاتشان را به پیام‌نگار مجله ارسال کرده‌اند و متأسفانه به دلایل مختلف در نوبت چاپ قرار نگرفته است، همراه با عنوان مقاله درج می‌شود. شایان ذکر است که به توصیه و درخواست خود همکاران معلم مقالاتی که کاربردی، کوتاه و دارای ایده آموزشی باشند پس از کارشناسی و تأیید در مجله به چاپ می‌رسد.

سید مهدی خاتمی / دبیر آموزش و پرورش اردبیل / وظیفه دانشگاه فرهنگیان در قبال فرهنگ

سعید ساحلی، نیما ارزانی / فرهنگ در آینه ضرب‌المثل هوشنگ بهداروند / دبیر ادبیات، شوشتر / مجموعه شعر فرحناز قاسمیان / دبیر تربیت‌بدنی استان مازندران / نقش مدارس در اقتصاد مقاومتی

هانیه حیدرنیا / مقایسه راهبردهای شناختی و فراشناختی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شهری و روستایی  
سهیلا غلامی هره‌دشتی / معرفی نمونه‌های مهم الگوی تدریس

سیدرضا تولایی‌زاده / آموزگار دبستان / مجموعه شعر (مادری از جنس نور)

سمیه عباسیان / دبیر آموزش و پرورش خراسان جنوبی  
شهرستان زیرکوه / یادگیری مشارکتی

رضاعلائی / استان اصفهان شهرستان دهقان / معلم در کلام استاد نبی‌اله ابراهیمی / دبیر ریاضی شهرستان کاشمر / منزلت و جایگاه معلم در فرهنگ معصومین (ع) و رهبران دینی

شهناز تنها / معاون اجرایی، شهرستان زنجان / پنجره سهیلا غلامی هره‌دشتی / رابطه تدریس و یادگیری  
مهرداد خوشناموند / کوه‌دشت / ویژگی‌های معلم مطلوب از دیدگاه شهید مطهری

رحیمه کردکتولی / آسیب‌شناسی طلاق خاموش مرتضی دادگر اصل / معاون آموزشی، استان آذربایجان غربی / شهرستان ماکو / تکنیک‌های برتر تدریس

حبیب‌اله جعفری‌زاد / آموزگار آموزش و پرورش خدابنده / تجارب یادگیری

روح‌اله غلام‌پور سدهی / بررسی جایگاه تفکر در روش‌های تدریس سنتی و روش‌های تدریس نوین

حسین پیریایی / کار فرهنگی، کار جهادی  
فریده ایمانی / تشویق و تنبیه

## زیبایی در چشم‌های من

آرپیتا بهاگات

نویسنده، شاعر، زیست‌شناس و فعال

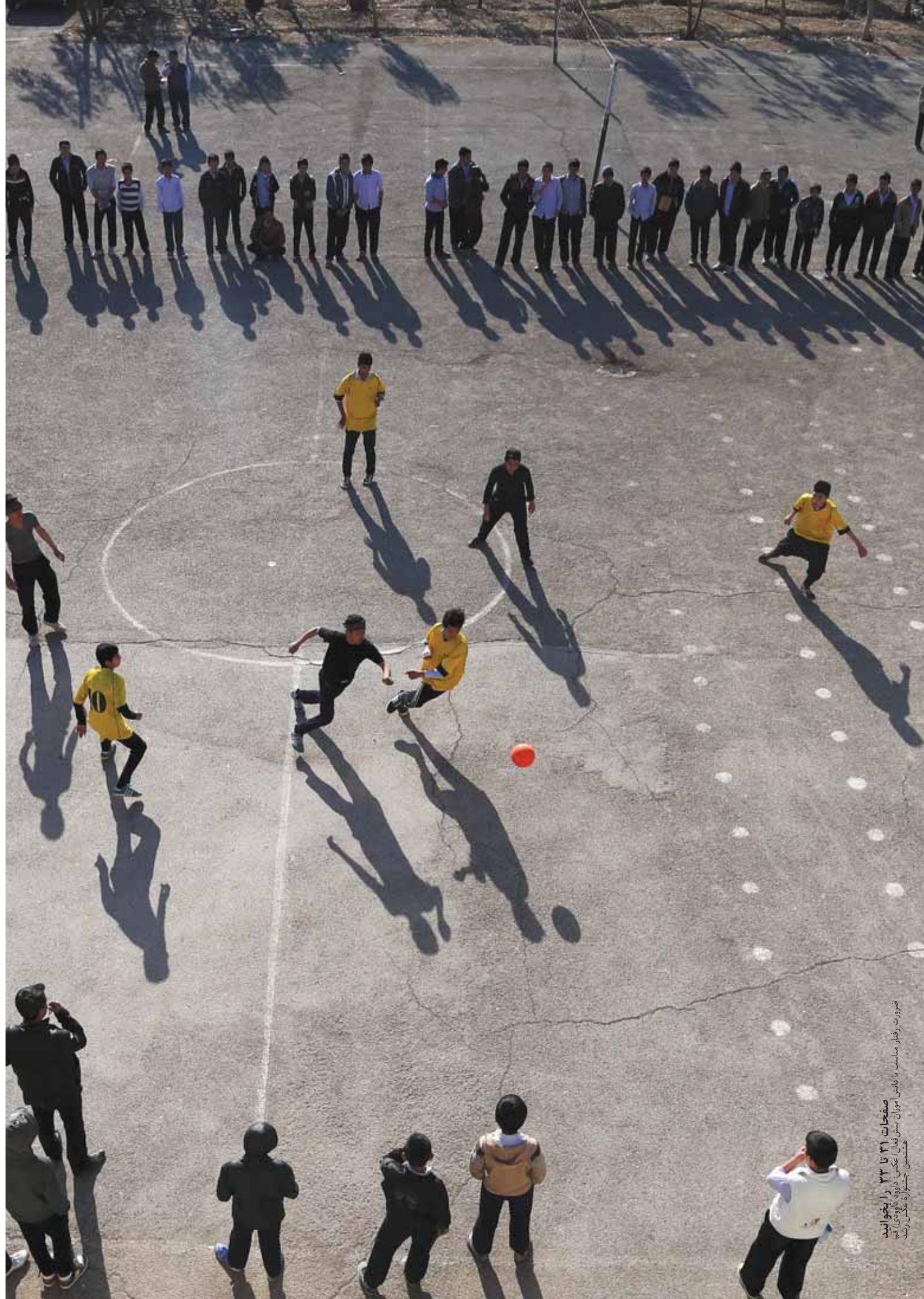
مدنی، دانشگاه دهلی نو

مترجم: مجید عمیق

### زیبایی چیست؟

نخستین گریه نوزاد  
که اشک را در چشم‌های مادرش می‌نشاند  
دست‌های چروکیده پیرمردی که تنه‌ایش گذاشته‌اند،  
اما او برای همگان آرزوی خوشبختی می‌کند.  
زیبایی فداکاری سربازان بی‌باکی است که جان خود را می‌دهند  
تا جان میلیون‌ها انسانی را که نمی‌شناسند نجات دهند.  
زیبایی عرق پیشانی کارگران بی‌خانمانی است  
که برای دیگران خانه می‌سازند.  
زیبایی لبخند جاودانه رنج‌دیدگان شجاع است  
که درد و رنج خود را برای شادی دیگران پنهان می‌کنند.  
زیبایی پاهای برهنه بی‌خانمانی‌هایی است  
که در شب سرد و مه گرفته  
با چهره‌ای گشاده گام برمی‌دارند،  
و سرشان را بالا می‌گیرند.  
و همه این‌ها از روح بلند این انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد،  
که زیبایی را ماندگار می‌سازند.





صفتحات ۳۱ تا ۳۳ را بخوانید  
تصویر و رفتار مناسب با دانش آموزان پیش دبستانی، دبستان و دبیرستان



# عکس رشد



دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، نهمین دوره جشنواره عکس رشد را برگزار می کند. این جشنواره با هدف ایجاد و تقویت ارتباط عکاسان با مجلات رشد و جلب نظر آنان به مسائل آموزش و پرورش، شناسایی عکاسان و حمایت از آن ها، ارتقای سطح عکاسی در بین فرهنگیان و دانش آموزان و بازیبنی کاستی ها و نقاط قوت آموزش و پرورش برپا می شود. از آنجا که در این جشنواره، طیف وسیعی از عکاسان، حضور دارند، یکی از جشنواره های معتبر حوزه عکس در ایران محسوب می شود. گفتنی است این جشنواره در دو بخش برگزار می شود: بخش بزرگسال: کلیه عکاسان حرفه ای و آماتور می توانند در آن شرکت کنند. بخش دانش آموزی: به دانش آموزان ۱۳ تا ۱۸ ساله تعلق دارد.

آخرین مهلت ارسال آثار: ۳۱ تیرماه ۱۳۹۵  
انتخاب و داوری آثار: مرداد ماه ۱۳۹۵  
افتتاح نمایشگاه و اهدای جوایز: مهرماه ۱۳۹۵

## امتیازها

۱. عکس های برگزیده به صورت نمایشگاهی در معرض دید عموم قرار خواهد گرفت.  
۲. به هر یک از آثار راه یافته به نمایشگاه، مبلغ ۵۰۰۰۰۰ ریال به عنوان حق التألیف پرداخت خواهد شد.  
۳. برای عکاسانی که آثارشان به نمایشگاه راه یابد، گواهی شرکت در نمایشگاه صادر می شود.

## جوایز برگزیدگان

### موضوع آموزش و پرورش

**نفر اول:** لوح تقدیر، تندیس جشنواره و سی میلیون ریال جایزه نقدی  
**نفر دوم:** لوح تقدیر، تندیس جشنواره و بیست و پنج میلیون ریال جایزه نقدی  
**نفر سوم:** لوح تقدیر، تندیس جشنواره و بیست میلیون ریال جایزه نقدی

### دو موضوع دیگر

**نفر اول:** لوح تقدیر، تندیس جشنواره و بیست و پنج میلیون ریال جایزه نقدی  
**نفر دوم:** لوح تقدیر، تندیس جشنواره و بیست میلیون ریال جایزه نقدی  
**نفر سوم:** لوح تقدیر، تندیس جشنواره و پانزده میلیون ریال جایزه نقدی  
برای هر یک از آثار راه یافته به نمایشگاه، مبلغ ۵۰۰۰۰۰ ریال به عنوان حق التألیف پرداخت خواهد شد و به عکاسان آن ها، گواهی شرکت در نمایشگاه داده می شود.

### بخش دانش آموزی

در بخش دانش آموزی، به پنج نفر، هر کدام پانزده میلیون ریال، جایزه نقدی داده خواهد شد.

خانواده، مفاخر، جشن ها و عزاداری ها، تفرج گاه ها، پارک های ملی و محلی، زیست بوم های ایرانی، جلوه های زندگی امروز، جوانان و نوجوانان ایرانی، چهره های ایرانی، لباس های محلی اقوام ایرانی، کار و زندگی و ...  
تذکره: در این دو بخش درج نشانی محل عکاسی و تاریخ ثبت عکس ها الزامی است.

### بخش ویژه

موضوع ویژه پذیرای عکس هایی با موضوعات زیر خواهد بود:  
**شعار ملی سال ۹۴:** دولت و ملت، همدلی و همزیبایی  
**و پرسش مهر ۹۴ رئیس جمهوری محترم:** «پس از توافق هسته ای، فرصت های جدید پیش روی ما از نظر علمی، فناوری، محیط کار، اقتصاد و روابط با همسایگان دنیا چیست؟»

## موضوع های بخش بزرگسال

### آموزش و پرورش

مدارس هوشمند، یادگیری مشارکتی، یادگیری فعال، معماری مدرسه، فضای مدرسه، کتابخانه کلاسی، کتابخانه آموزشی، کتاب و کتابخوانی در مدرسه و خارج از آن، جشن شکوفه ها، بازگشایی مدارس، جشن عبادت، مدارس ماندگار، کارگروهی، اردوهای جهادی، مدارس چندپایه و عشایری و روستایی، رنگ تفریح، نماز و نمازخانه، جشن ها و مراسم، آغاز سال تحصیلی، حجاب و عفاف، جشنواره های داخلی آموزش و پرورش (جشن رشد، جشنواره جابر بن حیان، روش تدریس و ...)، یوم الله سیزده آبان، عید فطر و ...

### ایران، سرزمین پر گهر

زندگی اقوام و عشایر، سبک زندگی ایرانی - اسلامی، معماری، آثار و ابنیه تاریخی، موزه ها، آداب و سنن.

## موضوع بخش دانش آموزی

در این بخش، دانش آموزان مجازند، عکس هایی با موضوع آزاد ارسال کنند.

## مقررات جشنواره

۶. ارسال آثار توسط عکاس و شرکت در جشنواره، به منزله اعلام مالکیت معنوی عکس هاست در صورت اثبات خلاف این امر، در هر مرحله ای، عکس مورد نظر از جریان جشنواره حذف و عواقب حقوقی و جزایی آن به عهده شرکت کننده است.  
۷. ارسال آثار به معنای پذیرش همه مقررات جشنواره است و تصمیم گیری در مورد مسائل پیش بینی نشده به عهده برگزار کننده است.  
۸. عکس های راه یافته به نمایشگاه با ذکر نام عکاس در تولیدات سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی استفاده خواهد شد.  
۹. آثار راه یافته به نمایشگاه به صورت لوح فشرده یا کتابچه در اختیار بازدید کنندگان قرار خواهند گرفت.

۱. شرکت همه عکاسان در این جشنواره آزاد است.  
۲. آثار ارسالی فقط به صورت «تک عکس» پذیرفته می شود و هر عکس می تواند با ارسال هفت عکس در هر یک از موضوع ها (در جمع ۲۱ عکس) در جشنواره شرکت کند.  
۳. آثار باید با حجم کمتر از ۴۰۰ کیلوبایت روی وبگاه جشنواره به نشانی [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir) بارگذاری شوند.  
۴. در صورت راهیابی عکس به نمایشگاه، ارسال عکس با اندازه اصلی ضروری است.  
۵. اصلاح رنگ، کنتراست، تیرگی و روشنی و کراپ در عکس ها، در حدی که اصالت عکس را تغییر ندهد، قابل قبول است.